

کتاب مقدس ترسایان

((ترجمه خاص))

# انجیل مرقس

مقدمه و توضیحات طبق

ترجمه بین الکلیساوی کتاب مقدس

سطح عالی

# پیشگفتار

# انجیل مرقس

۱:۱۱)، بنابراین انجیل باید به تمام ملتها اعلام گردد (۱۳:۱۰؛ ۴:۱۰). انجام این وظیفه جنبه کنونی و فعلیت داشته و مرقس پرواپی ندارد که بعضی سخنان عیسی را با آن تطبیق دهد: مثلاً پس از ناپدید شدن عیسی از خود گذشتگی و دل کشید از همه چیز به خاطر او عبارت از انجام همین عمل به خاطر انجیل می باشد (۸:۲۵ توضیح ۵:۱۰) زیرا عمل خدا که به وسیله زندگی و مرگ و رستاخیز عیسی تجلی کرده به وسیله کلامی که در این دنیا به رسولان سپرده شده ادامه دارد و انجیل اضافه بر آنکه پیامی از جانب خدا و درباره مسیح می باشد عمل خدا در بین مردمان است. وضع زمان حاضر چنین است و مرقس با شروع از این زمان به دوران گذشته توجه نموده است تا از «آغاز» سخن گوید و به استناد آن وجود مسیحیت را مشخص نموده و توصیف نماید.

**ب) عیسی مسیح پسر خدا**  
انجام وعده های خدا با گفтарها و موعده یحیی تعمید دهنده آغاز گردید که راه را برای عیسی ناصری گشود (۱:۲-۸) و عیسی که به وسیله خدا به عنوان پسرش تعیین شده و در صحراء بر شیطان پیروز گردیده اعلام و نوید انجیل را در جلیل آغاز کرد (۱:۱۴-۱۵). از

**ترتیب و موضوعات اصلی**  
دومین انجیل به صورت سلسله روایتها بی است که عموماً کوتاه بوده و بین آنها ارتباط معینی وجود ندارد. زمینه روشن و آشکار این انجیل را مطالب و نکات جغرافیایی تشکیل می دهد بدین معنی که فعالیت عیسی از شهر جلیل (۱:۱۴) و پیرامون این ناحیه آغاز می شود و تا سرزمینهای مشترکان ادامه و گسترش می یابد (۷:۸-۲۴؛ ۸:۲۷). سپس عیسی از پره و اریحا عبور کرده (باب ۱۰) و به اورشلیم فراز می آید (۱:۱۱).

ترتیب مطالب داخل کتاب بر مبنای این چهارچوب نبود بلکه شرح و بسط چند موضوع مهم است.

## الف) انجیل

از همان کلمات نخستین معلوم می شود که در این کتاب توجه به «انجیل عیسی مسیح پسر خدا» معطوف است (۱:۱) که بعداً «انجیل خدا» (۱:۱۴) یا فقط «انجیل» خوانده شده است (۱:۱۵). از دید مرقس و به همین گونه از نظر پولس این کلمه خبر خوش و «نویدی» است که خطاب به همه مردمان بوده و پذیرفتن آن توصیف و بیان ایمان مسیحی است: بدین معنی که خدا به وسیله عیسی و عده های خود را به خاطر مردمان تحقق بخشیده است (کوک

## پیشگفتار انجیل مرقس

می‌رساند (بابهای ۱۱ تا ۱۳). در اینجا نمایشی که آغاز شده است در جریان رنجها و مصائب به نقطه پایان خود می‌رسد (بابهای ۱۴ و ۱۵) و راز عیسی آشکار می‌شود. اظهارات او در برابر ساندھرین (دادگاه عالی یهود) که او را محاکوم به مرگ می‌نماید و سخنان سنتوریون به هنگام مرگ او (۳۹:۱۵) به کلام خدا که در هنگام تعمید و تجلی مسیح ادا شده بود می‌پیوندد (۱:۱۱؛ ۹:۷) و عنوانی را که در آغاز انجیل آمده است دایر بر اینکه: عیسی مسیح و پسر خداست، توجیه می‌نماید (۱:۱ توضیح b و c). در این میان هر وقت که ارواح پلید می‌خواهند راز او را افشاء کنند (۱:۲۴-۳۴؛ ۳:۱۱) یا وقتی که شاگردان او را به عنوان مسیح می‌شناسند (۸:۲۹) وادر به سکوت می‌شوند زیرا معنی و مفهوم این سخنان نمی‌بایستی پیش از فرا رسیدن رنجها و مصائب آشکار گردد.

روایت رنجها و مصلوب شدن عیسی اوج مطالب این کتاب را تشکیل می‌دهد. مقدمات این وقایع نه تنها در برخورد و رویارویی عیسی با مخالفانش در اورشلیم آماده شده و قبلاً پس از بیان ایمان پطرس اعلام گردیده و حتی در اوایل کتاب تذکر داده شده است بلکه این وقایع پاسخ به سؤالی است که در نخستین عمل عیسی در ملاء عام در انجیل مرقس مطرح شده است (۱:۲۷) می‌توان دریافت به چه سبب این کتاب درباره نکته‌ای که آن را «راز مسیح» می‌نامد اصرار ورزیده است (ر. ک ۱:۳۴ توضیح p؛ ۷:۱۴ توضیح v و ۸:۸؛ ۱۰:۳۴-۳۲) خواننده را تا مرحله رویارویی و برخورد عیسی با دشمنانش در اورشلیم سبب است که عیسی در دوران زندگی زمینی

این تاریخ نمایشی واقعی آغاز می‌شود که عبارت از ظهر مسیح، پسر خدا بوده و در دو مرحله معین و مشخص جریان می‌یابد.

۱- در مرحله نخست بسیاری از مردمان قدرت تعلیمات و کارهای عیسی را برضد نیروهای شر و بدی تصدیق می‌کنند (۱:۲۱-۴:۴۵؛ ۳:۷-۱۰...) ولی این موضوع که عیسی پسر خداست بایستی مکتوم بماند (۱:۲۵، ۳:۱۲). کسانی که قوانین موسی را دقیقاً و موبه مو اجرا می‌کردند مخالفت خود را اعلام می‌کنند (۲:۳-۶) تا بدانجا که عیسی را وسیله‌ای در دست فرمانروای شیاطین معرفی می‌نمایند (۳:۲-۲۲). با این همه شاگردان عیسی از سایر افراد جمعیت به کلی متمایز هستند (۴:۱۰، ۳۳-۳۴) و در بین آنان این سؤال که طبعاً هر کسی می‌پرسد مطرح می‌شود: «این چیست؟» (۱:۲۷) و در پی آن سؤال دیگری می‌آید: «پس او کیست؟» (۴:۴۱). به این سؤالات پاسخهای مختلفی داده شده است (۶:۱۴-۱۶، ۸:۲۷-۲۸) و با وجود اینکه شاگردان از رسالت عیسی ادراک و شناسایی عمیقی ندارند (۶:۲۵، ۸:۱۴-۲۱) بالاخره از زبان پطرس درمی‌یابند که او مسیح است (۸:۲۹) ولی به آنان دستور داده می‌شود در این باره چیزی نگویند (۸:۲۰).

۲- از اینجا به بعد آموزشی نوآغاز می‌شود که عبارت از این است که پسر انسان بایستی از دوران رنجها، مشقت، مرگ و رستاخیز گذر کند. این آموزش که سه بار تکرار شده است (۸:۸؛ ۹:۳۱-۳۳؛ ۶:۹؛ ۹:۳۲؛ ۱۰:۱۰) خواننده را تا مرحله رویارویی و برخورد عیسی با دشمنانش در اورشلیم

## پیشگفتار انجیل مرقس

این هماهنگی رفته رفته نزدیکتر می‌شود. مثلاً جریان فراخواندن چهار شاگرد به منظور اینکه به صید آدمیان بپردازند (۲۰:۱۶؛ ۱:۱۶)، انتخاب دوازده تن برای زندگی با او و انجام رسالت (۳:۱۹-۱۳) و بالاخره خود رسالت (۶:۷-۱۳)، به همراه این سه روایت منظره‌های کلی از فعالیت عیسی یا واکنشهایی که ایجاد می‌کرد آمده است (۱:۱۴-۱۵؛ ۳:۷-۱۲؛ ۶:۱۴-۱۶). چنانکه گویی گوینده داستان احساس می‌کرده لازم است پیش از ادامه شرح وقایع وضعیت را روشن و تشریح نماید.

در بخش اول (۱:۱۶-۳:۶) شاگردان بدون هیچ گونه فعالیتی در کنار عیسی می‌مانند ولی در برابر انتقاداتی که به سبب عدم رعایت مقررات شرعی یهود از آنان به عمل می‌آید عیسی دفاع کرده و نشان می‌دهد وابسته به آنان است (۲:۱۳-۲:۸). در بخش دوم (۳:۶-۷:۶) شاگردان در برابر مخالفان عیسی و همچنین در برابر خویشاوندان نسبی او قرار دارند (۳:۲۰-۳:۳۵) و عیسی آنان را از جمعیت تمایز دانسته از آموzes مخصوصی برخوردار می‌نماید (۴:۱۰، ۲۵، ۳۳-۳۴) و این امتیاز را دارند که شاهد معجزه‌های شگفت‌انگیز او باشند (۴:۳۵-۵:۳۴). بخش سوم با عزیمت و بریدن از ناصره آماده می‌شود (۶:۷-۸:۳۰). در این بخش دوازده تن که به مأموریت اعزام شده‌اند به صورت «رسول» ظاهر می‌شوند (۶:۳۰-۳:۳۰) و مأموریت دارند جمعیت را تغذیه نمایند (۶:۳۴-۴:۴۴)، با این همه شاگردان مطالبی دریافت می‌کنند که در حوصله ادراکشان نمی‌گنجد (۶:۴۵-۴:۵۲). عدم بصیرت و ادراکشان که

خود به مانند دوران بعد از جشن گذر شناخته نشده بود ولی نظر به اینکه این راز عناوینی در بردارد که با آنها ایمان مسیحیت بیان می‌شود (۸:۸-۱:۱) مثل این است که مرقس خواسته است نشان دهد تا زمانی که حقیقت آنها با تحقیر و مصلوب شدن عیسی شناخته نشده باشد زمان بیان این عناوین نرسیده و برای یهودیان و مشرکان مبهم و مشکوک می‌باشد.

### ج) عیسی و شاگردان

در «آغاز» انجیل مرقس عیسی به تنها بیان ظاهر نشده بلکه با شاگردان است که به وسیله آنان عملی که شروع شده باید پیگیری گردد. از همان ابتدای فعالیت در جلیل، مرقس فراخواندن چهار ماهیگیر را ذکر کرده که عیسی را پیروی می‌نمایند بدون اینکه از نظر ترتیب زمانی یا روانشناصی امکان احتمال آن را در نظر گرفته باشد (۱:۱۶-۲:۲۰). سپس همواره شاگردان به همراه استاد هستند مگر موقعی که آنان را برای موعده و نوید اعزام می‌نماید (۶:۷-۷:۳۰). فقط در دوران رنجها و صلیب پس از اینکه شاگردان فرار می‌کنند عیسی تنها می‌ماند ولی کتاب به پایان نمی‌رسد بدون اینکه اعلام شود شاگردان دوباره در اطراف عیسی که رستاخیز کرده بود جمع شده‌اند (۱۴:۱۶-۲۸:۷) ضمناً در این روایتها با توجه به محل و موقعیتی که برای شاگردان قائل شده است می‌توان چندین بخش تشخیص داد.

۱- در نخستین مرحله پدیدار شدن عیسی در سه صحنه نشان داده شده است که بین او شاگردانش همبستگی و همکاری وجود دارد و

(۱۱: ۲۰-۲۵)، به آنان هشدار می‌دهد به ملاحظه وقایعی که برای پسر انسان روی خواهد داد چه رفتاری پیش‌گیرند (۱: ۱۳-۳۷)، معنی و مفهوم مرگ خود را در انتظار فرا رسیدن ملکوت خدا روشن می‌کند (۱۴: ۱۴-۲۲، ۲۵-۲۶)، به آنان پیشاپیش خبر می‌دهد که او را ترک خواهند کرد (۱۴: ۱۶-۳۱)، در برابر وسوسه هشدار می‌دهد (۱۴: ۳۷-۴۰) ولی فرار شاگردان در جتسيمانی و انکارهای پطرس نشانه عدم موفقیت آنان در پیروی از عیسی است. با اين همه، همه چیز تمام نشده است زیرا پس از رستاخیز، عیسی قبل از آنان در جلیل است (۱۴: ۱۶-۲۸).

اصرار بر اینکه شاگردان عیسی در باور داشتن و ايمان آوردن کند هستند، عدم ادراک مداوم آنان و جهالت و قصورشان در ساعتی که عیسی به عنوان مسیح پس خدا تحقق می‌پذیرد مسمماً به منظور معین و سنجیده‌ای است زیرا نقش شاگردان به عنوان ادامه دهنده انجیل شناخته شده و این نکته مانع از آن است که مستقیماً بر ضد نخستین شاگردان عیسی بحث و مذاکره‌ای نمود بلکه چون ايمان به عیسی فقط پس از گذر بسط و توسعه یافته است امكان دارد در نظر مرقس دوران زندگی زميني عیسی دوران ظهور واقعی بوده که به سبب ضرورت حفظ راز و عدم ادراک شاگردان از افشاء آن جلوگیری شده است ولی همین نکته اهمیت و ارزش راز عیسی را که در خارج از ايمان دوران عید گذر درک نمی‌شود ظاهر می‌سازد.

ضمناً ايمان شاگردان نمونه ايمان مسيحيان است که امكان دارد در درک و

قبل‌اً در مورد داستانهای تمثيلي مورد انتقاد قرار گرفته بود (۱۳: ۴) شدیدتر می‌شود (۶: ۵-۷، ۸: ۱۴-۲۱) و درمان مرد کوری که در پایان این بخش آمده (۸: ۲۲-۲۶) برايشان ارزش سرمشق و اشاره دارد (ر. ک ۲۲: ۸ توضیح d).

- ۲- پس از اعتراف پطرس که عیسی را به عنوان مسیح می‌شناسد سه بار رنجها و صليب و رستاخیز اعلام شده و هر بار با عدم ادراک و تفاهم شاگردان مواجه می‌گردد و منجر به اظهاراتی قاطع و صریح شده که درباره وضعیت شخصی (۸: ۳۴-۳۸)، وضعیت اجتماعی (۹: ۳۳-۳۵، ۱۰: ۵۰-۴۵) و درباره کسانی است که باید به دنبال عیسی بیایند در حالی که صليب خود را به دوش می‌گیرند. هنگامی که جمعیت یا کسانی غیر از شاگردان در صحنه وقایع هستند عیسی به ویژه به این افراد خطاب کرده یا الزامات خود را توضیح می‌دهد (۹: ۲۸-۲۹، ۱۰: ۱۰-۱۶، ۲۳: ۱۰-۲۱). در اینجا موضوع کلام مرتب‌اً از استاد به شاگرد معطوف شده و در مورد هر کدام از فروتنی و حقارت اختیاری به شکوه و جلال موعود پرداخته می‌شود ولی در صورتی که عیسی می‌خواهد شاگردان را در سرنوشت خود سهیم سازد آنان بی‌ بصیرت باقی می‌مانند. مجدداً این بخش با درمان مرد کوری پایان می‌يابد که به دنبال عیسی به راه می‌افتد (۱۰: ۴۶-۵۲).

در دو بخش بعدی (بابها ۱۱ تا ۱۳ و ۱۴ تا ۱۶) عیسی با جمعیت مردم، با مخالفان و با قضات نشان داده شده است. گفتگو با شاگردان متعدد و مهم است. عیسی آنان را با نیروی ايمان و قدرت نيايش آشنا می‌سازد

## پیشگفتار انجیل مرقس

مرقس بدون آنکه از ادبیات مایه بگذارد تصویر زنده انسانی را ترسیم کرده است که با واکنشهای غیرمتربقه، با ترحم و رقت یا تنید و خشونت، با حالت شگفتی یا سخنان قاطع و برندۀ اش به هیچوجه با تصاویر پیش ساخته تطبیق نمی‌کند. تمام روح او در یک نگاهش متجلی است، نگاهی که ممکن است اکنده از خشم یا سرشار از مهربانی باشد (۳:۵، ۳:۲۴)، نگاهی که متضمن سؤال یا محتوى توجه مخصوص است (۱۱:۱۱، ۱۱:۳۲)، سرشار از محبت و تأثر (۱۰:۱۱)، اندوهگین یا توأم با آرامش باشد (۱۰:۱۱-۲۷). کسانی که در برابر او قرار می‌گرفتند ممکن بود هرگونه وضع و رفتاری اتخاذ کنند: تعجب کرده یا چار بہت و حیرت شوند، بدگمان شده یا تصمیم به قتل او بگیرند. و شاگردانش ممکن بود نسبت به او علاقه و محبت بی دلیل و منطق داشته باشند یا او را ترک گویند.

### اصل و منشاء کتاب

تقریباً از همان سال ۱۵۰ میلادی پاپیاس، اسقف شهر هیراپلیس گواهی کرده بود که دو میان انجیل به مرقس «مترجم پطرس در رم» انتساب دارد. ممکن است این کتاب در شهر رم و پس از مرگ پطرس نوشته شده باشد (بنابر آنچه قدیس ایرنائوس در قرن دوم میلادی در رساله‌ای علیه پیروان مارسیون نوشته است) یا اینکه (بر طبق نظر کلمانت اسکندریه) در دوران حیات پطرس نگارش یافته است. در مورد هویت نویسنده، او را همان یوحنا مرقس دانسته‌اند که اصلاً از اهالی اورشلیم (اع:۱۲) و همراه پولس و برنابا بوده است (اع:۱۲؛ ۲۵:۱۳؛ ۵:۱۳).

دریافتمن کشف و شهود الهی تأخیر داشته باشند. صلیب به عنوان وسیله لغزش باقی می‌ماند. برای اینکه انجیل واقعاً بشارت داده شده و پذیرفته گردد تنها کافی نیست نسبت به عبارات بیان ایمان و فادر بمانند بلکه بایستی زندگی صحیح و درستی را در پیروی عیسی ادامه دهند. درک راز مسیح از آشنایی دشوار و تدریجی شرایط زندگی پیروان جدا نیست.

### روش مرقس

معمولًاً مرقس را به سبب هنر داستان سرایی اش ستوده‌اند. اگر تعداد کلماتی که بکار برده محدود و ناچیز است (مگر برای بیان چیزهای مادی و محسوس و واکنشهایی که عیسی بر می‌انگیخت) عبارات و جملات به هم پیوستگی و اتصال ندارند، در افعالی که به کار برده رعایت تطبیق زمانها نشده است، همین بی‌مهرتی‌ها شیوه نگارش او را نزدیک به روایت شفاهی درآورده است. به هر صورت با اینکه جزئیاتی به صورت زنده و طبیعی بکار رفته با این همه انشا ساده و اختصار مطالب نشان می‌دهد که مدارک و منابع مورد استفاده این کتاب روایاتی بوده که برای استفاده جمعیتهای اولیه تهیه و تنظیم می‌شده است. هنگامی که داستان سرا وقایع را توصیف و مجسم می‌نماید مثل کسی نیست که شاهد عینی بوده و آنها را به طور ساده و سطحی تعریف کند. ضمناً در این کتاب وقایع مختلف به ترتیب زمان وقوع ذکر نشده، حالت روحی اشخاص مورد توجه نبوده و تصویر جمعیت به طور یکنواخت ذکر گردیده است بنابراین نمی‌توان این انجیل را به صورت تاریخ ساده‌ای از زندگی عیسی بخوانیم. ولی

## پیشگفتار انجیل مرقس

قابل شده و او را مترجم پطرس خوانده است واضح و روشن نیست. ولی در بیشتر مواردی که جزئیات توصیف شده و روایت حالت گواهی عینی یافته جایگاهی که برای پطرس قائل شده گویای آن است که از روایاتی استفاده شده که منشأ آنها پطرس می باشد. ضمناً از میان دوازده تن رسولان فقط یعقوب و یوحنا گواهی پطرس را تضمین کرده اند گرچه از او تعریف نمی کنند و همیشه موقعیت و نقش خوبی ندارد با این همه نشانه ای از بحث و انتقاد علیه او وجود ندارد.

به این ترتیب مسئله مدارک و منابعی که مورد استفاده مرقس قرار گرفته به جای خود باقی است و منتظرین در این باره نظریات متفاوتی دارند. مثلاً هرگاه با انجیل‌های متی و لوقا مقایسه و برابری شود اهمیت انجیل مرقس به عنوان منبع انجیل‌های مذکور معلوم می گردد یا اینکه می توان تصور کرد قبل از نگارش انجیل مرقس مجموعه و ترکیبی از روایات درباره عیسی وجود داشته است. به هر صورت هر فرضیه ای که پذیرفته شود با توجه به طرز انشای مرقس می توان حدس زد که قبل اسلسله روایاتی وجود داشته و اعمال و سخنان عیسی نقل می شده بدون اینکه به صورت مجموعه ای از شرح زندگی و آموزش او درآمده باشد مثلاً روایت رنجهای عیسی و مصلوب شدن او در ابتدا به صورت یک رشته روایت‌های این وقایع و شامل چند قسمت بوده است. همچنین یک دسته از وقایع ساده و مختصر نظیر «روز کفرناحوم» (۲۱:۱-۲-۳) یا بحث و مجادله‌ها (۶:۲-۳) قبل و خیلی زود تشکیل و تنظیم شده بود که جزو منابع مرقس قرار گرفته اند.

۱۵:۳۷؛ کول ۴:۳۹-۳۹) و سپس برابر نخستین نامه پطرس با او در «بابل» که احتمالاً منظور شهر رم می باشد بسر می برده است.

در اینکه این کتاب در رم نوشته شده و تاریخ نگارش آن پس از سال ۶۴، دوران تعقیب و شکنجه مسیحیان به وسیله نرون می باشد تردیدی نبوده و مورد قبول همگان است. بکار بردن بعضی کلمات لاتین که به صورت یونانی درآمده و موارد بسیاری از ترکیب کلام لاتین نشانه ای بر این امر است. از سوی دیگر با توجه به اینکه در مورد عادات و رسوم یهودیان توضیحاتی داده شده (۷:۳-۴؛ ۱۴:۱۲؛ ۱۵:۴۲) و ترجمه کلمات زبان آرامی ذکر گردیده و درباره ارزش انجیل برای مشرکان تأیید و تأکید شده است می توان تصور نمود که این کتاب برای مردمان غیریهودی نگاشته شده که در خارج از فلسطین بسر می برده اند. ضمناً چون تأکید و اصرار می شود که صلیب خود را حمل کرده عیسی را پیروی نمایند امکان دارد به سبب وقایع روز و وضعیت مخصوصی می باشد که جمعیت مسیحیان را در دوران تعقیب و شکنجه های نرون متزلزل می کرده است. وانگهی در انجیل مرقس از ویرانی معبد اورشلیم یاد شده بدون اینکه به وقایع سال ۷۰ میلادی و طرز انهدام معبد اشاره دقیقی شده باشد (با این تفاوت که متی در ۲۱:۲۰ و لوقا در ۲۱:۲۲ به این نکته اشاره کرده اند). بنابراین می توان گفت تاریخ نگارش دومین انجیل بین سالهای ۶۵ و ۷۰ میلادی است.

تعیین ارتباط با آموزش پطرس دقیق تر و دشوارتر است. عنوانی که پایپاس برای مرقس

## پیشگفتار انجیل مرقس

شده و اسمای اشخاص و محلها مربوط به روایات بسیار کهن است. آموزش‌های عیسی، تاکید و اصرار بر اینکه ملکوت خدا نزدیک است، داستانهای تمثیلی، مباحثه‌ها و جدلها و راندن ارواح پلید که در این انجیل ذکر شده ریشه تاریخی خود را در زندگی عیسی در فلسطین دارند. مبنای این مطالب مستقیماً از حافظه و خاطرات اشخاص ناشی نشده بلکه در ابتداء آنها را به منظور موعظه، آموزش مذهبی، بحث و جدل یا برگزاری آینین مذهبی در کلیسا تهیه و تنظیم کرده بودند و ریشه آنها گواهی نخستین شاگردان عیسی بوده است.

مرقس بدین سبب در خور تقدیر است که این مطالب را موقعی ثبت کرده که زندگی کلیساها در خارج از ناحیه فلسطین انتشار می‌یافتد و نظریات و اندیشه‌های علوم الهی که با تمدن‌های خارجی برخورد می‌کرد و ممکن بود تماس خود را با مبانی انجیل از دست بدهد. مرقس موفق شده است منظره یک زندگی پرهیجان را که به دشواری می‌توان درک کرد به صورت زنده و محظوظ شدنی حفظ کند. به این سؤال که: «این مرد کیست؟» مرقس پاسخی آورده است که همان پاسخ پیروان نخستین و اولین گواهان می‌باشد ولی برای کسی که فقط به تکرار این پاسخ بسنده می‌کند مجدداً سؤال را مطرح ساخته و یادآوری می‌کند که ایمان به وسیله تعهد بی قید و شرط در پیروی از عیسی به محک آزمایش درمی‌آید و عیسی همواره به وسیله انجیل در میان مردمان فعل است.

سؤال دیگری که بدون جواب مانده این است: آیا در اصل کتاب چگونه پایان می‌یافته است؟ عموماً پذیرفته شده که قسمت آخر کتاب به صورت کنونی ۱۶:۹-۲۰ بعد از افزوده شده تا پایان یافتن ناگهانی آن را در آیه ۸ تصحیح نماید (ر.ک ۱۶:۹) ولی هرگز نخواهیم دانست آیا پایان اصلی کتاب مفقود شده یا اینکه مرقس معتقد بوده است یادآوری و مراجعه به روایت ظاهر شدن‌های جلیل که در آیه ۷ به آنها اشاره شده برای خاتمه دادن به کتاب کافی است.

## اهمیت کتاب

به نظر ما انجیل مرقس نخستین نمونه شناخته شده از ادبیاتی است که انجیل نامیده می‌شود. قبل از قرائت و استفاده در کلیسا ترجیح می‌دادند به جای انجیل مرقس از مجموعه ترکیبات دیگری که بعداً نوشته شده و مفصل تر هستند نظری انجیل متی و لوقا استفاده نمایند ولی بر اثر بررسی‌های ادبی و تاریخی که در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ به عمل آمد مجدداً ارزش و اهمیت انجیل مرقس آشکار شده است. امروزه تاریخ زندگی عیسی را بر مبنای ترتیب توالی تاریخی که در انجیل مرقس ذکر گردیده تهیه و تنظیم نمی‌کنند با این همه خشونت الفاظ و کلمات، عدم ظاهرآرایی، فراوانی کلماتی که از ریشه سامی است و جنبه ساده و ابتدایی الهیاتی که در انجیل مرقس آمده نشان می‌دهد که در تهیه این انجیل از مدارک و منابع قدیمی استفاده

# انجیل مرقس

تو می فرستم تا راه تورا هموار کند. <sup>d</sup>	یحیی تعمید دهنده (متی ۱:۳-۶؛ ۱۲-۱۱)
۳ صدای آن کس که در صحرا فریاد برمی آورد:	لوقا ۳:۱-۶؛ ۱۵-۱۸
راه خداوند را آماده سازید، بو ۳۲:۱	۱ آغاز نوید <sup>a</sup> عیسی مسیح <sup>b</sup> ، پسر خدا <sup>c</sup> آن چنان که در اشعیای پیامبر نوشته شده است:
کوره راههای وی را راست گردانید. <sup>e</sup>	اینک من نوید دهنده خویش را پیش از

a- کلمه «نوید» ترجمه کلمه یونانی «انجیل» است که اصلاً به معنی «خبر خوش» و «مزده» می باشد. ضمناً انجیل نام یکی از کتابهای عهد جدید نیست بلکه نوید نجات و رستگاری است که عیسی مسیح آورده و رسولان آن را موظله و منتشر کرده اند (روم ۱:۱ توضیح d) و «انجیل خدا» (۱:۱؛ روم ۱:۴) که سرچشم نجات و رستگاری و اعلام آن است. همچنین «انجیل عیسی مسیح» است (۱:۱؛ روم ۱:۱۵) که آن را موظله کرده و آموزش داده است (۱:۱۴) و پس از رستاخیز، خودش موضوع این نوید شده است. انجیل بایستی به همه ملتها اعلام شود (۱:۱۰؛ ۱۳:۹؛ ۱۴:۱؛ ر. ک ۱:۱۶). اعلام انجیل مستلزم فدایی و از خود گذشتگی نظیر از خود گذشتگی عیسی می باشد (۸:۳۵؛ ۸:۲۹؛ ۱۰:۲۹). در حقیقت عمل خدا که در زندگانی و اعمال عیسی تجلی کرده بود باز هم به وسیله سخن خدا که شاگردان عیسی حامل آن بوده اند پدیدار می گردد (ر. ک ۱:۴؛ توضیح t) و عیسی مسیح رستاخیز کرده در این امر با آنان اقدام می کند (ر. ک ۱:۱۶). مرقس قصد دارد «سرآغاز» تاریخ انجیل را بنویسد یعنی از آغاز ندای یحیی تعمید دهنده (۱:۲۱-۲:۱) که از همان زمان به وسیله او عمل خدا پدیدار شده (۱:۱۱-۲:۲۹) و خدا وعده های خود را به انجام رسانده است (۲:۱؛ ۲-۳) و بنا به نوشته مرقس پیام یحیی بر عیسی منمرکر می باشد (۱:۷؛ ۱:۸)، ر. ک اع ۱:۱۰؛ ۲:۲۲؛ ۱:۳۷).

b- کلمه مسیح اصلاً به معنی کسی است که با تدهین مسح شده باشد و یهودیان این کلمه را در مورد کسی به کار می بردند که منتظر بودند باید و قوم یهود را نجات بخشد. مرقس این کلمه را به معنی جدید در مورد عیسی بکار برد است (۹:۶؛ ۹:۱؛ ۳۵-۳۷). در انجیل مرقس فقط یک بار، یک نفر عیسی را بعنوان مسیح موعود شناخته و این شخص پطرس است ولی بلافصله عیسی او را وادر به سکوت کرده است (۸:۲۹-۳۰) و عیسی فقط در جریان محاکمه خود این عنوان را پذیرفت (۱:۱۴؛ ۶:۱-۶).

c- عنوان «پسر خدا» هر چند در تمام نسخه های قدیمی انجیل وجود ندارد، اما به هر صورت بیان نظریه و افکار مرقس است. این عنوان الهام از خدا (۱:۹؛ ۷:۷) و افشا شده به وسیله دیوها است (۳:۱؛ ۱۱:۷؛ ۵:۷) با این همه بایستی بینهان بماند ولی عیسی در جریان محاکمه خود آن را پذیرفت (۱:۱۴-۶:۲۲) و یکی از افراد غیر یهود پس از هرگ عیسی این عنوان را بر زبان راند (۱:۱۵-۳:۳۹).

d- این عبارت قسمتی از ترجمه یونانی خروج ۲:۲۰-۲:۲۳ از مادر ۳:۱ نقل شده است. راه خداوند که در ملاکی ذکر گردیده در اینجا راه مسیح موعود شده و یحیی که پیام آور خدا است مأمور آمده کردن آن است (ر. ک بو ۶:۶ توضیح a).

e- این عبارت از ترجمه یونانی اش ۳:۴-۳:۴۰، در اینجا در مورد آمدن مسیح موعود بکار رفته است.

f- این عبارت به صورت: «یحیی در صحرا پیدا شد در حالی که تعمید می داد و ندا می داد...» نیز آمده که ترجمه تحت الفظی آن «یحیی که تعمید می داد» می باشد. در ۶:۱۴، ۲۰، نیز به همین صورت است. در جاهای دیگر مثل ۶:۲۵؛ ۸:۲۸ و در سرتاسر انجیلهای متی و لوقا «یحیی تعمید دهنده» آمده است. در مورد «در صحرا» ر. ک مت ۳:۱ توضیح c؛ لو ۳:۳ توضیح c.

کمر<sup>k</sup> بود و ملخ و عسل وحشی می خورد.  
و ندا می داد: «پس از من کسی می آید که  
از من توانا نتر است و من لایق نیستم تاخم اع  
۲۵:۱۳ شده بند پای پوشاهی او را باز کنم.<sup>l</sup> من شما  
را با آب تعمید داده ام، امّا او شما را با  
روح القدس تعمید خواهد داد.<sup>m</sup>

اع<sup>۴:۱۹</sup>، ۲۴:۱۳) حالی که برای بخشایش گناهان تعمید تویبه<sup>h</sup> را ندا می داد<sup>۵</sup>. و از سراسر کشور یهودیه و همه ساکنان اورشلیم به نزد او بیرون آمدند و با اعتراف به گناهان خود<sup>۶</sup> از وسیله او در نهر اردن<sup>۷</sup> تعمید می یافتند. و یحیی یوشیده به پشم شتر و لنجکی چرمین بر

- کلمه «تمعید» که در عهد جدید در مورد تعمید یحیی و تعمید مسیحی یکبار رفته با شست و شوها یی که یهودیان برای طهارت و زدودن ناپاکی های شرعاً انجام می داده اند بستگی دارد (یهودیه ۷:۲؛ بنسی ۳:۴؛ مر ۵:۲۵؛ عبر ۶:۲؛ ۶:۲۶؛ ۹:۱۰). در اوآخر قرن اول میلادی بت پرستانی که می خواستند به دین یهود بگروند لازم بود برابر مقررات و مرااسم مخصوصی در آب داخل شوند و در زمان یحیی نیز بعضی از نهضت های مذهبی این ترتیبات را مرااعات می کردند مثلاً در جامعه مذهبی قران کسانی که عضو این گروه بودند لازم بود هر روز مرتباً در آب غوطه ور شده و بدین وسیله طهارت و پاکی را به عنوان آرمان و هدف خود ابراز نمایند، گرچه این شست و شوها جای توبه و پاکی درونی را نمی گرفت و در انتظار خلوص و پاکی اساسی بودند (مقررات ۲:۲۵-۲:۲۵-۳:۱۲). البته تعمید یحیی نوع دیگری است زیرا آن را به همه مردمان پیشنهاد کرده و خودش انجام می داد و این تعمید به عنوان آمادگی نهایی برای تعمید داوری روز آخر (ر. ک ۸:۱ توضیح m) فقط یک بار انجام می گردد. تعمید یحیی بیانگر شرط اساسی تعمید روز آخر می باشد که دکرگون ساختن زندگی است (ر. ک مت ۳:۲ توضیح f) و هدف آن بخشایش گناهان است که از همان موقع در انتظارش بودند و به احتمال قوی به عنوان عطیه ملکوت خدا اعلام می گردد (ر. ک و عده های تصفیه قوم اسرائیل: آش ۱:۱۶؛ ۴:۴؛ حرق ۳:۲۵؛ ۶:۲۵).

### تجربه شدن عیسی در بیان

(متی ۱۱:۴؛ لوقا ۴:۱-۱۳)

۱۲ و همان دم<sup>۱</sup> روح القدس او را به صحرای راند.<sup>۲</sup> و به مدت چهل روز<sup>۳</sup> در صحرابه وسیله شیطان<sup>۴</sup> تجربه می شد و با وحش<sup>۵</sup> عبر<sup>۶</sup>،<sup>۷</sup> می بود و فرشتگان او را خدمت می کردند.<sup>۸</sup>

### موعظة عیسی در جلیل

(متی ۱۲:۴؛ لوقا ۴:۱۴-۱۷)

۱۴ و پس از تسلیم کردن یحیی، عیسی به بو<sup>۹</sup> جلیل آمد<sup>۱۰</sup> در حالی که انجیل خدا را ندا

### تعمید عیسی

(متی ۱۳:۳؛ لوقا ۲۱:۲-۲۲)

<sup>۹</sup> باری در آن روزها عیسی از ناصره جلیل آمده به وسیله یحیی در اردن تعمید یافت.<sup>۱۰</sup> و همان دم چون از آب بیرون می آمد، دید که آسمانها شکافته شده<sup>۱۱</sup> و روح چون کبوتری به سوی او نازل می شود.<sup>۱۲</sup> و صدائی از آسمانها [رسید]: «تو هستی آن پسر من، آن محبوب، از تو خوشیدم».<sup>۱۳</sup>

روح القدس را بر عیسی که برتر از هر پیامبر است خواهد ریخت (متی ۱۲:۴-۱۱ توضیح ۵). حتی بالآخر از موسی، چون مکاشفه را به کمال خواهد رساند (مت ۵:۱۷ توضیح ۵). او موسای نوین و به اعلای درجه آن پیامبر موعود است که همه باید از او اطاعت کنند (تث ۱۵:۱۸-۱۸) چون تعلیمیش برتر از تعلیم موسی می باشد (مر ۱:۱۰-۱۲) و نزول روح القدس را که الشیعی نبوت کرده بود به انجام می رساند (لو ۳:۲۱-۱۸ توضیح ۴). بنابراین او زمان آخر و ملکوت خدا که خلقشی نوین می باشد افتتاح می کند (ر.ک یو ۷:۷ توضیح ۱).

<sup>n</sup>- ورود عیسی به صحنه وقایع، نظری همان کسی است که یحیی اعلام می کرد. ضمناً توجه کمتری به تعمید عیسی شده تا به بیانات آسمانی که پس از تعمید اظهار گردیده است، آیات ۱۰-۱۱. مرقس در این مورد از هیچ شاهد دیگری غیر از عیسی نام نمی برد و این روایت به عنوان کلیدی کتاب به خوانندگان اعلام شده است. (در مورد نام عیسی ر.ک یو ۶:۶ توضیح ۱)

<sup>۰</sup>- آسمانها به مانند پارچه ای پاره می شوند (ر.ک ۳۸:۱۵) و نشانه آن است که خدا به منظور تحقق بخشیدن به وعده هایش دخالت می نماید (اش ۱۹:۶۳) و در اینجا به وسیله فرشتادن روح القدس می باشد (ر.ک وصیت لاوی ۱۸:۶؛ وصیت یهودا ۲:۲۴) از کتابهای غیر قانونی ولی قدیمی یهودیان.

<sup>p</sup>- ر.ک مت ۳:۱۶ توضیح Z. روح القدس با فرود آمدن بر عیسی او را به عنوان منجی موعود تعیین می نماید (ر.ک اش ۱۱:۲۰). (۱۱:۶۳؛ ۱:۴۲)

<sup>q</sup>- ترجمه تحت الفظ قسمت دوم آیه ۱۱: «در تو همه خوشنودی خود را گذاشتند» و به مفهوم خواست و اراده زودگذر الهی نیست بلکه انتخاب به منظور رسالتی است که خدا از آغاز مأموریت عیسی به وی محول می نماید در حالی که او را بعنوان پسر خود (ر.ک مز ۷)، معجوب خود (ر.ک ۲:۲۲؛ ۲:۲۲؛ ۱۲، ۱۶ را به خاطر می آورد)، معجوب ممتاز خود (ر.ک اش ۱:۴۲) معرفی می کند، ر.ک مت ۳:۱۷ توضیح a.

<sup>r</sup>- نخستین عمل عیسی که با قدرت روح القدس انجام گذاشتند<sup>۱۴</sup> خود را گذاشتند<sup>۱۵</sup> (اش ۳:۶) و به صورت مبالغه نماید.

<sup>s</sup>- این تجربه و سوء سه در انجیل مرقس مبارزه ای است که در تمام مدت اقامت در صحراء ادامه داشته در صورتی که در انجیل متی در پایان اقامت در صحراء روی می دهد. ر.ک مت ۴:۲ توضیح d.

<sup>t</sup>- برای ریشه کلمه شیطان ر.ک ایوب ۶:۶ در انجیل کلمات شیطان و ابلیس در مورد دشمن خدا و مخالف استقرار ملکوت او بکار رفته است. همچین نامهای بعلبوب<sup>۱۶</sup> (۲۲:۲) یا بیلعل<sup>۱۷</sup> (۲:۲-۶) نیز آمده است.

<sup>u</sup>- در آیه ۱۳ از حیوانات وحشی باد شده تا ارزوهای صحراء را تأیید کند (اش ۳:۶-۱۵) که محل طبیعی حضور شیطان است چون خالی از زندگی است یا اینکه پیشاپیش همراهی<sup>۱۸</sup> دنیا را بعد از پیروزی رستاخیز عیسی مسیح در زمان آخر نشان دهد (اش ۱۱:۶-۹). ضمناً خدمت کردن فرشتگان نشانه کیک و مساعدت الهی است. این خدمت و تسلط بر حیوانات به کسانی وعده داده شده که خدا به آنان اعتماد دارد (دان ۶:۲۶-۱۷؛ مز ۶:۱۷-۱۱؛ ۹:۱۱-۱۳) که در مت ۳:۶ نقل شده است. بنابراین عیسی از این تجربه پیروز بیرون آمده است.

<sup>v</sup>- در آیه ۱۴، مرقس موضوع اصلی گفتار عیسی را در جلیل ذکر کرده است، آیات ۱۴-۱۵. در مورد «تسليیم کرده شد» ر.ک مت ۴:۱۲ توضیح n.

رها کرده به دنبال او رفتند.<sup>d</sup> ۱۹ و چند قدم دورتر، یعقوب [پسر] زَبَدِی<sup>e</sup> و برادرش لو ۵۴:۹ یوحنّا را دید. آنان نیز در قایق خود در حال مرتب کردن تورها بودند، ۲۰ و همان دم آنان را فراخواند و ایشان پدر خود زَبَدِی را با مزدوران در قایق ترک کرده به دنبال او رفتند.

### عیسی در کنیسه کفرناحوم اقتدار خود را نشان می دهد (لوقا ۳۷:۳۱-۴:۲۱)

۲۱ و به کفرناحوم وارد شدند و همان دم مت ۱۳:۴، ۲۳:۱۱، ۱:۹ در روز سبت<sup>f</sup> به کنیسه در آمده آموزش یو ۱۲:۲ می داد. ۲۲ و از آموزش وی شگفت زده ۲:۱-۳ لو ۱۰:۱۳

- کلمه «انجیل خدا» (که معمولاً نوید ترجمه می شود، مر ۱:۱۵؛ ۲:۱۱؛ ۱۶:۲-۷) نه تنها به معنی مژده و نویدی است که از سوی خدا می آید بلکه نیرو و قدرت خدا خیلی نزدیک است (روم ۱۶:۱۴-۲۰) و عمل خدا را در مسیح اعلام می کند. عبارت «ندا دادن انجیل خدا» کار وظیفه رسولان را تعیین می نماید (ر.ک ۱-تسا ۲:۲-۸) و مرقس که این عبارت را در مورد عیسی بکار برده مداومت رسالت عیسی و رسالت کلیسا را بادآوری و تأکید می نماید.

X- یعنی زمانی که خدا برای انجام و تحقق وعده هایش تعیین کرده بود فرا رسیده است (ر.ک ۲:۲۰؛ ۱۳:۱۲-۹).

y- یا «خیلی نزدیک است» (همین فعل در ۱۴:۴۲ آمده) ر.ک مت ۲:۳ توضیح h.

Z- گفته ای که زمان به تحقق رسیده (غلا ۴:۴؛ افس ۱:۱۰) و دعوت می شود توبه کنند و با ایمان انجیل را بپذیرند (ر.ک ۱-تسا ۱:۵-۶، ۶:۹، ۹:۲؛ کول ۱:۵-۶). ولی مژده نزدیک شدن ملکوت خدا، پس از رستاخیز عیسی، مژده نجات است که در عیسی مسیح عطا شده است.

a- مرقس در اوایل انجیل دعوت چهار نفر از شاگردان را که جزو گروه دوازده رسول هستند ملاحظه و روایت کرده است (۱۳:۳-۹)، کسانی که عیسی آنان را خواهد فرستاد (۱۳:۷-۶) و رسول خواهند بود (۳۰:۶). مرقس بدون اینکه از نظر روان شناسی زمینه را آماده کند بی مقده این دو روایت کوتاه را ذکر نموده است (چنانکه آیه ۱۴:۲ نیز روایت کوتاه دیگری است). طرز ارائه این مطلب در قالب همان نمونه های گذشته است (ر.ک ۱-پاد ۱:۱۹-۲۰) و اهمیت و انتکار عیسی را در دعوت از آنان و اطاعت آنان را به خوبی نشان می دهد.

b- تحت اللفظی: «پشت سر من». ر.ک آیه ۷ توضیح I.

c- در عهد عتیق (حزق ۱۲:۱۳؛ ر.ک ۱۶:۱۶؛ حب ۱:۱۵) تصویر تور ماهیگیری یا تور شکارچیان غالباً نشانه و یادآور کیفر و مجازات است (ار ۱۶:۱۶) و در اینجا به رسالت آینده دوازده نفر مربوط می شود: بدین معنی که با موقعه انجیل مردمان را برای داوری و ورود به ملکوت خدا جمع خواهند کرد، ر.ک مت ۱:۱۳-۲۷؛ ۵:۰-۵:۰.

d- ر.ک مت ۴:۲۰ توضیح W. «رفتن به دنبال» عیسی به مفهوم آن است که شاگرد او شوند. ترک شغل به خاطر زندگی کردن با استناد به معنی زندگانی جدید با عیسی است و تجربه دوازده شاگرد سرمشقی برای تمام ایمانداران است که به نوبه خود دعوت شده اند مکتب او را پیروی نمایند.

e- تحت اللفظی: «یعقوب زَبَدِی» و طبق ۳۵:۱۰ پسر او است.

f- در صحنه ای که در آیات ۲۱-۲۲ روایت شده مرقس تعلیمات عیسی (آیات ۲۱-۲۲) و پیروزی او را بر نیروی شر (آیات ۲۳-۲۶) مجموعاً به عنوان تجلی اقداری معروفی کرده که از سوی خدا می آید (آیه ۲۷).

داده<sup>w</sup> می گفت: <sup>۱۵</sup> «زمان به تحقق پیوسته<sup>x</sup> و فرمانروائی خدا خیلی نزدیک غلا ۴:۴؛ شده است<sup>y</sup>: توبه کنید و به انجیل ایمان افس ۱:۱۰ آورید<sup>z</sup>.»

### دعوت از چهار ماهیگیر

(مت ۴:۱۸-۲۲؛ لوقا ۵:۱-۳، ۱۱-۱۰)

<sup>۱۶</sup> و چون از کناره دریای جلیل یو ۱:۶، ۴:۰ می گذشت<sup>a</sup>، شمعون و اندریاس، برادر شمعون را دید که [تور] به دریا می افکنند زیرا ایشان صیاد می بودند.<sup>b</sup> ۱۷ و عیسی به آنان گفت: «به دنبال من<sup>b</sup> بیانیید و من چنان خواهم کرد تا شما صیاد انسانها شوید<sup>c</sup>.»<sup>۱۸</sup> و همان دم، ایشان تورها را

-X- یعنی زمانی که خدا برای انجام و تحقق وعده هایش تعیین کرده بود فرا رسیده است (ر.ک ۲:۲۰؛ ۱۳:۹-۱۲).

-y- یا «خیلی نزدیک است» (همین فعل در ۱۴:۴۲ آمده) ر.ک مت ۲:۳ توضیح h.

Z- گفته ای که زمان به تتحقق رسیده (غلا ۴:۴؛ افس ۱:۱۰) و دعوت می شود توبه کنند و با ایمان انجیل را بپذیرند (ر.ک ۱-تسا ۱:۵-۶، ۶:۹، ۹:۲؛ کول ۱:۵-۶). ولی مژده نزدیک شدن ملکوت خدا، پس از رستاخیز عیسی، مژده نجات است که در عیسی مسیح عطا شده است.

a- مرقس در اوایل انجیل دعوت چهار نفر از شاگردان را که جزو گروه دوازده رسول هستند ملاحظه و روایت کرده است (۱۳:۳-۹)، کسانی که عیسی آنان را خواهد فرستاد (۱۳:۷-۶) و رسول خواهند بود (۳۰:۶). مرقس بدون اینکه از نظر روان شناسی زمینه را آماده کند بی مقده این دو روایت کوتاه را ذکر نموده است (چنانکه آیه ۱۴:۲ نیز روایت کوتاه دیگری است). طرز ارائه این مطلب در قالب همان نمونه های گذشته است (ر.ک ۱-پاد ۱:۱۹-۲۰) و اهمیت و انتکار عیسی را در دعوت از آنان و اطاعت آنان را به خوبی نشان می دهد.

b- تحت اللفظی: «پشت سر من». ر.ک آیه ۷ توضیح I.

c- در عهد عتیق (حزق ۱۲:۱۳؛ ر.ک ۱۶:۱۶؛ حب ۱:۱۵) تصویر تور ماهیگیری یا تور شکارچیان غالباً نشانه و یادآور کیفر و مجازات است (ار ۱۶:۱۶) و در اینجا به رسالت آینده دوازده نفر مربوط می شود: بدین معنی که با موقعه انجیل مردمان را برای داوری و ورود به ملکوت خدا جمع خواهند کرد، ر.ک مت ۱:۱۳-۲۷؛ ۵:۰-۵:۰.

d- ر.ک مت ۴:۲۰ توضیح W. «رفتن به دنبال» عیسی به مفهوم آن است که شاگرد او شوند. ترک شغل به خاطر زندگی کردن با استناد به معنی زندگانی جدید با عیسی است و تجربه دوازده شاگرد سرمشقی برای تمام ایمانداران است که به نوبه خود دعوت شده اند مکتب او را پیروی نمایند.

e- تحت اللفظی: «یعقوب زَبَدِی» و طبق ۳۵:۱۰ پسر او است.

f- در صحنه ای که در آیات ۲۱-۲۲ روایت شده مرقس تعلیمات عیسی (آیات ۲۱-۲۲) و پیروزی او را بر نیروی شر (آیات ۲۳-۲۶) مجموعاً به عنوان تجلی اقداری معروفی کرده که از سوی خدا می آید (آیه ۲۷).

**شفای مادر زن شمعون**  
 (متی ۱۴:۸؛ لوقا ۳۸:۱۵-۲۹) و همان دم از کنیسه خارج شده با عقوب و یوحنایش شمعون و اندریاس رفته‌اند.<sup>m</sup> مادر زن شمعون تبدیل در بستر می‌بود و همان دم در برابره او با او صحبت می‌کردند.<sup>n</sup> و نزدیک شده دست او را گرفته او را برخیزاند و تب او را ترک کرد و آنان را خدمت می‌کرد.<sup>۲۷-۲۹</sup>

**شفاهای متعدد بعد از روز سبت**  
 (متی ۴:۲۴؛ ۱۶:۸؛ لوقا ۴۰:۴۱-۴۱) با فرار سیدن شامگاه وقتی خورشید غروب کرده بود<sup>o</sup> همه مریضان و دیوانگان را نزد او می‌آوردند.<sup>p</sup> تمام شهر به دم ۵۵:۶ در جمع شده بودند<sup>q</sup> و بسیاری از بیماران را که از بیماری‌های گوناگون رنج می‌بردند شفای داد و بسیاری از شیاطین را راند و

مت ۲۸:۷، ۲۹:۷؛ چون کاتبان<sup>g</sup> ۲۳ و همان دم در کنیسه آنان مردی با روح ناپاک<sup>h</sup> بود که فریاد کشید:  
 ۲۴ «ای عیسای ناصری از ما چه می‌خواهی؟ آیا برای نیستی ما آمده‌ای؟ می‌دانم تو که هستی: آن قدوس خدا!»  
 ۲۵ و عیسی او را نهیب زده گفت: «خاموش<sup>k</sup>! و از او بیرون شو.»<sup>۲۶</sup> و روح آن ناپاک او را به شدت تکان داده و فریادی بلند زده از او بیرون شد.<sup>۲۷</sup> و همه متحیر شدند<sup>l</sup> به طوری که از هم‌دیگر پرسیده می‌گفتند: «این چیست؟ آموزشی نوین، آن هم با اقتدار! حتی به ارواح ناپاک فرمان می‌دهد و آنها از او اطاعت می‌کنند!»<sup>۲۸</sup> و شهرت او همان دم همه جا در سراسر ناحیه جلیل پراکنده شد.

- مرقس به ندرت موضوع تعليمات عیسی را مشخص نموده ولی اغلب یادآوری کرده است که تعلیم و آموزش وی چه تأثیر عمیقی بر شنووندگان می‌گذارد (۲:۶؛ ۸:۱۱؛ ۲۶:۱۰؛ ۳۷:۷). اقتداری که عیسی بکار می‌برد از سوی خدا می‌آید (۱:۲۷؛ ۲:۲۷؛ ۱۰:۲؛ ۲۸:۱۱؛ ۳۳:۱۲؛ ر.ک ۳۴:۱۲). در اینجا نشان داده شده که عیسی برخلاف کاتبان، مفسر ممتاز تورات و مختصص نوشه‌های مقدس می‌باشد در صورتی که کاتبان در پشت اقتدار متون مقدس و روایات سنگر می‌گرفتند.

- اصطلاح «روح ناپاک» اغلب به جای اهربین و دیو بکار رفته زیرا نفوذ او بر ضد تقدس خدا و قوم او است. در اینجا روح ناپاک شدیداً در برابر تقدس عیسی واکنش نشان می‌دهد (ایه ۲۴). در مورد ارتباط بیماری با نفوذ دیو. ک. آیه ۳۲ توضیح ۵:

۱- تحتاللطفی: «به ما و به تو چه» و اصطلاحی است که در کتاب مقدس بکار رفته (داور ۱۱:۱۲؛ سمو ۱۶:۱۰؛ ۲۳:۱۹؛ ۱-پاد ۱۷:۱؛ یو ۴:۳) و در مورد نپذیرفتن دخالتی که به نظر بیجا و بی موقع است یا اظهار مخالفت با هر گونه ارتباط با کسی این جمله ادا می‌شود. دیو که ظاهراً به نام همجنسان خود از زبان بیمار سخن می‌گوید متوجه شده که قدرت و تسلط او بر آن شخص رو به پایان است. ر. ک. لو ۱۰:۱۸؛ مکا ۲۰:۱۰.

۲- تنها خدا قدوس است و تقدس او به چیزی می‌پیوندد که به او تعلق داشته یا به او تقدیم شده است: عیسی به حد کمال آن قدوس خدا است زیرا مسیح (تقدیم شده ر. ک آیه ۱ توضیح p) و پسر خدا است (ایات ۱، ۱۱). چنین می‌نماید که یهودیان این کلمه را در مورد مسیح موعود بکار نبرده‌اند، ر. ک. یو ۶:۶؛ اع ۳:۱۴؛ ۴:۲۷؛ ۴:۳۰-۳۱.

- ر. ک آیه ۳۴ توضیح p:

۳- اصطلاح جدیدی (ر. ک آیه ۲۲ توضیح g) که این بار مختص مرقس می‌باشد و اعمال نیرومند عیسی و گفتارهای او ایجاد شگفتی و حتی رعب و وحشت کرده است (۱۰: ۲۴؛ ۱۰: ۳۲؛ همچنین ر. ک ۱۵: ۹).

- m بیان دیگری از این روایت: «با خارج شدن از کنیسه... رفت».

- n پیدا شدن نخستین ستارگان در آسمان نشانه پایان روز شنبه [و مقررات مربوط به آن در نزد یهودیان] است.

- o ر. ک مت ۸:۱۶ توضیح ۲: مرقس چندین بار بیماری را به نفوذ روح پلید منسوب نموده و بیماران را با دیوها ارتباط داده است

(۱:۱۱-۱۰؛ ۶:۱۳؛ ۱:۱۶؛ همچنین ر. ک. لو ۶:۱۸؛ اع ۵:۱۶؛ ۷:۸). ضمناً در عهد جدید هرگز از دیوها جز در مورد نفوذ

آنها در این دنیا پاد نشده و عمل عیسی خاتمه دادن به این نفوذ است.

جلیل در کنیسه هایشان ندا می داد<sup>۸</sup> و <sup>۶:۶</sup> مت:۹  
شیاطین را می راند.

نمی گذاشت شیاطین حرف بزنند زیرا وی  
را می شناختند.<sup>P</sup>

### پاک شدن یک جذامی

(متی ۱:۸ - ۴:۱؛ لوقا ۱۲:۵ - ۱۶:۱)

<sup>۴۰</sup> و یک جذامی<sup>۱</sup> به سوی او آمده  
تمنّا کنان به زانو درآمده به او می گوید:  
«اگر بخواهی می توانی مرا پاک گردانی.»  
<sup>۴۱</sup> و او به رحم آمده<sup>۱۱</sup>، دست خود را دراز  
کرده اورا لمس نمود و به او گفت: <sup>۱۸:۲۷</sup> مر:۸  
«همین را می خواهم، پاک شو!»<sup>۴۲</sup> و <sup>۱۰:۷</sup> لوقا  
همان دم جذام او را ترک کرد و پاک شد.  
<sup>۴۳</sup> و با تندی همان دم او را راند. <sup>۴۴</sup> و به  
او گفت: «مواظب باش! به هیچکس چیزی

### عیسیٰ کفرناحوم را ترک می کند

(متی ۴:۲۳ - ۴:۴؛ لوقا ۴:۴۴ - ۴:۴۲)

<sup>۳۵</sup> و بامدادان در سیاهی شب برخاسته  
<sup>۴۶:۶</sup> بیرون شد و به صحرارفت و در آنجا نیایش  
می کرد. <sup>۳۶</sup> و شمعون و کسانی که با او  
می بودند به دنبالش رفتند. <sup>۳۷</sup> و او را یافته  
به او گفتند: «همه در جستجوی تو  
هستند.» <sup>۳۸</sup> او به ایشان گفت: «به جای  
دیگر، به روستاهای مجاور برویم تا در آنجا  
نیز ندا دهم<sup>۹</sup> زیرا برای این است که بیرون  
آمده ام.<sup>۱۰</sup>» <sup>۳۹</sup> و به راه افتاده در سراسر

- در برخی نسخه ها: «می شناختند که او مسیح است»، ر. ک لوقا:۴۱. در اینجا مرقس توضیح می دهد که به چه سبب عیسیٰ  
دیوها را وادار به سکوت می کند در حالی که مردم عظمت او را درک نمی نمایند (۱:۲۷؛ ۸:۱۶ - ۱۴:۶).  
دیوها می دانند او کیست (۱:۲۴؛ ۱:۲۷)، این سری است که عیسیٰ نخواهد آشکار شود (۱:۲۵؛ ۲:۵). با اینکه  
این حقیقت را صدای خدا در ۱۱:۱ و ۷:۹ مکشف نمود و در قانون ایمان ایمان مسیحی به آن اعتراف می شود (عیسیٰ، مسیح  
موعود، پسر خدا و قدوس خدا است). رویارویی عیسیٰ با شیطان در انظار عمومی و آشکارا است و نشانه قدرتی فوق العاده  
است ولی هنوز زود است که معنی آن افشا گردد، ر. ک ۴:۱ توضیح ۷، X.

q- فقط همین فعل در انجیل مرقس کافی است طینین خبر خوش و «نوید» را تعیین نماید، ۱۴:۳؛ ۳۹:۱ چنانکه در ۱۴:۱؛

- از کفرناحوم «بیرون آمده ام»، ر. ک لوقا:۱۰؛ ۱۴:۱ توضیح ۹ گردیده است.

- از کفرناحوم «بیرون آمده ام»، ر. ک لوقا:۴۳:۴.

۸- در مورد فعل ندا دادن ر. ک آیه ۱:۴ توضیح g: ۱:۳۸ توضیح g: ۱:۳۸:۱.

t- برابر انجیل مرقس وقایع «روز کفرناحوم» (آیات ۲۱-۲۴) شامل چند عمل خاص است و نخستین بروز راز عیسیٰ به شمار

می روند. مرقس از ادامه و توسعه اقدامات او در جلیل (آیات ۳۵-۳۹) فقط یک نمونه آورده است و آن عمل «پاک کردن»  
می باشد که نظریه بیروزیهای او بر ارواح نایاک است (ر. ک آیه ۲۳ توضیح h) زیرا بیماری جذام نایاکی به شمار می رفت و  
موجب اخراج بیمار از جامعه مذهبی می گردید. ر. ک مت:۲:۸ توضیح f.

u- در نسخه های دیگر بجای «به رحم آمد» «ناراحت شد» آمده ولی این کلمه را نمی توان بعنوان تصحیح «به رحم آمده» تصور  
نمود در صورتی که عکس این موضوع امکان دارد. اگر به طوری که مفسران تصور می کنند باید «ناراحت شد» خوانده شود  
می توان تندی عیسیٰ را چنین تعبیر نمود که یا مرد جذامی با نزدیک شدن به او قوانین تورات را تقض کرده (لاو:۱۳؛ ۴:۴-۴:۵)  
ولی عیسیٰ نیز با لمس کردن مرد جذامی آنها را نقض می نماید) یا اینکه مرد جذامی مانع عیسیٰ شده که می خواسته با احترام  
از ازدحام جمعیت به موقعه بپردازد (آیات ۳۵-۳۹) بدون اینکه بعنوان مسیح موعود و پسر خدا ظاهر شده باشد (آیه  
۳:۴، ۴:۳، ۴:۴ توضیح ۷). لازم به یادآوری است جذامیان نایاک و موجب نایاکی به شمار می آمدند و آنان را محکوم به کیفر  
الهی تصور کرده از اجتماع اخراج می نمودند. عیسیٰ با لمس کردن او این موضوع را رد کرده ولی با این همه جذامی شفا یافته  
را به نزد کاهن می فرستد تا مجدها در جامعه مذهبی پذیرفته و وارد شود. (آیه ۴:۴ توضیح W). ضمناً معالجه بیماری جذام  
همچون عمل دوباره زنده کردن مردگان بشمار می رفت و فقط به قدرت خدا بستگی داشت. این عمل نشانه نزدیک شدن  
ملکوت خدا و با رستاخیز مردگان جزو برکات دوران مسیح موعود محسوب می شد (مت:۱۰:۱۱ و متن موازی). به  
همین دلیل دستور حفظ سکوت از نظر مرقس توجیه می گردد (آیه ۴:۴).

خانه خودش است.<sup>a</sup> و مردمان کثیری جمع آمدند، به طوری که حتی دم در نیز دیگر جائی نبود و او سخن را به آنان اعلام می کرد.<sup>b</sup> و افرادی می آیند که افليجی حمل شده توسط چهار نفر را نزد او می آورند.<sup>c</sup> و چون نمی توانستند به علت ازدحام به حضور او ببرند بام محلی را که وی آنجا می بود شکافتند و پس از سوراخ نمودن<sup>d</sup> بستری را که افليج بر آن دراز کشیده بود پائین می دهند.<sup>e</sup> و با دیدن ايمان آنان<sup>d</sup>، عيسی به مفلوج گفت: «فرزنند گناهان تو بخشیده شد.»<sup>f</sup> در لو ۴۸:۷ آنجا كاتبانی<sup>e</sup> نشسته بودند و در قلب خود

نگوئی<sup>g</sup> اما برو خود را به کاهن نشان بده و برای تطهیر خودت آنچه را موسی مقرر کرده است<sup>w</sup> به عنوان شهادتی<sup>x</sup> به آنان تقدیم کن.»<sup>۴۵</sup> اما او همین که بیرون شد شروع به ندا دادن کرده سخن را همه جا شایع نمود<sup>y</sup> به طوری که او دیگر نمی توانست آشکارا به شهری وارد شود بلکه در بیرون، در صحرا می بود و از هر سو به طرف وی می آمدند.

### بخشش و شفای مفلوج در کفرناحوم (متی ۱:۹-۸؛ لوقا ۲۶-۱۷:۵)

#### ۲

<sup>۱</sup> و چون چند روز بعد باز وارد کفرناحوم شده بود<sup>z</sup>، خبر شدن در

- مورد دیگری که دستور حفظ سکوت داده شده و موارد آن در انجیل مرقس بسیار است (ر.ک ۳۴:۱ توضیح p) مثلاً در مورد معجزه ها ر.ک همچنین ۵:۴۳؛ ۷:۳۶؛ ۸:۲۶. در اینجا دستور حفظ سکوت رعایت نشده است: آیه ۴۵، چنانکه در ۳۶:۷-۳۷ نیز به همین گونه است، گویی از درخشندگی قدرت پسر خدا نمی توان جلوگیری کرد.

- ر.ک لاو ۲:۱۴-۲:۳۲، شخص جذامی که شفا یافته بود نمی توانست مجدداً در جامعه مذهبی وارد شود مگر اینکه شفای او به وسیله کاهنی که در معبد کار می کرد تأیید شود.

- این عبارت در جاهای دیگر به مفهوم شهادتی است که ارزش قضایی دارد و بر علیه کسی (۱۱:۶) یا در برابر کسی داده می شود (۹:۱۳). چنین به نظر می رسد که در آیه ۹:۱۳ شهادت با یستی در موافقت یا برای متهم کردن باشد بر حسب اینکه چگونه پذیرفته شود. در اینجا نیز به همین گونه است، بدین معنی که گواهی و تصدیق قانونی شفای بیمار به این شهادت قدرت می بخشد. تطبیق دادن این موضوع با دستور حفظ سکوت که در آیه ۴۴ آمده مسئله دشواری است و نشان می دهد به چه سبب مرقس بین جنه های آشکار و پنهانی شخصیت و فعالیت های عیسی پریشان خاطر بوده است زیرا عیسی نمی خواهد خود را بعنوان مسیح موعود آشکار و اعلام نماید ولی در سخنان و اعمال او اقتدار خدا ظاهر می شود.

- y- این واژه مفهوم خاصی داشته و در آیات ۲:۲، ۲۰-۱۴:۴، ۳۳ در مورد سخن خدا بکار رفته است. در اینجا که همراه با فعل «ندا دادن» آمده و این فعل در مورد انجیل می آید (ر.ک ۳:۱ توضیح g) چنین استنباط می شود که جذامی شفا یافته بیش نمود منادیان انجیل است. ر.ک ۵:۱۹-۱۹:۵ توضیح m.

- z- در اینجا رشته مباحثاتی بین عیسی و مخالفانش آغاز می شود که مرقس محل وقوع آنها را در کفرناحوم ذکر کرده است: ۱:۲-۳:۶. موضوع مورد بحث سخنان عیسی است که صریحاً معنی رسالت خود را بیان می نماید (۱:۲، ۱۰:۲، ۲۸:۲، ۱۹، ۱۷، ۴:۳).

- a- البته با یستی فکر کرد «در خانه شمعون» است (۲۹:۱) که می توان گفت در آنجا عیسی در خانه خودش است (ضمیر مفهوم عباراتی که در ۱-قرن ۱۱:۳۴؛ ۱۴:۳۵-۳۵ آمده به همین گونه است) در صورتی که در ۱۷:۷-۲۸:۹ و شاید ۲۰:۳ مفهوم دیگری دارد و «در خانه ای» می باشد.

- b- اعلام کردن کلام اصطلاحی است که مختص موضعه مسیحی است (اع ۴:۳۱، ۲۹:۸ وغیره). مرقس در اینجا با آوردن این اصطلاح تأکید می کند که روایات کلیسا در اداء کار عیسی می باشد.

- c- با یستی یک خانه را در فلسطین مجسم کرد که فقط یک طبقه دارد و سقف آن با تیرهای چوبی و کاهگل بوشیده شده است. در مورد بستر بیمار که در بعضی زبانهای غربی «برانکار» ترجمه شده مرقس کلمه ای بکار برده که به معنی «تخخواب» می باشد، ر.ک لو ۵:۱۸ توضیح q.

- d- در اینجا مرد بیمار و حاملان او به وسیله رفشار خود که نزد عیسی آمده اند «ایمان» خود را بیان کرده اند. در روایت های مربوط به معجزه ها گاهی عیسی پیش از آنکه دخالت کند می گوید ایمان داشته باشد (۵:۳۶، ۳۴:۵؛ ۹:۲۳ توضیح q) یا اینکه پس از معجزه، شفای بیمار را مرتبط با ایمان او اعلام می نماید (۵:۱۰-۱۰:۵) در مورد ایمان ر.ک ۴۰:۴ توضیح j: ۱۱:۳۰ توضیح u.

- e- در انجیل مرقس غالباً کاتبان (ر.ک ۲۲:۱ توضیح g) به عنوان مخالفان عیسی به شمار آمده اند. ر.ک استثنائی ۱۲:۴ توضیح e.

را سپاسگزاری کرده می‌گفتند: «هرگز مت ۳۳:۹  
چنین چیزی ندیده بودیم!»

**دعوت از لاوی و پذیرفتن گناهکاران**  
(متی ۱۳:۹؛ لوقا ۵:۲۷-۳۲)  
۱۳ و باز به ساحل دریا بیرون شد<sup>h</sup> و همه  
جمعیت به سوی او می‌آمدند وی به آنان<sup>۲:۳</sup>  
آموختش می‌داد.<sup>۱۴</sup> به هنگام عبور، لاوی<sup>۲:۶</sup>  
[پسر] حلیف<sup>i</sup> را دید که در دفتر وصول  
خارج<sup>j</sup> نشسته است و به او گفت: «به دنبال  
من بیا» و او برخاسته به دنبال وی رفت.<sup>k</sup>  
۱۵ و اینک [عیسی] در منزل او<sup>۱</sup> برسر سفره  
و بسیاری از خراج گیران<sup>m</sup> و گناهکاران با  
عیسی و شاگردانش بر سر سفره می‌بودند  
زیرا بسیاری بودند که به دنبال او  
می‌رفتند.<sup>۱۶</sup> و کاتبان و فریسیان<sup>n</sup> چون

استدلال می‌کردند:<sup>۷</sup> «چرا این یکی این  
طور حرف می‌زند؟ کفر می‌گوید! چه کسی  
جز خدا می‌تواند گناهان را ببخاید؟»<sup>f</sup>  
<sup>۸</sup> و همان دم با دانستن اینکه در روح خود  
این چنین استدلال می‌کردند، عیسی به آنان<sup>۹:۱</sup>  
گفت: «این استدلال‌ها در قلب هایتان  
چیست؟<sup>۹</sup> چه چیزی آسان تر است، به  
مفلوج گفتن: گناهانت بخشیده شد یا  
گفتن: قیام کن، بستر خود را بردار و به راه  
بیفت؟<sup>۱۰</sup> اما برای اینکه بدانید که پسر  
انسان<sup>g</sup> اقتدار دارد تا گناهان را بر روی  
زمین ببخاید»<sup>۱۱</sup> به مفلوج گفت: «به تو  
می‌گوییم: قیام کن، بستر خود را بردار و به  
خانه خود برو.»<sup>۱۲</sup> و او قیام کرد و همان دم  
بستر را برداشته در برابر همه خارج شد به  
طوری که همه حیرت زده می‌بودند و خدا

- ر. ک لو ۵:۲۱ توضیح .t

- ر. ک مت ۸:۲۰ توضیح .w

- ر. ک ۱۶:۱ .h

i- دعوت از لاوی که روایت آن همانند دعوت از چهار شاگرد اویه است (ر. ک ۱۶:۱ توضیح a) بحث دیگری مطرح می‌کند که مربوط به طرز رفتار عیسی نسبت به گناهکاران می‌باشد.

j- در آنجا از کالاهایی که به شهر وارد یا خارج می‌شد مالیات می‌گرفتند. کفرناحوم در مزر بین سرزمینهای هیرودیس آنتیپاس و فیلیپس (حکمران رومی تراخونیه) قرار داشت. طرز وصول مالیات و خراج به وسیله رومان تعیین شده بود، به این ترتیب که وصول آنها را به اشخاص خصوصی اجاره می‌دادند و این افراد کارمندانی زیردست خود داشتند. بعضی از شهرها و فرمانروایان که تحت قیمهای روم بودند می‌توانستند به نفع خود عوارضی به عنوان حق عبور بگیرند چنانکه وضع هیرودیس آنتیپاس از آن جمله بود.

- ر. ک ۱۸:۱ توضیح d.

k- احتمالاً موضوع مربوط به لاوی است که در خانه اش مهمانی می‌دهد چنانکه در لو ۵:۲۹ هم به همین گونه ذکر شده است.  
m- در مورد ترجمه دیگری از خراج‌گیران ر. ک لو ۱۲:۳ توضیح q. نظر به اینکه این افراد از مأموریت خود سوء استفاده کرده و بدین وسیله ثروت می‌اندوختند (ر. ک لو ۳:۱۲-۱۳؛ ۸:۱۹) آنان را در ردیف گناهکارانی بشمار می‌آورند که قوانین یهود را رعایت نمی‌کردند (ر. ک مت ۱۹:۱۱ و متن موازی: ۱۷:۱۸؛ لو ۷:۲۹؛ ۳۱:۲۱؛ ۱۷:۱۸؛ ۲۹:۲۹؛ ۱۸:۱۸؛ ۱۴-۹:۱۸) و نمی‌باشد با آنان معاشرت نمود. طرز رفتار عیسی به جمعیت‌های مسیحی اویه آموخته بود که همه مسیحیان را اعم از اینکه قبل‌یهودی یا مشرک بودند بر سر یک سفره جمع کند و البته این امر چندان بدون اشکال و درگیری انجام نمی‌شد (ر. ک غلا ۱۲:۲۲).

n- ترجمه دیگر: «زیرا مردم بسیاری بودند حتی کاتبان و فریسیان به دنبال او می‌آمدند و یا دیدن او که غذا می‌خورد...» بیشتر کاتبان به فرقه فریسیان تعلق داشتند که معنی می‌کردند قوانین و سنتها را به خوبی شناخته و بتوانند بر اجرای دقیق آنها نظارت نمایند. (بدین طریق خود را از کسانی که قوانین را مراعات نکرده و نایاک به شمار می‌آمدند جدا کرده بودند و شاید مفهوم عنوان «فریسی» («جدا شده») نیز از اینجا ناشی شده است).

خواهد رسید که داماد از ایشان گرفته  
خواهد شد و آنگاه در آن روز، روزه  
خواهد گرفت!<sup>۲۱</sup> هیچ کس تکه پارچه  
نشسته<sup>۷</sup> را به ردای کهنه نمی‌دوزد و گرنه  
وصله از آن جدا می‌شود، نواز کهنه و  
پارگی بدتری به وجود می‌آید.<sup>۲۲</sup> و  
هیچ کس شراب تازه را در مشکهای کهنه  
نمی‌ریزد و گرنه شراب مشکها را می‌درد و  
شراب و مشکها از بین می‌رود، بلکه برای  
شراب تازه مشکهای نو!<sup>۷</sup>

### خوش‌چینی و رعایت سبت (متی ۱:۱۲-۸؛ لوقا ۶:۱-۲)

<sup>۲۳</sup> باری در یک روز سبت<sup>w</sup> در [موسم]  
درو عبور می‌کرد و شاگردانش ضمن راه  
پیمودن، شروع به کندن خوش‌ها کردند. <sup>۲۴</sup> تث ۲۳:۲۶  
<sup>۲۴</sup> فریسیان به او می‌گفتند: «ببین! چرا  
به روز سبت آن می‌کنید که جایز  
نیست?<sup>x</sup>?»<sup>۲۵</sup> و او به آنان گفت: «مگر  
هرگز نخوانده اید که داود وقتی احتیاج

دیدند با گناهکاران و خراجگیران غذا  
می‌خورد به شاگردان وی می‌گفتند: «یعنی  
چه! با خراجگیران و گناهکاران غذا  
مت ۱۱:۹؛ می‌خورد!<sup>۰</sup><sup>۱۷</sup> و عیسی شنیده به آنان  
لو ۳۴:۷ گفت: «اشخاص سالم به پیشک نیاز  
ندارند، بلکه آنان که بیمارند. من نیامده ام  
برای دعوت عادلان بلکه گناهکاران<sup>p</sup>.»

### بحث درباره روزه

#### چیزهای کهنه و چیزهای نو (متی ۱۴:۹-۱۷؛ لوقا ۳۹-۳۳:۵)

<sup>۱۸</sup> و شاگردان یحیی<sup>۹</sup> و فریسیان روزه را  
رعایت می‌کردند و آمده به او گفتند:  
«چگونه است که شاگردان یحیی و  
شاگردان فریسیان روزه می‌گیرند ولی  
شاگردان توروزه نمی‌گیرند؟»<sup>۱۹</sup> و عیسی  
به آنان گفت: «آیا ساقدوش‌ها<sup>r</sup> وقتی  
داماد به همراه ایشان است می‌توانند روزه  
بگیرند؟ تا وقتی که داماد<sup>s</sup> را با خود دارند  
نمی‌توانند روزه بگیرند.<sup>۲۰</sup> روزه‌های

۰- ر. ک مت ۱۱:۹ توضیح u.

p- این عبارت نمونه‌ای از سخنان مختص عیسی درباره رسالتی است که از سوی خدا دارد. ر. ک. ۱۰:۴۵؛ ۱۱:۹؛ درباره الیاس ر. ک. ۱۱:۹-۱۳:۹.

q- ر. ک مت ۱۴:۹ توضیح x. مباحثه درباره روزه به همان طرز و نمونه قبلی انجام شده است بدین معنی که درباره یک واقعه سؤالی مطرح گردیده (ایه ۱۸) و موجب پاسخ قاطع عیسی شده است (آیات ۱۹-۲۰). آیات ۲۱-۲۲ نزدیک به این پاسخ بوده و موضوع آموزش را توسعه می‌دهند.

r- تحت الفظی: «پسران حجله» که اصطلاحی در بین ملت‌های سامی است و به مفهوم دوستانی است که داماد به جشن عروسی خود دعوت می‌کند. دوست داماد (یو ۳:۹؛ مت ۲۲:۱۱-۲:۱۱-۲-قرن) شخصی قابل اعتماد و امین که به داماد کمک می‌کرد و در طول عروسی همه امور را تحت نظر داشت.

s- ر. ک مت ۱۵:۹ توضیح Z.

t- ر. ک مت ۱۵:۹ توضیح b, a

u- کلمه‌ای که «نشسته» ترجمه شده تحت الفظی «آب نزدہ با پانخورده» است.

v- بایستی بین «کهنه» (احتمالاً منظور رسوم قدیمی و کهنه یهودیان است. ر. ک. ۱۵:۳-۷، ۱۵) و «نو» یعنی انجیل یکی را انتخاب کرد.

w- باز هم روایتی از همان نمونه (ایه ۱۸ توضیح q) که نشان دهنده اهمیت پاسخ عیسی است (آیات ۲۵-۲۶) و با اظهاراتی که در آیات ۲۷-۲۸ شده بسط یافته است.

x- مت ۱۲:۲ توضیح h.

۲ و مترصد وی می بودند که آیا در روز سبت شفا می دهد<sup>d</sup> تا وی را متهم کنند. <sup>۳</sup> و <sup>۴:۸</sup> به مردی که دست خشکیده داشت گفت: «در میان برخیز.» <sup>۴</sup> و به آنان گفت: «آیا در روز سبت کار نیکو کردن مجاز است یا <sup>۱۴:۱</sup> <sup>۱۰:۵</sup> کار بد کردن، یک زندگی را نجات دادن یا <sup>۱۷:۸</sup> <sup>۵:۲</sup> <sup>۱:۱۶</sup> کشتن؟» آنان خاموش ماندند.<sup>۵</sup> و <sup>۱۷:۸</sup> <sup>۵:۲</sup> <sup>۱:۱۶</sup> نگاههای<sup>f</sup> خود را خشمگین به طرف آنان <sup>۵:۱۰</sup> <sup>۵:۱</sup> برگردانده به شدت اندوهگین از سنگدلی <sup>۲:۵</sup> <sup>۱:۱</sup> روم <sup>۲:۵</sup> آنان به مرد گفت: «دستت را دراز کن» و <sup>۱:۱۸</sup> <sup>۴:۳</sup> افسی <sup>۸:۳</sup> عیبر او آن را دراز کرد که دستش به حالت اول برگشت. <sup>۶</sup> و همین که خارج شدند، همان دم فربیسان با هیرودیان<sup>g</sup> علیه او شورائی تشکیل دادند تا او را از بین برند.<sup>h</sup>

داشت و گرسنه بود او و همراها نش چه کردند؟ <sup>۲۶</sup> چگونه در زمان ابیاتار<sup>a</sup> کاهن اعظم وارد خانه خدا شد، نانهای تقدیمی را که خوردن آنها جز برای کاهنان مجاز نبود، خورد واز آن به همراها نش نیز داد؟ <sup>۲۷</sup> و او به آنان می گفت: «سبت خروج <sup>۱۰:۲</sup> <sup>۱۴-۱۲:۵</sup> <sup>۲۸</sup> برای انسان است و نه انسان برای سبت<sup>b</sup>، به طوری که پسر انسان حتی خداوند سبت است.<sup>c</sup>»

### شفا در روز سبت

(متی ۱۲:۹-۱۲؛ لوقا ۱۱۶:۶)

### ۳

<sup>۱</sup> و باز<sup>b</sup> وارد کنیسه ای شد و در آنجا مردی بود با دستی خشکیده.<sup>c</sup>

y- در ۱-سمو ۲:۲-۷ کاهنی به نام اخی ملک پدر ابیاتار است. مرقس نام ابیاتار را ذکر کرده که شهرت پیشتری دارد و در دوران سلطنت داد کاهن اعظم بوده است، مگر اینکه از روایات دیگری پیروی کرده باشد که ابیاتار را پدر اخی ملک دانسته اند (۲-سمو ۱۷:۷ متن عبری).

Z- این نظریه در بین یهودیان آن دوران عجیب نبود و تازگی نداشت بدین معنی که اگر رعایت مقررات روز شنبه موجب صدمه و زیان مهمی به انسان بود رعایت آنها منتفی می گردید. ر. ک ۱-۴۱:۲-۴۱ و این سخن که یک ریبی درباره خروج ۱۴:۳۱ گفته است: «روز شنبه به شما سبزه شده ولی شما به روز شنبه سرده شده اید.» هم چین ر. ک مر ۴:۳-۱۲:۱۱ مت ۸:۸ تو پیش<sup>w</sup> (ر. ک مت ۲۰:۲۰) که اقتدار خود را بر مقررات الهی روز شنبه تأیید می نماید. این سخن با آچه در آیه ۱۰ گفته شده از نظر اهمیت برابر است و در اینجا فقط از مفاد ایه ۲۷-۲۲ مستفاد می شود بیان می کند.

b- کلمه «باز» مراجعته به ۱:۲۱ است. در این روایت از نمونه معمولی روایت معجزه ها پیروی نشده بدین معنی که موضوع شفا دادن مورد توجه نیست، بلکه نکته در این است که شفا دادن موجب جدول درباره مقررات روز شنبه است (آیات ۲، ۴) و شامل پاسخ عیسی به این مجادلات است.

c- در بعضی ترجمه ها «دست فلچ شده» آمده و کلمه «خشکیده» معنی تحت الفظی می باشد.

d- به نظر ریبی ها در روز شنبه نباید بیماری را شفا داد مگر اینکه در خطر مرگ باشد، بنا براین موضوع مرد افلاج آزمایشی به شمار می رفت تا طرز رفتار عیسی را در این باره قضاوت نمایند.

e- عیسی عملی را که انجام می دهد (نیکی کردن، معالجه و شفای یک زندگانی که کاهش یافته) در برابر عمل مخالفانش (بدی کردن، کشتن، ر. ک آیه ۶) که با سوء نیت مترصد او بودند مقایسه می نماید. تفسیر دیگر این است: اگر زندگی کسی در معرض خطر قرار می گرفت نفس مقررات روز شنبه مجاز بود و در اینجا موضوع خطر مرگ وجود نداشت در صورتی که عیسی این اصل را به همه شفا دادن ها و به تمام کارهای نیکی که در روز شنبه انجام شود تسری می داد زیرا معالجه نکردن برابر کشتن است و نیکی نکردن همچون بدی کردن می باشد. در هر دو مورد طرز رفتار عیسی در مورد مقررات روز شنبه آن است که مقررات مذکور در راه نیکی و خدمت به زندگی گذاشته شود، ر. ک بیان می کند.

f- مرقس غالباً این «نگاه» عیسی به اطراف خود را ذکر کرده است: ۳:۳-۴:۳؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۱:۱۰؛ ر. ک لو ۱۰:۶.

g- هیرودیان دوستان یا طرفداران هیرودیس آنتپیاس حکمران جلیل و پره (از سال ۴ پیش از میلاد تا سال ۳۹ میلادی) بودند و بدون پشتیبانی اونتی تو انتند اقدامی علیه عیسی به عمل آوردند. هم او بود که یعنی تعیید دهنده را به زندان انداخت (۶:۱۷) و طبق لو ۳:۱۳ مخالف عیسی بود (ر. ک مر ۸:۱۵). در ۱۲:۱۳ هیرودیان مجدداً با فربیسان هستند.

h- ترجمه دیگر: «تا به چه وسایلی او را از بین برند.» در اینجا منظور از شورا مسلمان جلسه ای پنهانی برای توطئه می باشد و مجلس رسی نبوده است. آیه ۶ که نتیجه گیری مجموع آیات ۲:۶-۳:۱ می باشد موضوع مصائب و مصلوب شدن را اعلام کرده مخاطرات مبارزه عیسی و اهمیت دامنه اظهارات او را تایید می کند.

## تعیین دوازده تن

(متی ۱:۱۰؛ لوقا ۶:۱۲-۱۶)

<sup>m</sup> و به کوه بالا می رود<sup>m</sup> و هر که را می خواست به خود فرامی خواند<sup>n</sup> و ایشان به سوی او رفتند.<sup>o</sup> و او دوازده تن را تعیین می کند<sup>o</sup> تا با او باشند<sup>p</sup> و آنان را برای ندا دادن بفرستد،<sup>q</sup> با قدرت راندن شیاطین. <sup>r</sup> پس دوازده تن را تعیین می کند<sup>s</sup>: شمعون که بر روی نام پطرس نهاد<sup>t</sup> و یعقوب [پسر] زبدي<sup>u</sup> و یوحنا برادر یعقوب که بر آنها نام «بوا نیر جس» نهاد یعنی پسران تندر<sup>v</sup>،<sup>w</sup> و آندریاس و فیلیپس و بر تولما و متی و تو ما و یعقوب [پسر]<sup>u</sup> حلقی و تدی و شمعون کنعانی<sup>y</sup>،<sup>x</sup> و یهودای اسخربوطی<sup>w</sup>، همان کسی که او را تسليم کرد.

## عیسی و جمعیت کثیر

(متی ۴:۲۵؛ ۱۵:۱۲؛ لوقا ۶:۱۷-۱۶)

<sup>۷</sup> و عیسی با شاگردان خود به سوی دریا کناره گرفت<sup>۱</sup> و جمعیتی کثیر از جلیل آمده به دنبال او می رفتند. و از یهودیه،<sup>۸</sup> و از اورشلیم و ادومیه و از معاوراء اردن و از اطراف صور و صیدون<sup>۹</sup>، جمعیتی کثیر که از آنچه می کرد آگاه شده بودند به سوی او آمدند.<sup>۹</sup> و به شاگردان خود گفت، به خاطر <sup>۱:۴</sup> متن مشابه: <sup>۳:۵</sup> لوقا ۵:۶ جمعیت، برای اینکه به هم فشار نیاورند، قایقی در اختیار وی قرار دهند.<sup>۱۰</sup> زیرا بسیاری از مردمان را شفا داده بود، به طوری که همه کسانی که علیل بودند برای لمس کردن او بر روی می افتدند.<sup>۱۱</sup> و <sup>۲:۸</sup> ارواح ناپاک هر بار که وی را می دیدند در برابر افتاده فریاد می کشیدند: «تو هستی آن پسر خدا!<sup>k</sup> <sup>۱۲</sup> و آنان را به شدت نهیب می زد که او را نشناشاند.<sup>۱</sup>

۱- مرقس در اینجا منظره ای کلی از رسالت عیسی و جاذبه ای که بر توده مردمان دارد، ارائه کرده و اختلاف آن را با عناد و کینه توزی دشمنانش نشان داده است (۱:۲-۳؛ ۶:۳-۲۰؛ ۳۵). ضمناً تجمع همه قوم اسرائیل را (آیات ۸-۷) در پیرامون پسر خدا (آیه ۱۱) توصیه نموده و تشکیل گروه دوازده نفری رسولان را آماده می کند (آیات ۲۰-۱۳).

۲- جمعیت نه فقط از جلیل بلکه از تمام مناطق مسکونی یهودیان می آیند. این مورد را با ۵:۱ مقایسه کنید که در آنجا مردم فقط از یهودیه و اورشلیم به سوی یحیی روی می آورند.

۳- ر. ک ۱:۱ توضیح: «او را (یعنی عیسی را) آشکار نکنند» ر. ک ۳۴:۱ توضیح p.

۴- تحت الفظی: «او را (یعنی عیسی را) آشکار نکنند» ر. ک ۳۴:۱ توضیح p. در انجیل مرقس عیسی توده مردم را در کنار دریا ملاقات کرده به آنان آموزش می دهد. (۱:۲؛ ۲:۱-۴؛ ۲۱:۵؛ ۲۱:۲) و به کوهستان بالا می رود تا به دور از مردم نیایش کند (۴:۶) یا برای اعمال مهمی به خاطر شاگردانش (۲:۹؛ ۱۳:۳).

۵- در اینجا اینکار عیسی و همچنین آمادگی شاگردانش نشان داده شده چنانکه در ۱:۱۶-۲۰ نیز به همین گونه است.

۶- در بعضی نسخه ها چنین است: «دوازده نفری که آنان را رسول خوانده است» و به عنوان فرستادگان عیسی در ۳۰:۶ به این نام خوانده شده اند (ر. ک مت ۲:۲ توضیح q: لو ۱۳:۶ توضیح c).

۷- این جنبه از زندگی رسولان را فقط مرقس تایید کرده است: ر. ک ۱۸:۵.

۸- این کلمات در بسیاری از نسخه ها حذف شده است.

۹- تحت الفظی: «و به شمعون نام پطرس داد». در بعضی نسخ پیش از این جمله «اول شمعون» ذکر شده. لو ۱۴:۶ توضیح d.

۱۰- ر. ک ۱۹:۱ توضیح e.

۱۱- ر. ک لو ۵:۹ توضیح f.

۱۲- یا «برادر». تحت الفظی: «یعقوب حلقی»، ر. ک ۱۹:۱ توضیح c: ۱۴:۲.

۱۳- واژه «کنعانی» از ریشه کلمه آرامی و به معنی «غمور» و عنوان «غموران» است (ر. ک لو ۶:۶ توضیح f: مت ۴:۱۰ توضیح t).

۱۴- غیوران اعضای حزب سیاسی مذهبی بودند که هدفان استقلال یهود بود و در این راه از اعمال زور و قدرت ابایی نداشتند.

۱۵- ر. ک مت ۱۰:۴ توضیح u. برابر بیو ۶:۷۱؛ ۱۳:۲۶ «اسخربوطی» لقب پدر یهودا است.

شیطان به ضد خود برخاسته و تجزیه گردیده است نمی تواند دوام آورد بلکه [کارش] تمام است.<sup>۲۷</sup> هم چنین هیچ کس نمی تواند به منزل کسی که توانا<sup>b</sup> است وارد شود و اشیای او را تاراج کند، مگر آنکه آن کس را که توانا است اول بسته باشد و آنگاه خواهد توانست خانه اش را تاراج کند.

### کفرگوئی علیه روح القدس (متی ۱۲:۳۱-۳۲؛ لوقا ۱۰:۱۲)

آمین، به شما می گوییم که بر پسران انسانها همه چیز از گناهان و کفرگوئی هر قدر کفرگویند<sup>c</sup> بخشیده خواهد شد؛<sup>۲۹</sup> اما هر کس علیه روح القدس کفرگوید<sup>d</sup>، هرگز بود<sup>۱۶:۵</sup> بر او بخشیده خواهد شد و مرتکب گناه ابدی است!<sup>۳۰</sup> زیرا می گفتند: «وی روحی نایاک دارد.»

### عیسی و بعلزبoul

(متی ۱۲:۲۴-۳۲؛

لوقا ۱۱:۱۵-۲۳؛ ۱۲:۱۰)

<sup>e</sup> و به منزل خویش می آمد<sup>x</sup> و باز جمعیت گرد می آیند به طوری که حتی نمی توانستند نان را بخورند.<sup>۲۱</sup> بستگان وی با شنیدن این بیرون آمدند تا او را دستگیر کنند زیرا می گفتند: «از خود یو ۱۰:۲۰ بی خود شده است!»

<sup>y</sup> و کاتبانی که از اورشلیم فرود آمد بودند می گفتند: «او بعلزبoul<sup>y</sup> دارد.» و «شیاطین را بوسیله رئیس شیاطین می راند.»<sup>۲۳</sup> آنان را نزد خویش فراخوانده با مثل ها<sup>z</sup> به آنان می گفت: «چگونه شیطان می تواند شیطان را براند؟<sup>۲۴</sup> اگر مملکتی به ضد خود تجزیه شود این مملکت نمی تواند دوام بیاورد،<sup>۲۵</sup> و اگر خانه ای<sup>a</sup> به ضد خود تجزیه گردد این خانه خواهد توانست دوام آورد.<sup>۲۶</sup> و اگر

X- ر. ک ۱:۲ توضیح a. مرقس مباحثه با کاتبان را که از اورشلیم آمده بودند (آیات ۳۰-۲۲) در بین صحنه ای که عیسی با خانوداه اش برخورد دارد (آیات ۲۱-۲۰ و ۳۵-۳۱) گنجانیده است (همین روش در ۵:۲۱-۴:۴۳؛ ۶:۷-۸؛ ۱۱:۱۱؛ ۱۱:۱۱). در هر دو مورد از روی بدخواهی به او اتهام هایی وارد می کنند و چنین می نماید که بستگانش و همچنین مقامات مذهبی اورشلیم او را رد می کنند.

.v.

Z- نخستین باری که کلمه «مثل» در انجیل مرقس بکار می رود. به نظر مرقس برای «کسانی که در خارج هستند» مثل ها راز نهفته ای در بردارند که همان راز ملکوت خدا است (آیات ۳۵:۷-۸؛ ۱۷:۷ توضیح ۰:۷-۸). گفتگوهای عیسی که در اینجا آورده شده «مثل» هستند نه تنها به سبب اینکه شکل مجازی و استعاره ای دارند بلکه برای کسانی که آنها را در کنند نشان می دهند ملکوت خدا هم اکنون فعل است و پایان فرمانروایی شیطان را تسریع می نماید.

a- ترجمه دیگر: «خاندانی» و ممکن است به مفهوم یک خانواده، یک طایفه یا یک ساختمان باشد (ر. ک ۲-۵:۷-۸).

b- ر. ک اش ۴:۲۵-۲۴؛ ۵:۲۵-۲۴. در اینجا عیسی به عنوان نیرومندترین فرد نشان داده شده است که بیان سلطنت شیطان یعنی مرد نیرومند را در هم ریخته و منهدم می سازد، ر. ک ۱:۷ توضیح I.

c- کلمه «کفر گفتن» به معنی دقیق به زبان آوردن کلمات توهین آمیز بر ضد خدا و «نام» او یا به طور مستقیم (خروج ۲۲:۲۷؛ ۲۲:۲۷-۱۱؛ ۱۱:۲۴) یا بر علیه اقتدار او می باشد (ر. ک ۱:۱۴-۷:۲؛ ۱:۴-۷:۷)؛ ۱:۱۰-۶:۴). به علاوه کفر گفتن ممکن است بر ضد کسی باشد که مأموریت الهی دارد (اع:۶-۱۱:۱۶) یا بر ضد نهاد مقدسی باشد (حزق:۱-۱:۳۵-۷:۳). بنابراین در هر مورد که به عیسی فرستاده خدا و حامل اقتدار او ناسزا داده می شود انجیل ها می توانند آن را کفر گفتن به شمار آرند، مر ۱:۵//۲۹:۶-۶:۲۲//؛ لوقا ۲:۲۳-۳:۶.

d- برابر مطالibi که بلافاصله بعداً آمده است این گناه عبارت از آن است که منکر قدرتی شوند که به وسیله عیسی عمل می کند و کارهایی را که به وسیله روح القدس انجام می دهد به شیطان نسبت دهند. نپذیرفتن چنین گرایشی به سوی توبه متناقض با بخشایش است. ر. ک مت ۳۲:۱۲ توضیح ۵.

سوار شده در آن می نشینید و تمام جمعیت  
در نزدیکی دریا، بر خشکی می بود. ۲ و  
بسیار چیزها را با مثل ها<sup>h</sup> به آنان  
مت ۳۴:۱۳؛ ۳۴-۳۳:۴ مر  
می آموخت و در آموزش خود می گفت:  
۳ « بشنوید! اینک بذرافشان برای  
بذرافشانی بیرون شد. ۴ باری هنگامی که  
بذر می افشارند، بخشی در کناره راه افتاد و  
پرنده‌گان آمدۀ آنها را خوردند. ۵ و دیگری  
بر سنگلاخ افتاد که در آنجا خاک زیاد نبود  
و همان دم روئید زیرا خاک عمق نداشت؛  
۶ و چون خورشید طلوع کرد، سوخته شد و  
چون ریشه نداشت، خشکید. ۷ و دیگری در  
خارها افتاد و خارها برآمدۀ آن را خفه  
کردند و میوه نداد. ۸ و [بذرهای]<sup>a</sup> دیگری  
در خاک خوب افتادند و بلند شدند و رشد  
کرده میوه می دادند<sup>b</sup> و یکی سی، دیگری  
شست و دیگری صد میوه می دادند<sup>c</sup>. »<sup>۹</sup> و  
او می گفت: « هر که برای شنیدن گوش دارد  
شنود!<sup>d</sup> »

خوبشاوندان راستین عیسی (متی ۱۲: ۴۶-۵۰؛ لوقا ۱۹: ۲۱-۲۳) که مادرش و برادرانش می‌آیند<sup>۳۱</sup> بیرون ایستاده برای صدا کردن وی کس فرستادند.<sup>۳۲</sup> و جمعیتی در گردآگرد او نشسته می‌بود و به او گفتند: «اینک مادرت و برادرانت<sup>f</sup> و خواهرانت در بیرون مادرت و برادرانت<sup>f</sup> و خواهرانت تو هستند».<sup>۳۳</sup> و در پاسخ به آنان گفت: «مادرم کیست؟ و برادران؟»<sup>۳۴</sup> و با گرداندن نگاه خود بر کسانی که دایره وار دور او نشسته بودند گفت: «اینک مادرم و برادرانم!<sup>۳۵</sup> هر که خواست خدای را بجا آورد او برادرم و خواهرم و مادرم است.»

مثُل بِرْزَگَر

(متی ۱۳: ۹-۴؛ لوقا ۸: ۸)

۴ ا و باز در کنار دریا آغاز به آموزش  
کرد <sup>گ</sup> و جمعیت بسیار زیادی نزد او  
جمع می شود به طوری که در دریا به قایقی

e- ر. ک مت ۱۲ توضیح ۲، مرقس در اینجا روایتی را که در آیه ۲۱ آغاز کرده بود از سر می‌گیرد (ر. ک آیه ۲۰ توضیح X). f- در بعضی نسخه ها اینک مادرت و برادران در می ون... نوشته شده است.

g- ر. د ۱۱:۱ توضیح III.

h- این دسته از مثال‌ها یعنی آیات ۳۴-۱ به عنوان نمونه طرز آموزش مختص عیسی ارائه شده است و به نظر مرقس به خوبی ملاحظه کنم شود آموزشی که برای توده مردم است با توضیحاتی که مخصوص شاگردان است (آیات ۳۳-۲۵، ۱۰-۲۵) تقاضا دارد. مرقس جنبه مهیمن مثل ها را ذکر کرده و تأکید می کند راز مثل ها به همه شوندگان اپراز نشده است، آیه ۱۱ توضیح ۵.

i- کارهای «بزرگ» ایام مشاهده شدند که برای همه دانشجویان توجه شد.

۱- نیز «بدرگ» به صورت جمیع آنده و سس می دهد که ب دروزی هر روزه بدر گوجه می شود.  
۲- در برخی نسخ خطی چنین است: «تمر می دادند که بزرگ می شد و رشد می کرد.»

-k ر. ک مت ۱۳:۸ توضیح ۵. در این مثل علل عدم موقوفیت را که از بیرون می آید در برابر بازیگر فوق العاده خود دانه بذر که در خاک خوب بیفتند قرار داده شده است. ارقامی که ذکر شده و رفته رفته بزرگتر می شود این بازیگر را به خوبی نشان می دهد.  
-l ر. ک ث ۳:۲۹:۶. در اینکه دعوت شده توجه و دقت به عمل آید، ضروری می باشد ترا ارزش و اهمیت آموزشی که به صورت مثل داده می شود در ک گردد (۴:۲۳؛ ۷:۱۶؛ ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹؛ ۱۳:۱۵؛ ۱۱:۱۵؛ ۱۴:۳؛ ۱۴:۳؛ ۱۱:۷؛ ۱۱:۲) ر. ک مکا ۲:۱۷، ۱۱:۱۷، ۱۱:۱۷ وغیره). خستناین مطالب دستوری را که در آیه ۳ داده شده است تأکید و تقویت می کند زیرا مثل باید شوندگان را به تفک و اراده و در ک تکنند که بگویند: امّا همان وقت در موعد خودشان به تحقق، سد.

شما داده شده است اما برای کسانی که از خارجند<sup>P</sup> همه چیز به مثل ها می آید<sup>۹</sup>،  
<sup>۱۲</sup> تا با نگریستن، بنگرند و نبینند و با شنیدن، بشنوند و نفهمند تا مبادا بگروند و برایشان بخشیده شود<sup>r</sup>.<sup>۱۰</sup>

### علت تعلیم دادن با مثل ها

(متی ۱۳:۱۰-۱۵؛ لوقا ۸:۸)

<sup>۱۰</sup> و چون تنها شد<sup>m</sup> کسانی که با آن دوازده تن<sup>n</sup> گردآگرد او بودند در مورد مثل ها از وی سؤال می کردند.<sup>۱۱</sup> و او به مت ۱۳:۳۶ ایشان می گفت<sup>۱۰</sup>: «راز فرمانروائی خدا به متون مشابه<sup>۹</sup>: لو ۸:۹».

- با اینکه زمینه و محیط وقایع ظاهراً همان است که در آیه ۳۶ ذکر شده با این همه تغییر ناگهانی صحنه نسبت به آیات ۲-۱ نشان می دهد مطالبی که به طور خصوصی گفته می شود چقدر اهمیت دارد. این سخنان که در اینجا آغاز شده احتمالاً تا آیه ۲۵ ادامه می یابد. مرقس با شروع از این سخنان عیسی، استنباط خود را از درک و انگیزه مثل ها بیان کرده است. با توجه به عدم موقعیت موظله عیسی به قوم اسرائیل و تجربه کلیساها اولیه که لازم بوده مفهوم مثل ها به آنان توضیح داده شود.

- «کسانی که که در پیرامون او بودند» (ر.ک ۳:۳۴) منحصر به دوازده رسول نبود (ر.ک ۷:۷؛ ۱۷:۱؛ ۲۸:۹؛ ۱۰:۱۰؛ ۳:۱۳). بلکه در مقابل توده مردمی «که در خارج بودند» (آیه ۱۱ توضیح p) بیش نمودی از جمعیت های آینده مسیحیان به شمار می آمدند.

- این سخن عیسی که در آیات ۱۱-۱۲ آمده از محتوای مطالب مثل مرد بذر افسان که در آیات ۱۳-۲۰ توضیح داده می شود تجاوز می نماید. به نظر مرقس این سخن درباره مجموعه آموزشایی است که به وسیله مثل ها داده می شود. در این آموزشها راز و رمزی نهفته که فقط خدا می تواند آن را آشکار سازد و آن راز، مشیت خدا و فرارسیدن قطعی فرمانروائی او است (ر.ک دان ۲:۱۸؛ ۲:۲۷، ۲:۲۲، ۲:۳۰-۲۷، ۳:۶۱؛ ۲:۴۹؛ ۳:۳۶؛ ۱:۱۳؛ ۴:۳۶؛ ۹:۹-۱۸؛ ۹:۱۱؛ ۱۸:۹؛ ۶-۵:۶؛ سرودهای قمران ۲:۲؛ ۴:۱۳؛ ۴:۲۷-۲۸؛ روم ۱۶:۲۷-۲۵؛ افس ۹:۳؛ ۹:۶؛ ۱۹:۲۶؛ کول ۲:۲؛ ۲:۲۷-۲۸). آن «راز فرمانروائی خدا» که تاکنون بر همه پنهان بوده کلید درک اعمال و سخنان عیسی است و آن را به کسانی که در اطراف او هستند ابراز نماید، ر.ک ۳:۲۳ توضیح Z.

- این اصطلاح در میان قوم بیهود (بنسی مقدمه ۵) و همچنین کلیساها اولیه اصطلاحی شناخته شده بود (۱-قرن ۵:۱۲-۱۳؛ کول ۴:۱-تسا ۴:۱۲) و از آن چنین برمی آید که باید جمعیتی وجود داشته باشد و بعضی اشخاص نسبت به آن جمعیت بیگانه و خارجی به حساب آیند. به نظر مرقس تجربه کلیسا ادامه تجربیات عیسی است (ر.ک آیه ۱۰ توضیح n) و مسیحیان از الهامی برخوردارند که اشخاص بی ایمان را از آن نصیبی نیست.

- همه چیز به مثل ها می شود» (در مورد نظم این ترکیب جمله یونانی ر.ک ۲:۵؛ ۲:۲۵؛ ۲:۲۰-۲:۲۱-قرن ۵:۱۳-۲:۷) در اینجا مثل ها را که با موهبت راز تناقض دارد بایستی به مفهوم «معما» درک کرد (در ترجمه یونانی حرق ۲:۱ نیز به همین گونه است؛ بنسی ۳:۲-۳:۲؛ در ادبیات مکاشفه ای، رازهای آسمانی با مثل هایی پوشیده شده که نیاز به توضیح دارند. ر.ک خنیخ ۳:۴-۴:۶؛ روم ۳:۳-۴:۶) مرقس با این سخن روشن می کند به چه سبب موضعه عیسی و سپس وعظ کلیسا در مورد بسیاری از مردمان با عدم موقعیت روبرو گردید. ظاهرآ مثل های عیسی تعلیمی ساده است که همه می توانند آنها را درک کنند (آیه ۳۳) اما مرقس تأکید می کند که کسی نمی تواند آنها را عمیقاً درک کند مگر اینکه تشخیص دهد که روح القدس یعنی اقتدار خود خدا جهت استقرار فرمانروائی او در عیسی عمل می کند ولی از این عمل عیسی ذهن بسیاری از مردمان پوشیده مانده است.

- این جملات که از متن آرامی (ترگوم) اش ۶:۶-۱۰ نقل شده است عدم موقعیت آن بیامیر را اعلام می نماید که موقعه او گناه مردمان سنگدل را تشدید کرده بود. کلیسا اولیه همین متن را در مورد عدم موقعیت رسالت مسیحیان در نزد قوم بیهود بکار می برد، قومی که بیامیران قساوت قلب آنان را اعلام کرده و آن را طبق مشیت الهی درک می کردند (یو ۱۲:۴-۳۹؛ ۴:۲۸-۲۶؛ ۲۸:۲۸) در اینجا نقل قول با عبارت «برای اینکه» آغاز شده که نشان می دهد عیسی به هیچ وجه اراده نداشته بیام خود را مخفی نگه دارد و مانع از آن شود «کسانی که در خارج هستند» توبه کنند بلکه عدم موقعیت او بر طبق نوشته های مقدس و برابر با مشیت اسرارآمیز خدا است. دلیل نهایی این شکست بیان نشده است (ر.ک روم ۱۱:۷-۱۶؛ ۲:۹-۲:۲۸). ضمناً نظریه مشیت الهی به هیچ وجه مستلزم آدمی را تخفیف نمی دهد (آیه ۲۴). به احتمال قوی عیسی بدین گونه عدم موقعیت خود را درک نمود. مرقس این موضوع را در مورد مثل هایی بکار می برد که شاید درک آنها در روایات مسیحی دشوار باشد و بایستی آن مثل ها را با توجه به راز ملکوت خدا که در آنها نهفته تفسیر نمود، رازی که از خلال اقدامات و فعلیت های عیسی به شاگردان و سپس به جمعیت مسیحیان مکشوف شده است.

خفة می کنند و بی میوه می گردد.<sup>۲۰</sup> و  
کسانی هستند که بذر را برخاک خوب  
دربافت می دارند، اینان سخن را شنیده  
می پذیرند و میوه می آورند، یکی سی و  
دیگری شصت و دیگری صد.»

### چراغ و پیمانه

(متی ۱۵:۵؛ ۱۰: ۲۶؛ ۱۸:۸)

لوقا ۳۸:۶؛ ۱۱: ۱۲؛ ۱۶: ۱۸)

<sup>۲۱</sup> و به ایشان می گفت:<sup>۱۱</sup> «آیا چراغ  
می آید<sup>۷</sup> تا زیر ظرف پیمانه یا زیر  
تخت خواب گذاشته شود؟ مگر نه این  
است تا بر چراغدان گذاشته شود؟<sup>۲۲</sup> زیرا  
هیچ چیز پنهان نیست که نباید پدیدار شود لو  
گردد.<sup>۷</sup> هر که برای شنیدن گوش دارد مت ۱۱:۱۵؛  
 بشنود!<sup>۹</sup> <sup>۲۳</sup> و به ایشان می گفت: «مواظ  
آنچه می شنوید باشید!<sup>۱۰</sup> به همان پیمانه ای مت ۶:۳۸؛  
 که می پیمائید برای شما پیموده خواهد شد  
و بر شما افروزه خواهد گردید.<sup>۲۵</sup> زیرا آن  
که دارد به وی داده خواهد شد و آن که مت ۱۳:۱۲؛  
 ندارد، حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد  
شد.»

<sup>۱۳</sup> و به ایشان گفت: «آیا این مثل را  
در کنمی کنید؟<sup>۱۴</sup> پس چگونه همه مثل ها  
را خواهید فهمید؟»

### توضیح مثل بزرگ

(متی ۱۳:۱۱-۱۸؛ ۲۳: ۱۵)

<sup>۱۴</sup> «بذرافشان سخن را می افشارند.

<sup>۱۵</sup> هستند کسانی که در طول راهی قرار  
دارند که در آنجا آن سخن افشارده شده و  
چون شنیده اند، همان دم شیطان آمده  
سخن را که در آنان افشارده شده است  
برمی دارد.<sup>۱۶</sup> و هم چنین کسانی که بذر را  
بر سنگلاخ ها دریافت می کنند، چون سخن  
را می شنوند همان دم آن را با شادی  
می پذیرند،<sup>۱۷</sup> و آنان در خودشان ریشه  
ندارند، بلکه مردان ددمدی هستند، سپس  
مصبیتی یا ستمی به خاطر سخن  
فرامی رسد، همان دم می لغزند.<sup>۱۸</sup> و  
کسانی دیگر هستند که بذر را در میان  
خارها دریافت می دارند، اینان کسانی  
هستند که سخن را شنیده اند<sup>۱۹</sup> و  
گرفتاریهای این جهان، فریب ثروت و دیگر  
هوی و هوسها در آنها راه یافته، سخن را

<sup>۱۹</sup>- در اینجا موضوع عدم بصیرت شاگردان عیسی برای نخستین بار ذکر شده و مرقس اکثراً این نکته را یادآوری کرده است (۱۸:۷؛ ۱۸:۸؛ ۱۸-۱۷:۸؛ ۱۰:۹؛ ۳۳: ۲۱، ۱۸:۷؛ ۳۸: ۱۰؛ ر. ک ۳۲: توضیح).

<sup>t</sup>- توضیحاتی که درباره مثل مرد بذر افسان (آیات ۱۴-۲۰) ذکر شده نشان می دهد که بین مثل چگونه در کلیساهای اولیه مورد استفاده بوده است (مثل «سخن» برابر با انجیل: اشاره به شکنجه ها، تشویق به مخالفت با اندیشه امور دنیوی). در مثل مرد بذر افسان به باروری دانه بذر توجه شده بود در صورتی که در اینجا استعداد و قابلیت شنوندگان مورد توجه است. در این مثل که به صورت تیشیل می باشد هر یک از جزئیات معنایی بوسیله دارند و این توضیح آنها را آشکار می کند.

<sup>۲۱</sup>- بنابر نوشته مرقس سخنانی که در بی این جمله آمده خطاب به شاگردان می گفت «به ایشان می گفت» آیات (۲۱-۲۴) و انگیزه مثل های عیسی را روشن می کند. تصویر چراغ و بیمانه دارای مختصات مثل های آیات ۳-۹، ۲۶-۲۹ و ۳۰-۳۲ نیست. بعد از آیات ۱۱-۱۲ بکار گیری مجدد تصویر چراغ تأکید می کند که جنبه مخفی حقیقتی که در تعلیم عیسی مکشوف می شود و روزی باید به همه آشکار گردد. تصویر بیمانه اهیت استعداد شنوندگان را تأیید می نماید.

<sup>۷</sup>- بکاربردن فعل «آمدن» ممکن است عجیب به نظر برسد و می تواند یادآوری آمدن مسیح باشد (۱: ۱۰؛ ۲: ۷؛ ۱: ۱۷؛ ۲: ۷؛ ۱: ۱۰؛ ۴: ۵).

<sup>W</sup>- رازی که در مثل ها نهفته بایستی آشکار گردد حتی در صورتی که بدوا فقط بر شاگردان مکثوف شده باشد. از سخنانی که در این شرایط و در اینجا ذکر شده چنین استبطا می شود که به نظر مرقس سر مسیح بودن عیسی بایستی آشکار شود (ر. ک ۱: ۳۴؛ توضیح p).

<sup>X</sup>- به عقیده مرقس موضوع تعلیمات عیسی و سری که در آنها نهفته مستلزم دقت و استعداد شنوندگان است، ر. ک لو ۸: ۱۸.

به وجود می آورد به طوری که پرندگان آسمان می توانند به زیر سایه اش پناه برند.<sup>b</sup>

### تعلیم به مثل ها (متی ۱۲: ۳۴-۳۵)

<sup>۳۳</sup> و با مثل های بسیاری از این قبیل به آنان سخن می گفت، مطابق آنچه می توانستند بشنوند: <sup>۳۴</sup> بدون مثل به آنان [هیچ] نمی گفت اما جدآگانه به شاگردان خود همه چیز را توضیح می داد.<sup>c</sup>

### آرام شدن طوفان

(متی ۸: ۲۲-۲۷؛ لوقا ۸: ۲۲-۲۷)

<sup>۳۵</sup> و آن روز هنگامی که غروب فرارسید<sup>d</sup> به ایشان گفت: «به سوی دیگر برویم.» <sup>۳۶</sup> و جمعیت را ترک کرده او را همان گونه که بود در قایق با خود برداشتند<sup>e</sup> و قایق های دیگری نیز با او بود.<sup>f</sup> <sup>۳۷</sup> تندبادی شدید<sup>g</sup> برخاست و امواج به درون قایق می ریخت به

### بذر خود رو

<sup>۲۶</sup> و می گفت<sup>y</sup>: «ملکوت خدا مانند مردی است که بذر بر خاک افشارنده باشد.

<sup>۲۷</sup> <sup>۷:۵</sup> چه بخوابد چه قائم باشد، شب و روز، بذر نسوان می کند و می روید و او چگونگی آن را نمی داند.<sup>۲۸</sup> خاک خود میوه می آورد، نخست گیاه، بعد خوش و بالاخره خوشة پر از گندم.<sup>۲۹</sup> و چون میوه آماده می شود، همان دم داس بر آن می نهد<sup>z</sup>، زیرا [موسم] درواست.»

### دانه خردل

(متی ۱۳: ۳۱-۳۲؛ لوقا ۱۳: ۱۸-۱۹)

<sup>۳۰</sup> و می گفت: «ملکوت خدا را چگونه می توانیم تشبيه کنیم، یا در چه مثلی می توانیم قرار دهیم؟<sup>۳۱</sup> به مانند دانه خردل<sup>a</sup> است: وقتی بر خاک افشارنده شد، کوچکترین بذری است که بر خاک است؛ <sup>۳۲</sup> و چون افشارنده شد، بالا آمده از همه بوته ها بزرگتر می گردد و شاخه های بزرگ

<sup>y</sup>- در دو مثل که از این پس می آید به مانند مثل قبلی از تصویر بذر استفاده شده است (آیات ۳-۶) و بنا به نوشته مرقس این دو مثل نیز در مورد راز فرمانروائی خدا گفته شده است، رازی نهفته که در دوران فعالیت عیسی فقط به شاگردان مکشف گردیده است. ضمناً بذری که به خودی خود می روید مثلی مختص به انجیل مرقس بوده و اشاره به نیروی پنهانی این راز است که تا استقرار قطعی فرمانروائی خدا ادامه دارد و در مثل به صورت برداشت محصول ارائه گردیده است. همچنین باید توجه داشت که در این مثل مرد بذر افشارن همان کسی است که محصول را درو می کند (ر. ک یو ۴: ۳۵).

<sup>۳۱</sup>- تصویری از داوری است. ر. ک یو ۴: ۱۳؛ مکا ۱۴: ۱۵.

<sup>a</sup>- مقایسه دانه بذر کوچکی که در خاک نهفته با عظمت و گسترش گیاهی که به پایان رشد خود رسیده نیروی مقاومت ناپذیر فرمانروائی خدا را به یاد می آورد که اقتدار او به وسیله اعمال و آموزش های عیسی مخفیانه عمل می نماید.

<sup>b</sup>- ر. ک حرق ۱۷: ۲۲؛ دان ۶: ۶؛ دان ۹: ۹؛ ۱۸: فرمانروائی خدا به تمام ملتها گسترش خواهد یافت.

<sup>c</sup>- در حالی که از آیه ۳۳ برمی آید که مثل ها به منظور تعلیم به عامة مردم است (ر. ک آیه ۲) ولی در آیه ۳۴ دیدگاه مرقس را درباره مثل ها می توان تشخیص داد، ر. ک آیات ۱۰-۱۲. بدین معنی که با پیوستن به عیسی می توان به فراتراز آنچه در دسترس عامه مردم است رسید.

<sup>d</sup>- چندین مثل (آیات ۱-۳) و چهار معجزه ای که در پی آنها می آید (۴: ۳۵-۵: ۴۳) و همه در یک روز انجام شده آشکار می سازد که اقتدار فرمانروائی خدا در تعلیمات و همچنین در اعمال عیسی ظهرور می باید (ر. ک ۱: ۲۷). از سوی دیگر بابهای ۴ و ۵ نشان می دهد که چگونه عیسی شاگردانش را به همراه خود برده (۳: ۱۴) تا به آنان آموزش مخصوص دهد و به دور از حضور مردم اقتدار خود را برآنان آشکار سازد.

<sup>e</sup>- ر. ک ۴: ۱.

<sup>f</sup>- ترجمه دیگر: «و قایقهای دیگری با این [قایق] بود.»

<sup>۳۷</sup>- وقتی بادهایی که از دریای مدیترانه می وزد با بادهایی که از صحرای سوریه می آید برخورد می کند در دریاچه طبریه طوفانها و گردباهای ناگهانی ایجاد می شود.

خارج می شد همان دم مردی با روح ناپاک از قبرها<sup>m</sup> بیرون شده در برابر وی آمد. مسکن او قبرها می بود و هیچ کس دیگر نمی توانست حتی با زنجیر او را ببیند. درواقع، اغلب او را با غل و زنجیر بسته بودند و او زنجیرها را پاره کرده و غلها را شکسته بود و هیچ کس قادر به رام کردن او نمی شد.<sup>n</sup> و همواره روز و شب در قبرها و در کوهستانها فریاد می کشید و خود را با سنگها مجرح می کرد.<sup>o</sup> و با دیدن عیسی از دور، پیش دویده در برابر وی به خاک افتاد<sup>p</sup> و با صدائی بلند فریاد کشیده گفت: «از من چه می خواهی<sup>q</sup> ای عیسی، پسر خدای تعالی؟<sup>r</sup> تو را به خدا سوگند می دهم مرا عذاب مده!»<sup>s</sup> زیرا او به وی می گفت: «ای روح ناپاک از این مرد خارج شو.»<sup>t</sup> و از او می پرسید: «نام تو چیست؟» و او به

طوری که قایق داشت پر می شد.<sup>u</sup> و او در عقب [قایق] بر بالش<sup>h</sup> خوابیده بود. و او را قائم ساخته می گویند: «ای استاد تو را باکی نیست که ما هلاک شویم؟»<sup>v</sup> و قیام کرده باد را نهیب زد و به دریا گفت: «خاموش! ساکت باش!<sup>w</sup>» و باد فرو نشست و آرامشی بزرگ پدید آمد.<sup>x</sup> و به ایشان گفت: «چرا این قدر هراسان هستید؟ چگونه ایمان ندارید؟»<sup>y</sup> و ایشان را ترسی بزرگ فرا گرفت و در میان خود می گفتند: «پس این کیست که حتی باد و دریا از او اطاعت می کنند؟»<sup>z</sup>

### شفای مرد دیوانه در جدریان (متی ۳۴:۲۶-۳۹؛ لوقا ۸:۸)

## ۵

<sup>۱</sup> و به سوی دیگر دریا، به سرزمین جدریان<sup>۱</sup> آمدند. <sup>۲</sup> چون از قایق

- نشیمنگاه عقب قایق معمولاً مخصوص ملوان مراقب حرکت قایق بود و تشکیله ای بر روی آن قرار داشت، از کلمه ای که در متین یونانی بکار رفته چینن بر می آید که عیسی تشکیله را زیر سر گذاشته بود.
- چنین برمی آید که آشتفتگی و تلاطم دریا حمله ای شیطانی است و عیسی با سخن خود آن را ناتوان می سازد چنان که در ۲۵:۱ نیز روح شریری را نهیب زده اورا وادرار به سکوت می نماید. کلیسا نیز وقتی مأموریت خود در میان امتها را شروع می کند با توفان شدید جفاها روبرو می شود و بر آن پیروز خواهد گردید
- ترجمه دیگر: «چگونه هنوز ایمان ندارید!» در اینجا منظور مرقس ایمان به عیسی و ایمان به قدرت الهی است که به وسیله او عمل می کند. طبق انجیل مرقس، شاگردان تا روز رستاخیز مسیح اصلاً ایمان نداشتند (۴:۶؛ ۶:۶؛ ۹:۶؛ ۱۶:۹؛ ۱۱:۱۶)، ۱۶:۱۴) ولی در انجیل متی، شاگردان «کم ایمان» بودند (ر. ک مت ۲۶:۸ توضیح h: لو ۲۵:۸ توضیح z).
- ر. ک ۲۷:۱، ارواح ناپاک از او اطاعت می کنند. تسلط بر دریای خروشن و خشمگین که نمونه نیروهای مخالف خدا است مختص قدرت الهی است، ر. ک مز ۱۰:۸۹؛ ۴:۳-۹:۳؛ ۱:۱۰ توضیح m: آیه ۱۱ توضیح z: آیه ۲۰ توضیح y.
- در نسخه های دیگر «جرجسیان» آمده است (برای تطبیق با مت ۲۸:۲) یا جرجزیان (بنا به تصور اوریجن). اصولاً سرزمین جرازا به فاصله زیادی از دریاچه قرار دارد و بنا بر این با شهری که در آیه ۱۴ ذکر شده تطبیق نمی کند. شاید در نظر مرقس تمام نواحی شرقی دریاچه، سرزمین جدریان بوده است. در این روایت نشان داده شده که وقتی عیسی وارد سرزمین بت پرستان می شود فوراً با دیوها روبرو می شود و عیسی (و هم چنین کلیساي در آینده، ر. ک مر ۱۶:۱۷-۱۷:۱۸) در آنجا نیز بر دیوها تسلط و اقتدار دارد (آیه ۲ توضیح m: آیه ۱۱ توضیح z: آیه ۲۰ توضیح y).
- این قبرها در داخل صخره ها حفر شده یا غارهای طبیعی بودند و ممکن بود به عنوان پناهگاه از آنها استفاده شود. در اینجا همچون مکانی ناپاک به شمار می آیند (ر. ک اش ۴:۶۵).
- ر. ک ۲۴:۱ توضیح i.
- ر. ک ۲۴:۱ توضیح j: ۳۴:۱:۳ توضیح p: ۱۱:۳. رفتار مردی که روحی ناپاک داشت و در برابر عیسی به خاک افتاد اقتدار غیرقابل مقاومت پسر خدا را نشان می دهد. در اینجا عیسی دستور حفظ سکوت نداده زیرا کسی غیر از دوازده رسول در آنجا حاضر نبوده است.

بر دیوانه فرا رسیده و هم‌چنین داستان خوکان را برایشان بازگو کردند.<sup>۱۷</sup> و شروع به درخواست از [عیسی] کردند که از سرزمین آنان برود.<sup>۱۸</sup> و در حالی که سوار بر قایق می‌شد آن کس که دیوانه بود درخواست می‌کرد که با او بماند.<sup>۱۹</sup> و به او اجازه نداد، اماً به او گفت: «به خانه ات مت»<sup>۲۰</sup> برو، به نزد کسانی و آنچه را خداوند برای <sup>مر</sup><sub>لو</sub> <sup>۲۶:۸</sup><sub>۳۹:۸</sub> تو کرده است به آنان خبر بد که چگونه بر تورحم آورده است!<sup>۲۱</sup> و او رفت و در دیکاپولیس<sup>۲۲</sup> از هر آنچه عیسی برایش انجام داده بود آغاز به ندا دادن کرد<sup>۲۳</sup> و همه متعجب می‌بودند.

### شفای زن مبتلا به خونریزی و قیام دختر یائیروس

(متی ۱۸:۹؛ ۲۶:۹؛ لوقا ۸:۴۰-۵۶)

<sup>۲۱</sup> و بعد از آنکه عیسی باز به سوی کرانه دیگر عبور کرده بود، جمعیت کثیری به

وی گفت: «نام من لژیون<sup>P</sup> است زیرا ما بسیاریم.»<sup>۱۰</sup> و او با اصرار از وی درخواست می‌کرد آنها را به خارج از آن سرزمین نفرستند.<sup>۹</sup> باری، در آنجا، بر بالای کوه، گله بزرگی از خوکان<sup>۲۴</sup> در حال چریدن می‌بود.<sup>۱۲</sup> و [ارواح ناپاک]<sup>۲۵</sup> از وی درخواست کرده گفتند: «ما را به درون خوکان بفرست که بدانها داخل شویم.»<sup>۱۳</sup> و او به وی آن را اجرازه داد و ارواح ناپاک خارج شده به درون خوکان رفتند و گله حدود دو هزار از بالای پرتگاه به دریا پریدند و در دریا خفه شدند.<sup>۱۴</sup> و کسانی که آنها را نگهبانی می‌کردند، فرار کرده در شهر و در دهکده‌ها اعلام کردند و مردم می‌آمدند تا آنچه را انجام شده بود ببینند.<sup>۱۵</sup> و آنان نزد عیسی می‌آیند و دیوانه را می‌بینند، نشسته، لباس پوشیده و معقول، همان کسی که لژیون<sup>۲۶</sup> داشت و آنان ترسیدند.<sup>۱۶</sup> و کسانی که دیده بودند، چه

P- بر طبق عقیده کسانی که در آن دوران ارواح پلید را دور می‌کردند هرگاه کسی «نام» دیوی را می‌دانست بر او قدرت و تسلط می‌یافتد. در اینجا عیسی دشمن را مجبور کرده نامش را بگوید. از کلمه لژیون برمی‌آید که فوجی از دیوها در او مستقر شده‌اند (لژیون رومی شامل شش هزار تن بوده و ضمناً تعداد زیاد دیوها نشان می‌دهد و ضعیت این مرد که گرفتار ارواح ناپاک است و خیم می‌باشد، ر.ک مت ۱:۲ // ۴۵:۸ // لوقا ۲:۸ توضیح P: ۸). این روایت از موضوع مرد بیمار فراتر رفته بیرونی عیسی را بر سلطنت شیطان نشان می‌دهد، ر.ک ۲:۲۳-۲۷.

Q- این نکته نمایانگر ریشه عامیانه این روایت است، بدین معنی که تصویر می‌کردند دیوی که به بیرون رانده می‌شود سعی می‌کند پناهگاه دیگری پیدا کند. ر.ک مت ۱۲:۳ // ۴۳:۱۲. // ر.ک مت ۱:۲ // ۴۵:۸ این روایت از موضع مرد بیمار فراتر رفته بکار برده شده است.

R- وجود خوکان یعنی حیواناتی که در نظر یهودیان نجس هستند در اینجا بیانگر نجاست سرزمین مشرکان است.

S- کلمه «ارواح ناپاک» که فاعل جمله است در متن اصلی وجود ندارد و از آن<sup>۱۳</sup> به اینجا اوردده شده است.

T- غرق شدن خوکان در اینجا به مفهوم پایان قدرت شیطانی بر منطقه و رهایی آن از ناپاکی و نجاست است.

U- بنا به کشفیات باستان‌شناسی، لژیون رومی که در سرزمین فلسطین مستقر بود، مشهور به لژیون گراز بود و نشان آن بر کتیبه‌ای در اورسلیم پیدا شده است.

V- به طوری که در ۱۴:۳ ذکر شده مانندن با عیسی از امتیازات دوازده تن بود.

W- در اینجا و در آیات ۷-۸ دستور حفظ سکوت داده شده و مغایرت این نکته با حفظ راز پنهانی مسیح فقط ظاهری است. در اینجا عیسی سرزمین مزبور را ترک می‌کند و دستوری که داده درباره خودش نبوده بلکه مربوط به عمل خدا است.

X- فعل ندا دادن در انجیل مرقس معمولاً در مورد موعده انجیل بکار می‌رود. ر.ک ۳۸:۱ توضیح Q و مرقس این عمل را مقدمه‌ای بر انتشار انجیل در میان غیریهودیان می‌داند.

Y- دیکاپولیس (شهرهای دهگانه) مجموعه شهرهایی است که در شرق رودخانه اردن قرار داشت و از زمان پمپی سردار رومی از نوعی خدمتخانه‌ای سیاسی برخوردار بوده است. ضمناً اکثریت ساکنان این شهرها غیریهودی بوده‌اند.

عیسیٰ چون در خود دانست که نیرویی از لو<sup>۹</sup> وی خارج شده در میان جمعیت برگشته می‌گفت: «چه کسی جامه‌های مرا لمس کرده است؟»<sup>۱۱</sup> و شاگردانش به وی می‌گفتند: «جمعیت را می‌نگری که از هر سو به تو فشار می‌آورد و تو می‌گوئی: چه کسی مرا لمس کرده است؟»<sup>۱۲</sup> و به اطراف خود می‌نگریست تا ببیند چه کسی این کار را کرده است.<sup>۱۳</sup> آن زن ترسان و لرزان که می‌دانست چه شده است آمده در برابر او افتاد و همهٔ حقیقت را به او گفت.<sup>۱۴</sup> وی به او گفت: «دخترم<sup>d</sup>، ایمان تورا نجات داده است! به آرامش برو و از این بلا درمان شو.»<sup>۱۵</sup> هنوز داشت سخن می‌گفت که از خانه رئیس کنیسه افرادی آمده می‌گویند: «دخترت مرده است، چرا باز استاد را زحمت می‌دهی؟»<sup>۱۶</sup> عیسیٰ سخنی<sup>f</sup> را که گفته شد شنید و به رئیس کنیسه گفت: «نترس، فقط ایمان بیاور.»<sup>۱۷</sup> و نگذاشت هیچ کس جز پطرس و یعقوب و یوحنا برادر یعقوب وی را همراهی

نزدش گرد آمد و او در کنار دریا می‌بود.<sup>۱۸</sup> و یکی از رؤسای کنیسه<sup>Z</sup> به نام یائیروس می‌آید و چون او را دید به پاهای وی می‌افتد<sup>۱۹</sup> و مصراًنه از او درخواست می‌کند و می‌گوید: «دخترکم نزدیک به مرگ است، بیا دستهای را بر او بگذار تا نجات یابد و زندگی کند.»<sup>۲۰</sup> و وی با او برفت و جمعیتی کثیر به دنبال او می‌بودند و از هر سو به وی فشار می‌آوردن.<sup>۲۱</sup> و در آن میان<sup>a</sup> زنی به مدّت دوازده سال مبتلا به خونریزی بود،<sup>۲۲</sup> که از دست پزشکان متعدد مرارت بسیاری کشیده بود و تمام هستی خود را بدون هیچ فایده ای خرج کرده برعکس حالت بدتر شده بود.<sup>۲۳</sup> با اطلاع یافتن از آنچه دربارهٔ عیسیٰ می‌گفتند از پشت وارد جمعیت شد و ردادی او را لمس کرد.<sup>۲۴</sup> زیرا می‌گفت: «اگر فقط جامه‌هایش را لمس کنم، نجات خواهم یافت!<sup>b</sup><sup>۲۵</sup> و همان دم، جریان خونش بند آمد<sup>c</sup> و در بدنش احساس کرد که از بیماری شفا یافته است.<sup>۲۶</sup> و همان دم

- عنوان رئیس کنیسه به کسی اطلاق می‌شده که مسئول برگزاری مراسم مذهبی در کنیسه بوده است ولی این عنوان در مورد اعضای عالی رتبه جماعت یهودیان نیز بکار می‌رفته است.

-a در مورد روش گنجانیدن یک روایت در داخل روایت دیگر به آیه ۲۰:۲۰ توضیح X مراجعه شود. در این دو روایت که مربوط به معجزه‌ها هستند مرقس درباره ایمان (آیات ۳۶-۳۴) و درباره نجات (آیات ۲۸-۲۳) که به وسیله تماس جسمانی با عیسیٰ به دست آمده (آیات ۲۳، ۲۷، ۳۰، ۴۱) تأکید نموده است. از سوی دیگر این دو معجزه محrama نه هستند زیرا موضوع معجزه اولی طبیعتاً محrama نه است و دومی به درخواست عیسیٰ محrama می‌ماند.

-b این اندیشه متنضم قبول نظریه‌ای است که بر اثر تماس نیروی عمل می‌نماید، ر. ک ۱۰:۳؛ لو ۱۹:۶؛ اع ۱:۵؛ ۱۹:۱۱-۱۲. بقیه روایت در مورد زن ناشناسی است که لباس عیسیٰ را لمس کرده و اهتمت این تماس یادآوری گردیده که البته با تماس جمعیتی که بر عیسیٰ فشار می‌آوردند تفاوت بسیار دارد (آیات ۳۰-۳۲) زیرا تماس آن زن از ایمان ناشی می‌شد (آیه ۳۴) و در وجود عیسیٰ قدرت نجات بخش خدا را تشخیص می‌داد، ر. ک مت ۱۱:۱۵ توضیح ۵.

-c تحت اللفظی: «سرچشم خونش خشک شد.»

-d ر. ک مت ۲۲:۹ توضیح f.

-e بدین سان تصور می‌کردند نیروی عیسیٰ در مرزهای مرگ متوقف می‌گردد. (ر. ک یو ۱۱:۲۱، ۲۱:۳۲) و به همین خاطر دعوت می‌کند ایمان بیاورند (آیه ۳۶؛ ر. ک یو ۱۱:۲۶). مرقس این نظریه را اظهار می‌نماید تا بفهماند قدرت عیسیٰ نیروی رستاخیز است. ر. ک آیه ۴۱ توضیح j.

-f ترجمه دیگر: «این سخن شگفت انگیز.»

۴۳ و مصراًنه به آنان سفارش کرد نگذارند هیچ کس این را بداند<sup>k</sup> و گفت به او خوراکی دهند.

**عیسی در ناصره**  
(متی ۱۳:۵۸-۵۴؛ لوقا ۴:۱۶، ۲۲، ۲۴)  
**۶** و از آنجا بیرون شد و به موطن خود آمده شاگردانش به دنبال او می آیند.<sup>l</sup> و چون سبت فرا رسید به آموزش در کنیسه پرداخت و اکثراً با شنیدن او<sup>m</sup>، شگفت زده می شدند و می گفتند: «اینها از کجا به او می رسد؟ و کدام حکمت است که به او داده شده است؟...»<sup>n</sup> بو ۱۵:۷

g- دنباله وقایع محrama نه انجام می شود (آیات ۴۰-۴۳). در این جریان که بیش از موعد قدرت عیسی بر مرگ متجلی می شود شخصیت سه نفر شاهد واقعه (۲:۹؛ ۱۴:۳؛ ر. ک ۱۳:۳) اهمیت مکاشفه ای بعدی را تأیید می نماید.

h- در زبان کتاب مقدس اکثراً مرگ به همراه تصویر «خواب» ذکر شده است (مت ۳۰:۲۷؛ ۱۱:۱؛ قرن ۱-۶:۱۵؛ ۱۳:۴-۱۵).

i- این عبارت که به زبان آرامی نقل شده نشان می دهد که اصل روایت مربوط به محافلی است که به این زبان سخن می گفتند و در اینکه برای خوانندگان یونانی به همین صورت حفظ شده توجه آنان را به جنبه قاطع سخن عیسی جلب می نماید، ر. ک ۳۴:۷.

j- ترجمه دیگر: «قیام کن». البته کلمه «بیدار شو!» با آنچه قبل از آن<sup>۳۹</sup> گفته شده «خوابیده است» تطبیق می نماید. در زبان آرامی «قوم» به معنی «برخیز» است در صورتی که کلمات یونانی که برای بیان رستاخیز مردگان بکار می رود تصویری از بیدار شدن و قد برافراشتن به یاد می آورد. (egerein: بیدار کردن یا بلند کردن: برخیزاندن). به این خاطر است که فعل یونانی egerein در ترجمه فعل چون معادل فعل آرامی «قوم» آمده به «قیام کردن» ترجمه شده و نه «بیدار شدن».

k- نگهداری راز در چنین مواردی دشوار است (ر. ک آیه ۳۸) و این راز به خوبی نشان می دهد که آن را واقعاً نمی توانستند در ک کنند مگر پس از رستاخیز عیسی از میان مردگان.

l- در این روایت عیسی با بی ایمانی هموطنان خود روبرو می شود و چنین بینظر می رسد که این قسمت در ورای باهای ۴ و ۵ که در آن عیسی بخشی از راز پنهان خود را به شاگردانش آشکار می نماید با ۳-۲۰:۳۵ ارتباط دارد.

m- ترجمه دیگر: «شوندگان زیادی...»

n- ترجمه دیگر: «و چنان معجزه های بزرگی که به دستهای او انجام می شود». کلمه معجزه که از عربی وارد زبان فارسی شده ترجمه نه چندان دقیق کلمه یونانی dynamis به معنی قدرتها است که عیسی در کلام خود بکار برد (مت ۲۱:۱۱؛ ۲۲:۷؛ ۲۳:۹؛ مر ۳۹:۶) یا در موارد بیشتر در سخن ناظران (مر ۱۴:۶؛ ۲:۶) یا توسط نویسنده گان آنابجیل بکار رفته است (مت ۱۱:۲۰؛ ۱۳:۱۳؛ مر ۵:۶؛ ۳۷:۱۹؛ ۱۳:۵).

o- در بسیاری از نسخه ها، این قسمت به مانند متی ۱۳:۱۳ چنین است: «پسر آن نجار و مریم» کلمه ای که در یونانی آمده و «نجار» ترجمه شده ممکن است در مورد کارگری بکار برد شود که بر روی چوب، سنگ یا فلز کار می کند بنابراین می توان تصور کرد کسی است که خانه بنا می کند. ضمناً در اینجا صحبتی از پدر نشده و با توجه به آداب و رسوم یهودیان این نکته عجیب می نماید ولی باید توجه نمود در اینجا و نیز در ۳۱:۳، ۳۵-۳۱:۳، ۱۰-۲۹:۱۰، ۳۶:۱۴، ۲۲:۱۳، ۳۸:۸) مرقس کلمه پدر را حذف نموده زیرا استدلال وی این است که خدا پدر عیسی است (۳۸:۸). خدا پدر شاگردان عیسی نیز می باشد (۱۱:۲۳ و به احتمال قوی به این دلیل در ۱۰-۲۹:۱۰ اشاره ای به پدر نشده است).

کند<sup>g</sup>.<sup>۳۸</sup> و ایشان به خانه رئیس کنیسه می آیند و هیا هو و مردمی را که می گزیند و فریاد می زنند مشاهده می کند.<sup>۳۹</sup> وارد شده به آنان گفت: «این هیا هو و گریه ها برای چیست؟ کودک نمرده بلکه در خواب است<sup>h</sup>.»<sup>۴۰</sup> و اورا مسخره می کردند اما او همه را بیرون کرده، پدر کودک، مادر و کسانی را که با وی می بودند با خود برداشته به جائی که کودک در آنجا می بود داخل می شود.<sup>۴۱</sup> و کودک را با دست گرفته به او گفت: «طلیتا قوم<sup>i</sup>» که ترجمه آن این است: «دخترک به تو می گوییم قیام کن.<sup>j</sup>»<sup>۴۲</sup> و همان دم دخترک برخاست و راه می رفت زیرا دوازده سال داشت. و همان دم ایشان را شگفتی بزرگی فراگرفت.

آنان دو به دو نمود و به ایشان قدرت بر ارواح ناپاک می‌داد.<sup>۸</sup> و به ایشان سفارش کرد برای راه هیچ برندهارند مگر یک عصا<sup>۷</sup>، نه نان، نه خورجین و نه پول خرد در کمر بند،<sup>۹</sup> بلکه چارق به پا کنند و «دو ردا نپوشند».<sup>۱۰</sup> و به آنان می‌گفت: «هر جا به خانه‌ای<sup>۱۱</sup> وارد شوید تا زمانی که از آنجا حرکت کنید، همان جا بمانید.<sup>۱۱</sup> اگر در جائی شما را پذیرا نشوند و به شما گوش ندهند، از آنجا بیرون شده خاکی را که زیر پاهایتان است<sup>x</sup> به شهادتی علیه ایشان بتکانید<sup>y</sup>.»<sup>۱۲</sup> و ایشان بیرون شده ندا دادند که توبه کنند.<sup>۱۳</sup> و بسیاری از مت ۲:۳ شیاطین را می‌رانند و بسیاری از دردمدان را با روغن تدهین کرده<sup>a</sup> آنان را شفا می‌دادند.

و برادر<sup>P</sup> یعقوب و یوسا و یهودا و شمعون نیست؟ و مگر خواهان<sup>۹</sup> وی اینجا در بین ما نیستند؟» و آنان در باره وی دچار لغزش می‌شدند.<sup>۱۰</sup> و عیسی به آنان می‌گفت که به پیامبر<sup>b</sup> احترامی نمی‌شود مگر در موطن خود و در میان خویشان خود و در خانه خود.<sup>۵</sup> و در آنجا نمی‌توانست هیچ معجزه‌ای انجام دهد<sup>c</sup> غیر از اینکه با دست نهادن بر چند علیل آنان را شفا داد.<sup>d</sup> و از بی ایمانی آنان در شگفت بود.

### رسالت دوازده تن

(متی ۳۵:۹؛ ۱۰؛ ۱۴-۵؛ ۱:۹؛ لوقا ۶-۱)

روستاهای اطراف را طی کرده آموزش می‌داد.<sup>۷</sup> و آن دوازده تن<sup>۱۱</sup> را به سوی خویش فرامی‌خواند و شروع به فرستادن

- ر. ک مت ۱۲:۴۶ .k

q- اینجا تنها موردی است که از خواهان عیسی یاد شده است. البته به استثنای آیه ۳۲:۳ که در بعضی از مدارک مربوط به این متن ذکر گردیده است.

r- ر. ک مت ۵:۲۶ توضیح؛ ۳۱:۲۶ توضیح، زیرا خیال می‌کردند او را می‌شناستند در صورتی که بی ایمان می‌مانندند (آیه ۶ عیسی برای آنان سنگی در جلو راه بود که به آن برخورد می‌کردند).

s- ر. ک مت ۱۳:۵۷ .X

t- عدم امکان معجزه در این مورد مربوط به نبودن ایمان می‌باشد، آیه ۶. این ایمان ارتباطی روان‌شناختی نیست که گویا شفای فرد بیمار مشروط به اطمینان وی به مسیح باشد. چنان‌چه شخص بیمار ایمان نداشته باشد معجزه معنائی ندارد و نمی‌توان از معجزه سخن گفت بلکه جادوگری است. در مورد وجود ایمان در روایتهای مربوط به معجزه‌ها ر. ک ۵:۲ d . بالاخره لازم به یادآوری است که قدرت ایمان به شفای بیماران محدود نمی‌شود (۲۴-۲۲:۱۱) ر. ک مت ۱۳:۵۸ .y

u- در قسمت اول انجیل مرقس در جاهای مختلف روایت‌هایی درباره دوازده رسول وجود دارد، ر. ک ۱:۲۰-۱۳:۳؛ ۲:۱-۱۶:۱ . آیات ۷-۱۳ درباره مأموریت ایشان و آیه ۳۰ درباره مراجعت و گزارش آنان در خصوص فعالیتهای پشارنی باعث سلسه وقایعی خواهد شد که در آن مرقس نشان خواهد داد رسولان در تشخیص و دریافت راز عیسی بی بصیرت هستند (۶:۳۰-۸:۲۱).

v- عصا و چارق (آیه ۹) در مت ۱:۱۰؛ لو ۹:۳؛ ۱۰:۴ وجود ندارد. سخنان عیسی با اوضاع و شرایط جدید زندگی می‌شینند در خارج از فلسطین تطبیق داده است زیرا امکان داشت در مناطق مذکور عصا و چارق ضروری باشد بدون اینکه وضعیت فقر طبق تعلیم عیسی نقض شود.

w- منظور پذیرایی است که از می‌شینند به عمل می‌آورند (ر. ک ۲۴:۷).

x- ر. ک مت ۱۰:۴ b.

y- ر. ک ۱:۴ .X

z- منظور توبه‌ای است که با آمدن فرمانروائی خدا ضروری است، ر. ک ۱:۵-۱.

a- تدهین که با روغن انجام می‌شود، در اینجا بعنوان دارویی پزشکی نیست. (ر. ک لو ۱۰:۳۴) بلکه عملی با نیروی معجزه آسا است چنان که لمس کردن یا دست گذاشتن بر روی کسی نیز چنین است.

### مرگ یحیی تعمید دهنده

(متی ۱۴:۳-۱۲؛ لوقا ۳:۱۹-۲۰)

<sup>۱۷</sup> زیرا هیرودیس بود که فرستاده بود یحیی<sup>g</sup> را دستگیر کنند و به خاطر هیرودیا، زن برادرش فیلیپس<sup>h</sup> که به همسری گرفته بود او را در زندان به بند کشیده بود. <sup>۱۸</sup> زیرا یحیی به هیرودیس می گفت: «برای تو مجاز نیست که زن برادرت را داشته باشی». <sup>۱۹</sup> هیرودیا علیه او بود و می خواست او را به کشتن دهد ولی نمی توانست. <sup>۲۰</sup> زیرا هیرودیس از یحیی می ترسید و او را مردی درستکار و مقدس می دانست و از او حمایت می کرد. و پس از شنیدن او واقعاً نمی دانست چه فکر

### هیرودیس و عیسی

(متی ۱۴:۲-۱؛ لوقا ۹:۷-۹)

<sup>۱۴</sup> و هیرودیس<sup>b</sup> پادشاه آن را شنید، زیرا نام وی مشهور شده بود<sup>c</sup> و می گفتند: «این یحیی تعمیدگر است که از میان مردگان قیام کرده و برای همین است که از او معجزات به ظهر می رسد»<sup>d</sup> و دیگران می گفتند: «این الیاس<sup>e</sup> است.» دیگران می گفتند: «این پیامبری بماند دیگر پیامبران<sup>f</sup> است.» <sup>۱۶</sup> اما هیرودیس آن را شنیده می گفت: «آن که سرش را بریدم، یحیی، همان است که قیام کرده است!»

- ر. ک لو ۱:۳ X. منظور هیرودیس آنتیپاس است که مرقس او را پادشاه می خواند در صورتی که عنوان رسمی او «تیترارک» بوده که در روم باستان، حکمران یک چهارم استان بوده است.

- c در مورد گنجایش روایهای مربوط به هیرودیس (آیات ۱۴-۲۹) در روایت مأموریت دوازده تن ر. ک ۲۰:۳ X. مرقس که نظریات مختلف درباره عیسی را بر می شمارد (آیات ۱۴-۱۶) موضوع مطالب مربوط به ۲۷:۸-۳۰ را آماده می کند و می خواهد جنبه منحصر به فرد شخصیت عیسی و رسالت او را نشان دهد همان گونه که در ۳۱:۶-۳۰:۸ آشکار خواهد شد.

- d تحتاللفظی: «بدین سبب قدرتها در او عمل می کنند».

- e ر. ک ۱۱:۹ م:۷-۷. ۷

- f یهودیان تصور می کردند از مدت‌ها پیش دیگر «پیامبری» وجود نداشته است و از اقتدار عیسی (ر. ک ۱:۲۱-۲۸؛ ر. ک ۹:۷-۲۴) چنین استنباط می کردند که پیامبری همانند پیامبران قدیم یا شاید پیامبران زمان آخر یعنی موسای نوین ظهور کرده است (ر. ک ث ۱۵:۱۵-۱۸؛ یو ۶:۴؛ اع ۲۲:۲-۲۳). درک لو ۸:۹ این است که یکی از پیامبران کهن دوباره زنده شده است).

- g این روایت (آیات ۲۹-۱۷) در اینجا خیلی مفصل تر از روایت انجیل متی است و می توان آن را با گزارش مورخ یهودی فلاویوس ژوفف مقایسه کرد. بنا به گفته مورخ مذکور هیرودیس آنتیپاس، یحیی را که به خاطر مسائل سیاسی در قلعه ماکرونیت زندانی بود از بین برده. ضمناً هیرودیس که دختر سلطان نباطیه را طلاق داده و هیرودیا را به زنی اختیار کرده بود در جنگی که بدین سبب با سلطان نباطیه کرد شکست خورد و مردم این شکست را به سبب قتل یحیی و به عنوان کیفر الهی تعییر می کردند. روایت مرقس بدون اینکه مستقیماً گزارش فلاویوس ژوفف را انکار کند از نظر شرح جزئیات مهم است (همین آیه یادداشت h) ولی به موضوع مذهبی بیشتر توجه می کند. ضمناً این مورد تنها قسمی از انجیل مرقس است که مربوط به عیسی نیست ولی با هدف و منظور کتاب مبایتی ندارد بدین معنی که با آمدن یحیی موضوع بازگشت الیاس به عنوان پیشگام مسیح موعود به تحقق بیوسته و سرنوشت او پیشاپیش اعلام سرنوشت عیسی است، ر. ک ۱۱:۹-۱۳.

- h بنا به گفته فلاویوس ژوفف، هیرودیا در ابتدا زوجه برادر ناتنی هیرودیس آنتیپاس بوده که او هم هیرودیس نام داشته و در رم می زیسته است، برادر ناتنی دیگر او به نام فیلیپس تیترارک ایطوريه و تراخونیتس بوده، ر. ک لو ۳:۱-۳؛ م:۴-۳. این شخص سالومه دختر هیرودیا را به زنی گرفته بود. ضمناً هیرودیا نواحی هیرودیس کبیر و برادر زاده هیرودیس آنتیپاس بوده است.

- i ر. ک مت ۴:۱۴ .c

پادشاه دژخیمی را با فرمان آوردند سر [یحیی] فرستاد و او برای بریدن سر به زندان رفت،<sup>۲۸</sup> سپس سرش را بر یک سینی آورده به دخترک داد و دخترک آن را به مادرش داد.<sup>۲۹</sup> و شاگردانش آن را شنیده آمدند و جسدش را برداشتند و در قبری نهادند.

**بازگشت رسولان. عیسیٰ پنج هزار مرد را در بیابان خوراک می‌دهد**  
(متی ۱۴:۲۱-۱۳:۱؛ لوقا ۹:۱۰-۱۷؛  
یوحنا ۱:۱۵-۱:۶)

<sup>۳۰</sup> و رسولان<sup>۱</sup> نزد عیسیٰ<sup>m</sup> گرد آمدند و از همه آنچه کرده و همه آنچه را آموزش داده بودند<sup>n</sup> به وی نوید دادند.<sup>۳۱</sup> و وی به ایشان گفت: «شما جدا به صحراء بیانید و اندکی بیاسائید». زیرا افراد بیشماری می‌آمدند و می‌رفتند و آنان حتی وقت غذا خوردن نداشتند.<sup>۳۲</sup> و با فایق، جداگانه به صحراء رفتهند.<sup>۳۳</sup> و دیدند که آنان می‌روند

کنده<sup>۱</sup> و با وجود این با طیب خاطر او را می‌شنید.<sup>۲۱</sup> فرصتی فرا رسید، وقتی هیرودیس به مناسبت سالگرد تولد خود ضیافتی برای بزرگان دربارش، افسران و معتمدان جلیل می‌داد.<sup>۲۲</sup> و دختر همان هیرودیا<sup>k</sup> وارد شده رقصید و هیرودیس و مهمانانش را خوش آمد و پادشاه به دخترک گفت: «هر چه می‌خواهی از من درخواست کن و من به تو خواهم داد».<sup>۲۳</sup> و استر ۵:۳-۶،<sup>۲۴</sup> برای او قسم خورد: «هر آنچه بخواهی، آن را به تو خواهم داد حتی اگر نصف مملکت من باشد.»<sup>۲۴</sup> و بیرون شده به مادرش گفت: «چه باید درخواست کنم؟» او گفت: «سر یحیی تعمید گر را».<sup>۲۵</sup> و همان دم شتابان نزد پادشاه وارد شده درخواست کرد: «می‌خواهم که هم اینک بر روی یک سینی سر یحیی تعمید دهنده را به من بدهی.»<sup>۲۶</sup> و پادشاه بسیار غمگین شد اماً به خاطر سوگندهاش و میهمانان، نخواست او را رد کند.<sup>۲۷</sup> و همان دم

۱- در بعضی نسخ آمده: «کارهای زیادی می‌کرد» که شاید اصطلاحی در زبانهای سامی است و به معنی: «غالباً از او شنوازی داشت» می‌باشد یا ترجمه دیگری که کمتر متحمل است: «از او سؤالهای زیادی می‌کرد».

- ترجمه دیگر: «دخترش هیرودیا».

۱- دوازده تن به نام رسول خوانده می‌شوند (در انجیل مرقس فقط در اینجا و در بعضی نسخه‌ها در آیه ۱۴:۳). این افراد به عنوان فرستادگان عیسیٰ نام برده شده اند و نتیجه رسالت خود را به او گزارش می‌کنند، ر.ک ۶:۷-۱۳؛ مت ۱۰:۱۰؛ لو ۶:۱۳-۲۱.

m- در این متن از انجیل مرقس (۶:۲۰-۸:۲۶) دو روایت ذکر شده که موضوع آنها غذا دادن عیسیٰ به اینه جمعیت می‌باشد (۹:۱-۱۰:۴)، در این دو روایت، وقایعی که پس از هر یک رخ می‌دهد مشابه هستند: عبور از دریاچه (۶:۲۵-۶:۳۰)، مجادله با فریسان (۷:۱-۱۰)، بحث درباره نان (۷:۲۴-۸:۲۰) و شفای بیمار (۷:۲۱-۸:۲۶)، منع این دو روایت هر چه باشد (چه مرقس و چه روایتی مقدم بر او، این مورد را با سلسه وقایعی که در باب ۶ انجیل یوحنا آمده مقایسه کنید: زیاد شدن نانها، عبور از دریاچه و راه رفتن روی آب، بحث درباره نان، بیان ایمان پطرس) از نظر الهیات مرقس می‌توان گفت به موضوع افسای راز مسیح به شاگردان توجه داشته و بیش از پیش درباره عدم بصیرت آنان تأکید کرده است. ضمناً به روابط با فریسان و غیربهودیان توجه داشته است.

n- ارتباط قسمت بعدی مطالب (ر.ک توضیح قبلی) با تصریف آینده خود انجام داده اند نشان می‌دهد که عیسیٰ به آنان خواهد گفت واقعاً چه وظیفه‌ای دارند و راز نهفته اقدامات و شخصیت خود را به آنان ابراز می‌نماید. به هر حال مرقس تأکید می‌کند که همیستگی رسولان با عیسیٰ نسبت به سایر مردمان بیشتر است (آیات ۳۱-۳۳)، فعالانه در آموزش او همکاری می‌کنند (آیات ۳۰ و ۳۴) در غذا دادن به مردم شراکت دارند (آیات ۴۴-۴۵). در پرسش کلیسا نیز ابتدا آئین کلام خدا و سپس تقسیم نان اجرا می‌شود.

۳۷ در پاسخ به ایشان می‌گوید: «خودتان چیزی برای خوردن به آنان بدهید.<sup>۵</sup>» و به او می‌گویند: «آیا باید برویم دویست دینار<sup>۶</sup> نان بخریم تا برای خوردن به آنان بدهیم؟»<sup>۳۸</sup> به ایشان می‌گوید: «چند نان دارید؟ بروید بیننید.» و چون مطمئن شدند می‌گویند: «پنج نان و دو ماهی.»<sup>۳۹</sup> و به ایشان دستور داد همه را سفره به سفره<sup>۱۰</sup> بر سبزه زار بنشانند.<sup>۷</sup> و آنان در دسته‌های صد نفری و پنجاه نفری<sup>۸</sup> نشستند.<sup>۹</sup> و او پنج نان و دو ماهی را گرفته، به سوی

و بسیاری ایشان را باز شناختند و پیاده از همه شهرها به آنجا شتافتند و پیش روی ایشان رسیدند.<sup>۳۴</sup> و هنگام پیاده شدن از قایق جمیعت کشیری را دید و بر آنان ترحم نمود زیرا چون گوسفدان بی شبان<sup>P</sup> بودند، و شروع به آموزش بسیاری چیزها به آنان نمود.<sup>۳۵</sup> و چون ساعت دیر وقت بود، شاگردانش نزد وی آمدند می گفتند: «اینجا صحراء است و ساعت دیر وقت!<sup>E</sup> آنان را روانه کن که به دهکده های اطراف و به روستاهای رفته چیزی برای خوردن بخرند.»

۱۴:۱۳-هـ

p- «ترجمی» که به عیسی دست داده (ر. ک: ۸) به سبب بی سریرست بودن مردم است و تشییه آنان به گله بی شبان که تصویری از کتاب مقدس است نشانه شرم آور بی توجهی مسئولان می باشد (ر. ک مت ۳۶:۹) این موضوع یادآوری می کند که عیسی همچون مسیح موعود در نقش شیان عمل می نماید (حرق ۲۴:۳۷، ۲۳:۳۴) یا به مانند موسی (اعد ۱۵:۲۷، ۱۷:۲۷) مز ۷۷: ۲۱) با دادو (مز ۷۸:۷۰-۷۲) با خدا که در صحراء شیان قوم خود بود (مز ۷۸:۵۳-۵۲، ۵:۷۴؛ ۲۳:۱؛ ۱:۱؛ ۱:۸۰، ۳:۴، ۱:۱؛ حرق ۳:۴).

-۹- تنها مرقس تا به این اندازه آموزش عیسی را به عنوان ترجم و شیانی، او نشان داده است (رس ک مت ۱۴:۱۴) :

۱- در آیات ۳۴-۳۵ موضوعاتی که با مطالب ۸-۹-۱۰ مشترک است فراوان می باشد (ر. ک ۸:۱۰) . وجود شش روایت مشابه در انجیل (دو روایت در متی، دو روایت در مرقس، یکی در لوقا و یکی در یوحنا) نشان می دهد که در نظر کلیسای اولیه این مطالب جالب توجه بوده و به طوری که از مقایسه آنها با ۲۲:۱۴ بر می آید این علاقه و توجه مخصوصاً در آئین سیاستگذاری ابراز می شده است (در مورد روایتی که منبع آن برگزاری تیایش می باشد ر. ک ۶:۸) از سوی دیگر تمثیل های آشکار، شاهد بر این است که در هنگام بازگویی این روایت معجزه ای از بیش را به یاد می آورده اند (۲- پاد ۴:۲۴-۴:۳۴) . همچنین مائدۀ ای را که خدا برای قوم خود در صحراء فراهم ساخته بود (خرج ۱۶: ثت ۳:۸، ۱۶: ۱۶، ۷:۸۷-۲۴:۵-۲۵:۲) . بدینسان نشان می دادند که متن مذکور در عصی تحقق یزدیرفته است در صورتی که یهودیان آن عصر این نوشته ها را به عنوان اعلام کارهای بزرگ خدا و مسیح موعود در زمان آخر می خوانند. در ارتباط با آن... خواست و سه ای... ر. ک ۱:۲۸-۸:۲۵-۲:۱-۱:۸-۱:۸-۱:۴-۱:۳-۶:۵

مسیر تیپ سپتیمی را در اینجا معرفی نموده ام. سوچی و آناتولی کارلوفی همچنان که مذکور شدند، مخصوصاً ذکر کرد که پکونه عیسی شاگردانش را واذر به فعالیت کرده (آیات ۳۸، ۳۹، ۴۱) و آنان را برای همکاری در انجام رسالت‌ش آماده می‌نماید، و رک ۱۳:۱-۱۵:۶، ۷:۶، ۱۲-۱۳:۱، ۳۰.

t- بنا بر آنچه متنی در ۲۰:۲۰ آورده است دینار برابر مزد یک کارگر کشاورزی در یک روز می باشد. در میشنا ذکر شده که جیره روزانه نان یک فرن یک دوازدهم دینار ارزش داشته است. «[میشنا عبارت از مجموعه قوانینی است که بزرگان قوم یهود پس از بازگشت از تبعید بابل به تدریج تهیی و تدوین نمودند و شامل قوانین کشاورزی، جشن ها، زنان و ازدواج، قوانین مدنی و جزایی، قوانین مذهبی و مقررات پاکی و طهارت است. تدوین این قوانین در قرن یکم پیش از میلاد آغاز شد و در قرن سوم میلادی بایان نافته و به صورت قطعی، درآمد.]

**U-** فعلی که در اینجا «نشاندن» ترجمه شده در اصل «دراز کشیدن» است.

**V-** به احتمال قوی ذکر این نکته دقیق در ارتباط با طبیعت (ر. ک یو: ۱۰، ۱۲ توضیح h) نشان می دهد که مرقس می خواهد عیسی را ناظر شبانی که در مز ۲۳ ذکر شده قوم خود را به محلی سرسبز و کنار آبهای آرامش و آسایش هدایت می کند (آیه ۱: ر. ک مت ۶: ۳۱) و در آنجا سفره ای برایش می گسترد (آیه ۵).

**W-** فعلاً «نشستن» به صورت تحت الفظ «دان: کشیدن» است. ت. قسماتی که باء، م به داده شده بدایا این اطلاعات

نمی توان به خوبی مجسم نمود. ضمناً این ترتیبیات که کاملاً بر عکس وضعیت مردم در آیه ۳۴ می باشد تشکیلات فرم اسرائیل را در صحراهی سینا به یاد می آورد (خرج ۲۱:۱۸، ۲۱:۲۵؛ اعد ۴:۳۱؛ ت ۱۵:۱)؛ ششکلاتی که به عنوان کمال مطلوب قوم خدا به شمار آمده است (۱-مک ۵:۳ و در نوشته های فرقه قمران؛ مقررات جامعه مذهبی ۲:۲۱-۲:۰۰؛ مقررات انجمان پیران کلیسا ۲:۲۹-۲:۱۰؛ نوشته دمشق، الف ۱۳:۱؛ ۱:۱۶-۱:۱۷؛ ۵:۱-۵:۲؛ ر. ک خوش ۳:۶۹؛ ر. ک خواره تریتیات فرشتگان).

<sup>b</sup> و چون از آنان جدا شد، برای نیایش <sup>۴۶</sup> کوهستان رفت. <sup>۴۷</sup> و با فرار سیدن شامگاه، <sup>۱۳:۳؛ ۳۵:۱</sup> <sup>۲۹</sup> قایق در میان دریا می بود او تنها بر خشکی. <sup>۴۸</sup> و چون دید که ایشان با عذاب پارو می زندند (زیرا باد در جهت مخالف ایشان بود). نزدیک پاس چهارم شب <sup>c</sup>، بر روی دریا راه رفته <sup>d</sup> به سوی ایشان می آید و نزدیک بود از ایشان بگذرد. <sup>e</sup> <sup>۴۹</sup> ایشان با دیدن وی که بر دریا راه می رفت پنداشتند که شبی است و فریادها کشیدند؛ <sup>۵۰</sup> زیرا همه اورا دیده و هراسان شده بودند، اما <sup>۳۷:۲۴</sup> <sup>۳۷</sup> و همان دم با ایشان حرف زده به ایشان گفت: «شجاعت داشته باشید، من هستم <sup>f</sup> نترسید.» <sup>۵۱</sup> و نزد ایشان به قایق سوار شد و باد فرو نشست و ایشان در درون خود در <sup>۳۹:۴</sup>

آسمان نگریسته [دعای] برکت خواند<sup>x</sup> و نانها را پاره کرد و به شاگردان می داد تا با آنها از مردم پذیرائی کنند و همین طور دو ماهی را بین همه قسمت کرد. <sup>۴۲</sup> و همه خوردند و سیر شدند، <sup>۴۳</sup> و پاره ها را به اندازه دوازده سبد پر برداشتند<sup>y</sup>، هم چنین ماهی ها را. <sup>۴۴</sup> و کسانی که نانها را خورده بودند پنج هزار مرد<sup>z</sup> می بودند.

### راه رفت عیسی بر دریا

(متی ۱۴: ۲۲-۳۳؛ یوحنا ۶: ۱۶-۲۱)  
<sup>۴۵</sup> و همان دم شاگردان خود را وارد ساخت تا سوار قایق شده پیشاپیش وی به سوی دیگر به طرف بیت صیدا<sup>a</sup> بروند در حالی که خودش جمعیت را مخصوص می کرد.

<sup>x</sup>- منظور دعای سپاسگزاری است که در آن دوران جزو آداب مذهبی یهودیان در حین تکه کردن نان در سر سفره انجام می شده است. چنانک در ادب مذهبی مسیحیان نیز معمول است ولی مفهوم حدیدی گرفته است. دعای برکت فرضی به دست می دهد تا نعمت هایی را که خدا به قوم خود عطا فرموده یادآوری نمایند و در ضمن مفهوم تقسیم کردن نان بیان شود.

<sup>y</sup>- سبدهای محکمی که با ترکه های بید بافته شده و یهودیان در آنها آذوقه حمل می کردند. دوازده سبد اشاره به تعداد قوم برگزیده (دوازده قبیله در عهد عتیق و دوازده رسول در عهد جدید) است (آیه ۳۰؛ ر. ک ۶:۸، ۸:۸ توضیح ۲ و ۵) که نقش فعل آنان در این روایت ذکر شده است. موضوع تکه های باقیمانده نشان دهنده وفور نعمت (خروج ۱۶: ۱۸-۱۷؛ اعد ۳۱: ۳۱-۳۲؛ ۲: ۲-۴۳-۴۲) بوده و جمع آوری آنها اشاره به آن است که برای شرکت کنندگان دیگر نیز به وسیله رسولان غذا فراهم خواهد بود.

<sup>z</sup>- این رقم با ترتیباتی که در آیه ۴۰ توصیف شده بود تطبیق می نماید و هم چنین به گونه ای یادآور اتحاد قوم اسرائیل می باشد.  
<sup>a</sup>- در بعضی از نسخه های خطی، عبارت «به سوی دیگر» تصریح نشده و بعضی از مفسرین معتقدند این نکته جزئی از متن ۲۲: ۱۴ اخذ گردیده است. اصولاً در این قسمت محل جغرافیایی وقوع رویدادها مبهم است و نمی توان مشخص نمود محل وقوع واقعه ای که قبل از مرقس روایت کرده کجا است (ر. ک ۱:۸، ۳۱:۷) بیت صیدا در ساحل شرقی رود اردن، قبل از اینکه به دریاچه طبریه بریزد قرار دارد.

<sup>b</sup>- ر. ک ۱۵:۶.

<sup>c</sup>- «نزدیک پاس چهارم شب» یعنی بین ساعت ۳ الی ۶ بعد از نیمه شب (ر. ک ۳۵:۱۳).

<sup>d</sup>- قلم گذاشتن بر بلندیهای دریا» (ایوب ۸:۹؛ ر. ک مز ۷۷: ۲۰؛ بنسی ۵:۲۴)، هم چنین تسلط بر دریا (مز ۸: ۶۵؛ ۱۷: ۷۷، ۱۰: ۸۹) مختص خدا است، ر. ک ۴۱: ۴-۶.

<sup>e</sup>- فعل «گذشتن» در اینجا گذشتن جلال خدا را از مقابل موسی و الیاس به یاد می آورد (خروج ۳۳: ۲۲، ۱۹: ۳۴؛ ۳۴: ۶ یونانی؛ ۱- پاد ۱۱: ۱۹ یونانی) ولی ر. ک لو ۲۸: ۲۴.

<sup>f</sup>- «من هستم» کلام وحی الهی است (خروج ۱۴: ۳؛ ثت ۳۹: ۳۲؛ اش ۴: ۴۱، ۱۰: ۴۳) و در یو ۸: ۲۴، ۲۸، ۵۸. عیسی آن را در مورد خود بکار می برد. مرقس بدون اینکه به این صراحت گفته باشد این روایت را به عنوان تجلی راز وجود عیسی، پسر خدا درک می نماید، بدین سبب در روایت الهام های مافوق طبیعی توصیه های: «نترسید»، «شجاعت داشته باشید» آمده است (که فقط در انجیل مرقس و در اینجا است، ر. ک بو ۱۶: ۳۳). این توصیه ها اثر حضور عیسی را در میان مخاطرات بیان می کنند و در اینجا مخاطرات به صورت دریا نشان داده شده است.

می کردند حتی فقط حاشیه ردای<sup>k</sup> وی را لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس می کردند نجات می یافتد.<sup>l</sup>

شگفتی کامل می بودند؛<sup>m</sup> زیرا از موضوع نانها<sup>n</sup> هیچ نفهمیده بودند، چون قلبشان سخت می بود!<sup>o</sup>

### مباحثه با فریسیان (متى ۱۵:۲۰-۱:۲۰)

**v** <sup>۱</sup> فریسیان و تنی چند از کاتبان از اورشلیم آمده نزد او جمع می شوند<sup>m</sup>، <sup>۲</sup> و چون می بینند که برخی از شاگردانش نان<sup>n</sup> خود را با دستهای آلوده <sup>۳</sup> لوس:۱۱ یعنی ناشسته<sup>o</sup> می خورند... <sup>۳</sup> درواقع فریسیان و همه یهودیان که به سنت مشایخ واپسته اند بدون آنکه دستها را با دقت<sup>p</sup> شسته باشند غذا نمی خورند، <sup>۴</sup> و در باز گشت از بازار، بدون اینکه بر خود [آب] پاشیده باشند<sup>q</sup>، غذا نمی خورند و چه بسا چیزهای دیگر هست که بنا به سنت بدانها

### شفاها در جنیسیارت (متى ۱۴:۳۶-۳۴)

<sup>۱</sup> پس از عبور از [دریا] در جنیسیارت<sup>r</sup> به خشکی رسیدند و پهلو گرفتند.<sup>s</sup> <sup>۴</sup> و همین که از قایق بیرون شدند، همان دم مردم وی را باز شناخته<sup>t</sup> همه ناحیه را در نور دیدند و کسانی را که مريض بودند بر روی بستر شان به جائی که شنیده بودند در آنجا است می آوردند.<sup>۵</sup> <sup>۵</sup> و به هر جائی که او وارد می شد، چه در روستاهای و چه در شهرها یا در دهکده های بیماران را در میدانهای عمومی می گذاشتند و از وی درخواست

- مرقس دو روایت قبلی را کاملاً به یکدیگر مربوط ساخته و آنها را نشانه هایی می داند که حاوی الهام الهی هستند ولی شاگردان هنوز آن را در ک نمی کنند (۸:۱۷-۲۱). در وجود عیسی قدرت خدا تعالی می کند که قوم خود را در صحراء سیر کرده و بر دریا تسلط دارد.

- h این ملامت خطاب به فریسیان خطاب است: (۳:۵-۵:۱۷) توپیح: ر. ک ۱۳:۴ سیب تمایل نایسنده درونی سخت شده برای در ک اعمال و اراده خدا مسدود می گردد، ر. ک روم ۱۱:۲۵ اش:۶-۹:۱۰.

- i جنیسیارت جلگه ای حاصلخیز در جنوب غربی کفرناحوم می باشد. به دشواری می توان محل دقیق آن را با بیت صیدا که در آیه ۴۵ آمده تطبیق دارد. امکان دارد مرقس این مطالب را از منابع مختلفی گرفته باشد.

- j منظره عمومی شفا دادن بیماران توسط عیسی و شور و هیجان مردم را در دو مورد ۱:۳۴-۳۲ و ۳:۷-۱۲ مقایسه کنید.

- k ر. ک ۲۸:۵ توپیح b. ذکر «حاشیه ردای او» که نکته ای جزیی است نشان می دهد عیسی قوانین یهود را رعایت می کرده است، ر. ک اعدام ۳:۳۹-۳۸:۳-۳۹:۳ تث ۲۲:۱۲.

- l ر. ک ۳۴:۵.

- m بحث طولانی با فریسیان درباره سنتها و پاکی و ناپاکی (آیات ۱-۲۳) برخلاف موقفیتی است که عیسی در برابر مردم داشته است (ر. ک همین اختلاف در ۱:۳-۶:۳؛ ۶:۱-۶:۳؛ ۳:۶-۳:۵؛ ۲۰:۳-۲۰:۶؛ ۶:۱-۶:۲) و بی دلیل نیست که این بحثها قبل از عزیمت عیسی از جلیل به سوی سرزمهین غیریهودیان (ناپاک) انجام شده است، آیه ۲۴. ضمناً در ک اراده الهی (آیات ۶-۱۳) و تشخیص پاکی (آیات ۱۴-۲۳) که ورای سنتهای یهود می باشد موجب گردید اتحاد یهودیان و غیریهودیان در کلیسا مسکن گردد (ر. ک غلام: ۶:۱۴-۱۴:۶).

- n در آن زمان گوشت غذای چوبانان و چادرنشینان بود (بنابراین بره اهمیت خاصی داشت) اما برای کشاورزان نان غذای اصلی محسوب می شد که با گذاشتن چیزی در نان (لتمه) آن را به عنوان غذای می خورند. بنابراین نان در انجیل مرقس و اناجیل دیگر مخصوصاً در ارتباط با شام اهمیت بسزایی دارد (۳:۵:۹؛ ۴:۷؛ ۵:۸؛ ۶:۱۴؛ ۷:۲۷؛ ۶:۳۷-۳۸؛ ۵:۲۰؛ ۳:۲۷؛ ۵:۲۷؛ ۶:۲۷؛ ۵:۴؛ ۶:۴؛ ۷:۹؛ ۸:۴؛ ۹:۷؛ ۱۰:۱۶؛ ۱۱:۱۷؛ ۱۲:۱۶).

- o در اینجا جنبه بهداشتی مطرح نیست بلکه رعایت یکی از قوانین شرعی یهود است.

- p ترجمه این کلمه دشوار است. ترجمه های دیگر بدین صورت می باشد: «قا به آرنج»، «قا مج»

- q برابر بعضی نسخه های زبان یونانی: «بدون اینکه غسل کرده باشند» یا «بدون شستشوی خود».

هر بهره‌ای که تو می‌توانستی از من ببری «قربانی»<sup>x</sup> باشد یعنی پیشکش مقدس...<sup>۱۲</sup> و دیگر نمی‌گذارید کاری برای پدر یا مادرش انجام دهد.<sup>۱۳</sup> سخن خدا را به وسیله سنت خود که آن را به همدیگر منتقل کرده اید<sup>۱۴</sup> نفی می‌کنید و چه بسیار چیزهای مشابه دیگری می‌کنید!<sup>۱۵</sup> و باز با فراخواندن جمعیت به آنان می‌گفت: «همه به من گوش دهید و بفهمید!»<sup>۱۶</sup> هیچ چیز در خارج از انسان نیست که در او داخل شده بتواند او را آلوهه سازد اما آنچه از انسان بیرون می‌آید همان است که انسان را آلوهه می‌کند.<sup>۱۷</sup> اگر کسی برای شنیدن گوش دارد، بشنو!<sup>۱۸</sup><sup>۱۹</sup> و چون به دور از جمعیت به خانه خویش وارد شد، شاگردانش از او درباره مثل<sup>a</sup> می‌پرسیدند.<sup>۱۸</sup> و به ایشان گفت: «آیا شما هم این قدر بی ادراک هستید؟ آیا نمی‌فهمید که هیچ چیزی که از خارج در انسان وارد شود نمی‌تواند او را آلوهه سازد؟ زیرا این وارد قلبش نمی‌شود

مت ۲۵:۲۳؛ لو ۳۹:۱۱ وابسته اند: آب کشیدن<sup>r</sup> پیاله‌ها، تنگها و سینه‌های مفرغین<sup>s</sup>...<sup>۵</sup> پس فریسیان و کاتبان از او پرسیدند: «چرا شاگردان تو برابر سنت مشایخ<sup>t</sup> رفتار نمی‌کنند، بلکه نان خود را با دستهای آلوهه می‌خورند؟»<sup>۶</sup> به ایشان گفت: «اشعیاء در باره شما ای ریاکاران چه خوب پیامبری کرده است! چنان که نوشته شده است<sup>u</sup>:

این قوم با لبها به من احترام می‌گذارد اماً قلبشان بسی از من دور است.

<sup>v</sup> بیهوده مرا عبادت می‌کنند زیرا به جای آموختش، آموختشی می‌دهند که دستورات آدمیان است!

<sup>w</sup> شما فرمان خدا را کنار گذاشته به سنت آدمیان پای بند هستید.»<sup>۹</sup> و به آنان می‌گفت: «فرمان خدا را به کلی رد می‌کنید تا سنت خود را نگاه دارید.»<sup>۱۰</sup> در واقع موسی گفته است: پدر و مادرت را احترام کن<sup>v</sup> و هر که پدر و مادر خود را لعنت کند البته بمیرد!<sup>w</sup> اما شما می‌گویید: هر کس به پدر یا مادرش بگوید

۲- در زبان یونانی: «حمامها»، «تعمیدها» ر. ک. h ۴:۱.

۳- تحت اللظی: «وسائل مفرغی».

۴- شامل دستورات و امور واجب بر طبق تورات موسی بود.

۵- اش ۱۳:۲۹ ترجمه یونانی (هفتاد تنان).

۶- خروج ۱۲:۲۰: تث ۱۶:۵؛ ر. ک. مر ۱۹:۱۰؛ افس ۲:۶.

۷- «لعنت کردن» ترجمه دیگر «ناسرا گفتن» خروج ۷:۲۱.

۸- کلمه «قربان» به زبان آرامی به معنی «تقدیمی» مخصوصاً به خدا است. ر. ک مت ۱۵:۶. اشخاص می‌توانستند از وظیفه و

کمک به پدر و مادر خود معاف شوند هرگاه نذر می‌کردند آنچه برای کمک به آنان واجب بود به خزانه معبد تقديم نمایند.

۹- فریسیان و کاتبان به مانند حلقه‌های زنجیر سنتهایی هستند که آنها را دریافت کرده و به نوبه خود منتقل می‌سازند و مدعی هستند که از موسی سرچشمه گرفته اند.

۱۰- در بعضی از نسخه‌های خطی: «اگر کسی گوش شنوا دارد بشنو!».

۱۱- واژه عبری mashal که در زبان یونانی به مفهوم «تمثیل» است ولی در عهد عتیق عبری این کلمه را می‌توان نکته مرموز و معما ترجمه نمود (ر. ک ۱۱:۳، q، لو ۴:۲۳). مرقس در این کلمه معناهای نهفته می‌بیند (آیه ۱۴ ر. ک ۹:۴) که فقط به شاگردان عیسی مکشوف می‌شود (ر. ک ۴:۱۰-۱۲) و مربوط به رسالتی است که عیسی به خاطر آن فرستاده شده است (آیه ۱۱:۴، ۲۷-۲۳) بدین معنی که فسخ ممنوعیت‌های غذایی را می‌توان با آمدن ملکوت خدا و پیروزی بر شیطان توجیه نمود (آیه ۱۹).

درباره او شنید آمده به پاهای او افتاد.  
**d** ۲۶ این زن یونانی<sup>d</sup>، سوری فنیقی زاده بود و از او تقاضا می کرد تا دیورا از دخترش بیرون براند.<sup>۲۷</sup> و [عیسی] به او می گفت: «بگذار اول<sup>e</sup> فرزندان سیر شوند زیرا خوب نیست نان فرزندان را گرفته پیش توله سگان اندازند».<sup>۲۸</sup> در پاسخ به او گفت: «آری<sup>f</sup> خداوندا، ولی حتی توله سگان<sup>g</sup>، زیر میز از خرد نان کودکان می خورند».<sup>۲۹</sup> و به او گفت: «به خاطر این سخن برو. دیو از دخترت بیرون شده است».<sup>۳۰</sup> او به خانه خود رفته، کودک را در بستر آرمیده و دیو را بیرون شده یافت.

### شفای کر و لال

**۳۱** و باز از سرزمین صور بیرون شده از صیدون<sup>h</sup> به سوی دریای جلیل در میان سرزمین دیکاپولیس آمد.<sup>۳۲</sup> و به نزد او کر

بلکه به شکمش می رود تا به مزبله افکنده شود.» بدینسان تمام غذاها را پاک **b** [اعلام] می کرد.<sup>۲۰</sup> و می گفت: «آنچه از انسان بیرون می آید همان است که انسان را آلوده می کند.<sup>۲۱</sup> زیرا از درون، از قلب انسانها است که استدلال های بد بیرون می آید: روپیگری ها، دزدی ها، قتل ها،<sup>۲۲</sup> زناها، حرص ها، هرزگی ها، مکرها، فسق و فجور، چشم بد، کفرگوئی، غرور و حماقت.<sup>۲۳</sup> همه این چیزهای بد از درون بیرون می آید و انسان را آلوده می کند.»

### ایمان زن سوری فنیقی (متی ۱۵: ۲۱-۲۸)

**c** ۲۴ از آنجاروانه شده به سرزمین صور<sup>c</sup> و صیدون رفت و به خانه ای وارد شده می خواست تا کسی نداند و نتوانست نادیده بگزند.<sup>۲۵</sup> اما زنی که دخترکی با روح ناپاک داشت همان دم که سخنی

- تحت اللطفی: «با پاک ساختن غذاها» احتمالاً این نظریه را مرقس از گفتار عیسی درک نموده است. با فسخ ممنوعیتهای غذایی هر مانعی از میان برداشته می شد و مسیحیانی که قبل<sup>d</sup> یهودی یا غیریهودی بودند می توانستند بر سر یک سفره غذا بخورند (ر. ک اع ۱۰:۱۸؛ غلا ۱۲:۲) قسمتی از انجیل که درباره نان است به موضوع پذیرش غیریهودیان بر سر سفره مسیح ارتباط دارد (ن ۱:۸؛ ۲۸-۲۷:۷).

-c این منطقه در حاشیه شمالی جلیل داشته و در آن مردمان مختلفی می زیستند که بیشترشان غیریهودی بودند. مرقس انگیزه این مسافرت را ذکر نکرده و موضوع ناشناخته ماندن عیسی با هدف رسالت مغایر می باشد ولی مرقس روایتی را که پس از ۷-۱:۲۳-۲۴ آمده بعنوان نشانه اعلام قبلی بشارت رسولان به غیریهودیان (آیه ۲۶؛ ر. ک قبل<sup>e</sup> ۸:۳؛ ۱:۵-۲۰ و در عهد عتیق ۱-۶، پاد ۱۷:۸-۲۴) و پذیرش آنان بر سر شام آخر خداوند می داند (آیات ۲۷-۲۸) ضمناً به آیات ۶، ۱:۶، ۲:۷، ۵:۲-۴:۱، ۶:۸، ۲:۱-۱۴ تذکر درباره نان توجه نمایید).

-d یونانی<sup>f</sup> یعنی یهودی نبوده است.

-e این کلمه در متی وجود ندارد و چنین می فهماند که انجیل از یهودیان به یونانیان منتقل خواهد شد (روم ۱۶:۱).

-f کلمه «آری» در بعضی نسخه ها وجود ندارد.

-g عبارت «توله سگان» توهین آمیز نیست و اشاره به سگهای کوچک خانگی است که بچه ها با آنها بازی می کنند ولی کلمه «سگ» غالباً آهانت آمیز است (ر. ک مت ۷:۶؛ فی ۲:۳؛ مکا ۲۲:۱۵).

-h ترجمه دیگر: «از صور و صیدا به سوی دریا برمی گردد». در این تذکر جغرافیایی منظور تعیین مسیر دقیق نیست بلکه یادآوری شده که واقعی دو روایت بعدی در سرزمین غیریهودیان رخ داده است.

داده است! کرها را به شنیدن و لالها را به حرف درمی آورد!»

**عیسیٰ چهار هزار نفر را غذا می دهد**  
(متی ۱۵:۳۲-۳۹؛ رک مرقس ۶:۴۰-۴۴ و متون موازی)

**د** کثیری می بود و چیزی برای خوردن نداشتند، شاگردان را به سوی خویش می خواند و به آنان می گوید:<sup>۵</sup> «دل برای این جمعیت به رحم آمده زیرا اکنون سه روز است نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند.<sup>۶</sup> و اگر آنان را روزه دار به خانه هایشان بفرستم در راه ضعف خواهند

را که به دشواری سخن می گفت.<sup>۷</sup> می آورند<sup>۸</sup> و از او درخواست می کنند که دست بر او بگذارد.<sup>۹</sup> و اورا از جمعیت بیرون آورده، جدا، انگشتان خویش را در گوشهاش نهاد و آب دهان انداخته زبانش را لمس کرد;<sup>۱۰</sup> و به سوی آسمان نگریسته ناله ای برآورد و به او گفت: «افتَ!<sup>۱۱</sup>» یعنی «باز شو!»<sup>۱۲</sup> و گوشهاش باز شد و همان دم بند از زبانش گشوده شد و درست حرف می زد.<sup>۱۳</sup> و [عیسیٰ] به آنان سفارش کرد به هیچکس چیزی نگویند، اما هر قدر بیشتر به آنان سفارش می کرد بیشتر ندا می دادند.<sup>۱۴</sup> و مردم بسیار حیرت زده می گفتند: «همه چیزها را به خوبی انجام

i- آیات ۳۲-۳۷ در چند مورد با آیات ۸-۲۲ شباخت دارند بدین معنی که هر دو روایت مختص به مرقس بوده و هر یک از آنها در آخر یک رشته وقایع مربوط به تکمیر نانها ذکر شده است (ر. ک ۶:۳۰ توضیح m). چنین به نظر می رسد که این دو قسمت در انجیل مرقس اشاراتی برای تأیید آموزش‌های مذهبی هستند که از متن اشیاع گرفته شده، اش ۳:۳۵-۶ و در اینجا در آیه ۳۷ نقل گردیده است. متن اشیاع (ر. ک مت ۱۱:۵//۱۱:۵) نه تنها درباره شفای ناشتوانی و لالها می باشد که در روایت اولی ذکر گردیده بلکه از شفای نابینایان نیز سخن گفته که در روایت دومی ارائه گردیده است (ر. ک ۲۲:۸ d).

j- اصطلاح «به دشواری سخن گفتن» در عهد عتیق فقط در ترجمه یونانی اش ۳:۳۵ بکار رفته است.

k- اصطلاح معمولی که در عهد جدید بکار می رود «گذاشتن دستها» است و «دست» به صورت مفرد فقط در اینجا و در مت ۹:۱۸ وجود دارد (خروج ۲:۹ را با لاو ۱:۴ مقایسه کنید).

l- ر. ک ۵:۴۱. این کلمه بعدها در آئین قدیم راز تعیید بکار خواهد رفت.

m- ر. ک ۱:۴۴. سر مسیح موعود می بایست آشکار گردد (۴:۲۱-۲۲) جنبه موقتی بودن این سر مخصوصاً در مورد معجزه ها پدیدار می شود که اعلام آنها از اعلام انجیل پیشی می گیرد (در هر دو مورد فعل «ندا دادن» است، ر. ک ۱:۴۵ y) در اینجا هم صدای دسته جمعی مردم (آیه ۳۷) از صدای جامعه مسیحیان پیشی می گیرد، مسیحیانی که عمل خدا را در مورد زمان آخر که به وسیله عیسیٰ انجام می شود اعتراف خواهند کرد.

n- این روایت (آیات ۱-۱۰) شامل همان موضوعها و ترکیب جمله هایی است که در ۶:۳۴-۴۴ وجود دارد (ترجم به مردم، گفتگو با شاگردان، صرف غذا با نان و ماہی در صحراء، سیر کردن، تکه های باقی مانده و تعداد) ولی این دو روایت در جزئیات مطالب به صورتهای مختلفی هستند به طوری که به نظر بعضی از مفسران دو روایت مذکور مربوط به دو واقعه مختلف می باشد ولی این اختلافات جزئی را می توان با توجه به اینکه روایت در جمعیت‌های مختلف مسیحی دچار تغییراتی شده باشند توضیح داد. ضمناً هر دو متن با روایت برقراری راز سپاسگزاری ارتباط داده شده است، اولی در کلیساهای مسیحیانی که قبل از یهودی بوده اند (ر. ک ۶:۳۵) و دومی در کلیساهای یونانی (ر. ک آیه ۶ r). در انجیل مرقس این دو روایت در دو رشته از آموزش‌های مذهبی مشابه وارد می شوند (ر. ک ۶:۳۰ m) و در آنها بر نشانه های رسالت و اقتدار عیسیٰ، سخت دلی فریسان و عدم بصیرت شاگردان تأکید می شود. (ر. ک ۸:۸ g; ۸:۱۴ h). به علاوه با توجه به اینکه مرقس محل مربوط به روایت دومی را در سرزمین امتهای تعیین نموده (ر. ک ۷:۱ h) بدین وسیله گسترش رسالت و نجات عیسیٰ را در میان غیریهودیان تأیید می نماید.

o- در این روایت عیسیٰ ابتکار را در دست دارد و نقش شاگردان فقط در آیات ۶-۷ ظاهر می شود (ر. ک ۶:۳۷).

**فریسیان در طلب نشانه‌ای آسمانی  
(متی ۱۲: ۳۹-۳۸؛ ۱۶: ۱۲؛ ۵۶-۵۴: ۱۲؛ ۲۹-۱۶: ۱۱)**

۱۱ و فریسیان بیرون آمده با او شروع به بحث کرده و نشانه‌ای از آسمان<sup>۷</sup> از او درخواست می‌کردد: این برای تجربه مت ۳۸: ۱۲؛ لو ۱۶: ۱۱؛ نمودن او می‌بود<sup>۸</sup>. ۱۲ او در روح خود بیرون ۳۰: ۶؛ قرن ۲۲: ۱؛ ۱۲-۱۰: ۷ اش<sup>۹</sup> ناله‌ای عمیق برآورده گفت: «چرا این نسل<sup>۱۰</sup> نشانه‌ای درخواست می‌کند؟ آمین به شما می‌گوییم: به این نسل نشانه‌ای داده نخواهد شد.»<sup>۱۱</sup> و آنان را ترک کرده باز سوار قایق شد و به سوی دیگر رفت.

**بی‌فهمی شاگردان**

**(متی ۱۶: ۱۲-۵؛ ۱۲: ۱؛ لوقا ۱۲: ۱)**

۱۲ و فراموش کردند با خود نان بردارند<sup>x</sup> و فقط یک نان در قایق با خود داشتند.

کرد و برخی از آنان از دور [آمده] اند!<sup>P</sup><sup>۴</sup> و شاگردانش به او پاسخ دادند: «چگونه می‌توان اینجا در صحراء اینان را با نان<sup>۹</sup> سیر کرد؟»<sup>۵</sup> و از ایشان می‌پرسید: «چند نان دارید؟»<sup>۶</sup> گفتند: «هفت»<sup>۶</sup> و او به جمعیت سفارش کرد روى زمين دراز بکشند و هفت نان را گرفته، شکرگزاری کرد<sup>۱۱</sup>، آنها را پاره نمود و به شاگردان خود می‌داد تا پذیرائی کنند و ایشان با آنها از جمعیت پذیرائی کرددند. همچنین چند ماهی کوچک نیز داشتند. با خواندن دعای برکت داد تا با آنها نیز پذیرائی کنند.<sup>۸</sup> و ایشان خوردن و سیر شدن و بقیه پاره‌ها را جمع کردن: هفت سبد!<sup>۹</sup> باری ایشان تقریباً چهار هزار [نفر] می‌بودند و آنان را روانه کرد.<sup>۱۰</sup> و همان دم به قایق سوار شده با شاگردان خود به ناحیه دلمانوته آمد.<sup>t</sup>

P- این کلمات، یوش ۶: ۹، ۹ و اش ۴: ۶۰ را به یاد می‌آورند و در جمعیتهایی که غیریهودیان در شام خداوند پذیرفته می‌شدند حتی این مقایسه را احساس می‌کرددند.

Q- غذا دادن به جمعیت کثیر، غیرممکن به نظر می‌آید و ممکن است مرقس در اینجا به حالت قوم برگزیده در صحرای سینا و به موهیت «منا» که از آسمان داده شده بود اشاره می‌کند (ر. ک خروج ۱: ۱۶؛ مز ۷: ۱۹-۱۸؛ ۰۶: ۱۵-۱۳؛ اعد ۱۱: ۱۳). اما در انجیل یوحنا در معجزه تکثیر نان اشاره به موضوع «منا» بسیار صريح می‌باشد (ر. ک یوه ۳۱: ۳۱-۳۲).

R- در اینجا هم همان ذعای برکت خواندن مذکور در ۴: ۶ است و همان اختلاف لغات و کلمات بین مر ۲۴-۲۲: ۲۴ و مت ۴: ۲۶؛ ۲۸-۲۶ از سوی دیگر وجود دارد. احتمالاً منع متن اولی از مسیحیانی است که قبل از روايات یونانی گرایان است.

S- عدد هفت (قبل از آیه ۵) ممکن است بدین سبب در اینجا آمده که عدد کامل است یا اینکه اشاره به گروه هفت نفری است که بر طبق اع ۶-۶ بر خدمات خوان یونانی گرایان نظارت داشتند یا بالاخره اشاره به عدد هفتاد می‌باشد که بر طبق سنن قدیمی معتقد بودند دنیای امتها به هفتاد ملت تقسیم می‌شد است (ر. ک ۴۳: ۶ توضیح ۷؛ لو ۱: ۱۰).

T- محلی ناشناخته نظریه مجدد که از آن در مت ۱: ۵ نام برده شده است. کلمه دلمانوته به زبان آرامی یعنی «در ناحیه منزل او» و احتمالاً در نزدیکی کفرناحوم بوده است.

U- فعل «تجربه کردن» در اینجا بیانگر سوء نیت می‌باشد.

V- ر. ک ث ۱۸: ۲۰-۲۰؛ اش ۷: ۱۰-۱۰: ۷. پس از «نشانه‌هایی» که عیسی انجام داده بود این تقاضا کوردلی فریسیان را نشان می‌داد و به همین سبب عیسی آنجا را ترک کرده می‌رود که در آیه ۱۳ ذکر شده است.

W- کلمه «نسل» معمولاً در سخنرانی که عیسی به منظور مردود شمردن یا محکوم کردن برخی افراد می‌گوید بکار برده شده است. (مت ۱۱: ۱۲، ۳۹: ۱۶، ۴: ۱۶؛ لو ۲۹: ۱۱؛ اع ۴: ۴۰؛ فی ۲: ۱۵؛ مز ۳۲: ۵: ۳۲) و اشاره به متن هایی نظریت ثبت: مز ۹: ۵ می‌باشد. رفتار فریسیان نمونه‌ای از رفتار نسلی است که در صحرای سینا خدا را تجربه می‌کرد (آیه ۱۱) و برای اثبات قدرت او مرتباً دلیل جدیدی درخواست می‌کرد (ر. ک اعد ۴: ۱۱، ۱۱: ۱۴).

X- پس از فریسیان ظاهرآ نویت به شاگردان رسیده که دچار کوردلی شوند (آیات ۲۱-۱۴) و به آنان نیز همان سرزنشها می‌شود البته این عبارت سرزنش مبنی به صورت سؤالی است. آیات ۱۷-۱۸ از نوع همان سرزنش هائی خطاب به «آنان که در خارج از گروه شاگردان هستند» (۲: ۱۴).

### شفای یک نابینا

۲۲ و ایشان به بیت صیدا می‌آیند و کوری<sup>d</sup> را نزد او آورده از وی درخواست می‌کنند او را لمس کند.<sup>۲۳</sup> و دست کور را گرفته او را به بیرون از روتا هدایت کرد و با انداختن آب دهان بر چشمانش و بو<sup>۶</sup>:۹ گذاشت دستها بر او از او می‌پرسید: «آیا چیزی می‌بینی؟»<sup>۲۴</sup> و او نگریسته<sup>e</sup> می‌گفت: «انسانها را می‌بینم، مثل درختان هستند که می‌بینم راه می‌روند.»<sup>۲۵</sup> سپس، باز دستها را بر چشمان او گذاشت و آن مرد روشن نگریسته به حالت اول برگشت و همه چیز را بهوضوح می‌دید.<sup>۲۶</sup> و او را به خانه اش فرستاده گفت: «حتی وارد روتا نشو.»

<sup>۱۵</sup> و به ایشان چنین سفارش می‌کرد: لو<sup>۱۲</sup>:۱۲ «ببینید! درباره خمیر ماية فریسیان و خمیر ماية هیرودیس<sup>۱۶</sup> مواظب باشید!»<sup>۱۶</sup> و ایشان با یکدیگر در باره اینکه نان نداشتند، استدلال می‌کردند.<sup>۱۷</sup> و چون آن را درک کرد به ایشان گفت: «چرا درباره اینکه نان ندارید استدلال می‌کنید؟ هنوز هم درک نکرده و نفهمیده اید!<sup>۱۸</sup> سنگدل شده اید!<sup>۱۸</sup> با اینکه چشم دارید، نگاه نمی‌کنید! و با اینکه گوش دارید، نمی‌شنوید!<sup>b</sup> و به یاد نمی‌آورید که وقتی پنج نان را برای آن پنج هزار پاره کردم چند سبد پر از پاره‌ها جمع کردید؟»<sup>۱۹</sup> به او می‌گویند: «دوازده». <sup>c</sup> «وقتی هفت [نان] برای آن چهار هزار، چند سبد پر از پاره‌ها جمع کردید؟» می‌گویند: «هفت». <sup>۲۰</sup> و به ایشان می‌گفت: «هنوز هم نمی‌فهمید!<sup>c</sup>!»

۱- خمیر مايه چون از نان کهنه و کپک زده تهیه می‌شد (خروج ۱۵:۱۲-۱۹) بعوان منبع ناباگی و موحد فساد به شمار می‌رفت (قرن ۵:۶-۸؛ غلا<sup>۹</sup>:۵) و در نظر ربی‌های یهود نشانه تمایلات ناپسند انسان بوده است. به طوری که از طرز بیان و عبارات برمی‌آید در نظر مرقس خمیر مايه نمایانگر سوء نیت از سوی فریسیان (ر.ک ۱:۷-۳:۶، ۸:۱۱-۱۳) یا از جانب هیرودیس نسبت به عیسی می‌باشد (ر.ک ۶:۱۴-۹:۲۹) و شاگردان هم اگر در برابر کوشش‌های عیسی برای آشکار کردن مفهوم صحیح رسالت وی و نیز رسالت خودشان مقاومت کنند در مخاطرات ناشی از این سوء نیت‌ها شریک هستند.

- ر.ک ۴:۳، ۸:۵. Z

- ر.ک ۳:۵، ۶:۵. a

- ر.ک ۱۲:۲؛ حرق ۱۲:۲۱. b

۲- در اینجا سخنان عیسی توجه ما را به تمام آنچه درباره رسالت و شخصیت خود ابراز کرده است جلب می‌نماید زیرا در این قسمت انجیل نشانه‌های شگفت آور و درک ناشدندی خیلی زیاد شده است. هرگاه فرض کنیم منبع این دو روایت که در اینجا خلاصه شده فقط یک واقعه بوده است باید قول کرد که مرقس خود را آزاد و مجاز دانسته که سخنان عیسی را به نوعی با آموزش‌های مذهبی منطبق سازد، به همان‌گونه که تصور می‌رود گفتار واحدی از عیسی به صورتهای مختلفی در انجیل آمده است.

- ر.ک ۷:۳۲. d. پس از سرزنشهایی که به شاگردان خطاب شده (آیات ۱۴-۲۱) و پیش از آنکه نخستین بار ایمان خود را بیان کنند (آیات ۲۰-۲۷) شناختی مردی نابینا به دشواری و تدریجی انجام می‌شود و به نظر مرقس این واقعه قدرت روشی بخش و کوشش‌های عیسی را برای باز کردن چشمان دلشاگردانش نشان می‌دهد. شفای نابینای دیگری در پایان آموزش او راجع به رسالتش در ۱۰:۴۶-۵۲ روى خواهد داد.

- ترجمه‌های دیگری: «با بلند کردن چشمان خود»، «با بازیافتن بینای خود».

**عیسی رنج و مرگ و رستاخیز  
خود را اعلام می کند**

(متی ۱۶:۲۳-۲۱؛ لوقا ۹:۲۲)

<sup>۳۱</sup> و به آموزش <sup>j</sup> ایشان پرداخت که پسر انسان <sup>k</sup> باید زیاد رنج بکشد و بوسیله مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان<sup>۱</sup> طرد شده و کشته شود و پس از سه روز از مرگ برخیزد <sup>m</sup>. <sup>۳۲</sup> و این چیزها را با صراحت می گفت و پطرس او را به کناری کشیده شروع به نهیب زدن او نمود<sup>n</sup>. <sup>۳۳</sup> اور روی برگردانده شاگردان خود را دید و پطرس را نهیب زد و گفت: «برو عقب من، ای شیطان! <sup>۱۰</sup> زیرا اندیشه هایت از خدا نیست بلکه از انسان است.»

- این روایت (آیات ۲۷-۳۰) که از آیات ۱۶-۱۴ آماده شده است (به توضیحات مراجعه شود) نشان می دهد چگونه شاگردان عیسی که ایمانشان به وسیله پطرس بیان شده به سؤالی که درباره فعالیت عیسی مطرح گردیده است از پاسخهای نارسا فراتر می روند بدین معنی که او نیامده تا آمدن کس دیگری را آماده سازد بلکه نجات دهنده قطعی و حتمی است.

ر. ک مت ۱۳:۶ Z

- منظور مسیح موعودی است که پیامبران و از جمله یحیی تعمید دهنده اعلام نموده و راه او را آماده می کردند. در هنگامی که مرقس انجیل را می نوشت این عنوان بیانگر ایمان کلیسا به عیسی بود، ر. ک ۱:۱a.

i- بنظر مرقس واکنش عیسی در این مورد به هچ وجه به معنی رد کردن عنوان «مسیح» نیست چنانکه در ۱۴ آن را می پذیرد. بلکه در مورد این عنوان دستور سکوت داده شده است به همان گونه که در مورد عنوان «پسر خدا» و عنوانین دیگری که در بیان ایمان کلیسا وجود دارد (ر. ک ۳۴:۱ p: ۷۴۴:۱، W, X). به نظر مرقس تا وقتی که رسالت عیسی با مرگ و رستاخیز او به کمال نرسیده موقع اعلام این عنوانی نرسیده است. ر. ک ۴:۲۲ W ۹:۶. برای اینکه اصرار مرقس را در مورد «سر عیسی» درک کنیم باید دانست عنوانی که بهودیان برای مسیح موعود بکار می برند دو پهلو بوده و برای توصیف رسالت عیسی نارسا بودند. ضمناً بایستی پیشافت ایمان کلیسا اولیه را در نظر داشته و نیز توجه خاص مرقس به بازخواهی زندگی زمینی عیسی در نور مکافته رستاخیز وی را در نظر داشت.

j- از این پس آموزش عیسی معطوف به آن است که چگونه باید رسالت خود را انجام دهد (آیات ۳۰:۹؛ ۳۳:۳۱؛ ۳۲:۳۲). این آموزش که فقط به شاگردان داده می شود تا آیه ۴۵:۱۰ ادامه داشته و شکلی پکارچه به این قسمت کتاب داده است. عیسی با این آموزش، مرحله دوم مکافته خود را به صورت روش بیان می کند (ایه ۳۲) در صورتی که قبلاً با مثل ها و نشانه ها انجام می گردید.

ر. ک مت ۸:۲۰ W

k- منظور اعضای سانه درین است که مجمعی مشکل از ۷۱ نفر بوده و بر قوم یهود حکومت می کرد. این مجمع از نمایندگان طبقه اشراف غیر مذهبی (مشایخ)، نمایندگان خانواره های بزرگ مذهبی (کاهنان اعظم) که از بین آنها کاهن اعظم انتخاب می شد و بالاخره کاتبان یا مفسران تورات (که غالباً فریسان بودند) تشکیل می گردید. ضمناً کسی که شاغل مقام کاهن اعظم بود ریاست سانه درین را بر عهده داشت (قیافا).

l- این عبارت نمونه خاص مرقس است (ر. ک ۳۴:۱۰) و بیانگر سومین روز پس از اظهار آن سخن است، ر. ک مت ۱۶:۲۱ ز.

m- واکنش پطرس به خوبی نشان می دهد که به دشواری می توان عنوان مسیح (پسر داود پادشاه) را با منظمه رتبه ها و صلیب عیسی ارتباط داد. شاید همین نکته سبب شده است که در انجیل مرقس این عنوان (و عنوانهای «قدوس» و «پسر خدا») پیش از قسمت مربوط به رنجها و مصائب عیسی کثار گذاشته شود.

n- وقتی که پطرس با موضوع رنجها و مصائب عیسی مخالفت می نماید نقش شیطان را بر عهده می گیرد که سعی دارد عیسی را از اطاعت خدا منحرف سازد. بتایرین جای خود را به عنوان شاگرد از دست می دهد و بایستی «پشت سر» عیسی راه برود (ر. ک ۱۷:۱، ۲۰، ۳۴:۸).

**پطرس، عیسی را مسیح می داند**

(متی ۱۶:۱۳-۲۰؛ لوقا ۹:۲۱-۲۱)

<sup>۲۷</sup> و عیسی و همچنین شاگردانش <sup>f</sup> به سوی رستاهای قیصریه فیلیپس <sup>g</sup> بیرون شدند و در راه از شاگردان خود پرسیده به ایشان می گفت: «به گفته مردم من که هستم؟» <sup>۲۸</sup> به او گفتند: «یحیی تعمید دهنده، برای دیگران الیاس، برای دیگران تو یکی از پیامبران هستی.» <sup>۲۹</sup> و از ایشان می پرسید: «ولی برای شما من که هستم؟» پطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «تو مسیح هستی!» <sup>۳۰</sup> و آنان را نهیب زد از وی به کسی چیزی نگویند.

گناهکار شرمنده باشد، پسر انسان نیز هنگامی که در شکوه پدر با فرشتگان مقدس باید از او شرمنده خواهد بود.»

**۹** <sup>۱</sup> و به ایشان می‌گفت: «آمین به شما می‌گویم، در اینجا کسانی حاضرند<sup>۱۰</sup> که پیش از دیدن فرمانروائی خدا <sup>۱۳</sup> که با قدرت می‌آید<sup>۷</sup> مرگ را نخواهند چشید.»

**تجلی عیسی**  
(متی ۱:۱۷-۹؛ لوقا ۲۸:۹-۳۶؛ رک ۲-پطر ۱:۱۷-۲)

<sup>۱۰</sup> بعد از شش روز<sup>w</sup> عیسی، پطرس و

یعقوب و یوحنا را با خود برداشت و ایشان

چگونه باید عیسی را پیروی کرد  
(متی ۱۶:۲۴-۲۸؛ لوقا ۹:۲۳-۲۷)  
<sup>۱۱</sup> و جمعیت<sup>p</sup> را با شاگردان نزد خود فراخوانده به آنان گفت: «اگر کسی بخواهد به دنبال من بیاید، خود را انکار کند و صلیب خود<sup>۹</sup> را گرفته مرا دنبال کند.  
لو ۹:۱۲-۱۲:۲ تیمو<sup>۱۲</sup> زیرا کسی که می‌خواهد جان<sup>r</sup> خود را نجات دهد آن را از دست خواهد داد اما کسی که جان خود را بخارطه من و انجیل<sup>s</sup> از دست دهد، آن را نجات خواهد داد.<sup>۱۳</sup> به راستی چه فایده ای برای انسان هست که همهٔ جهان را به دست آورد و زندگی خود را تباہ سازد؟<sup>۱۷</sup> به راستی انسان به عوض جان خود چه می‌تواند بدهد؟<sup>t</sup> زیرا کسی مت ۱۰:۳۸-۲۷:۱۴ که از من و سخنان من در این نسل زناکار و

<sup>p</sup>- هر بار که موضوع رنجها اعلام می‌شود به دنبال آن سخنان عیسی می‌آید که برای شاگردانش پیامدهای دارد، آیات ۳۴-۳۸:

<sup>q</sup>- این سخن که بدین گونه بیان شده ایجاب می‌کند که زندگانی شاگرد واقعی بر مبنای زندگی عیسی باشد. پذیرفتن صلیب عبارت از پیروی او در فدائکاری و از خود گذشتگی است و طبق آیات ۳۵-۳۷ به معنای به خطر انداختن زندگی به خاطر عیسی و انجیل است.

<sup>r</sup>- ر.ک مت ۱۰:۲۸-۱:۱۰ h

<sup>s</sup>- «و انجیل»: این عبارت در بعضی از نسخه‌های خطی وجود ندارد ولی ر.ک. ۱:۱۰ به عقیده مرقس اعمال عیسی با معظمه و بشارت انجیل ادامه می‌یابد (ر.ک a) و این امر ممکن است موجب شود که شاگرد عیسی زندگی خود را فدا نماید چنان که رسالت عیسی او را به صلیب کشانید.

<sup>t</sup>- تحتاللطی: «به عنوان فدیه جان خود» و در اینجا به معنی باز یافتن زندگانی از دست رفته می‌باشد (ر.ک. مز ۹:۴-۸).

<sup>u</sup>- عیسی با جمعیت سخن می‌گوید و در میان اینها تنها کسانی که فقط آنان به عیسی به عنوان مسیح موعود ایمان آورده و در ظهر

او بعد از رستاخیز حضور دارند، افتتاح ملکوت خدا را خواهد دید.

<sup>v</sup>- عبارت «با قدرت» که در این آیه آمده ظهور پیروزمندانه فرمانروائی خدا را در برابر ابهام آغاز آن قرار می‌دهد. این قدرت از هنگام رستاخیز مسیح به وی داده شده است (ر.ک. روم ۲:۱). این سخن عیسی به صورتهای مختلفی روایت شده است، ر.ک مت ۱۶:۲۸-۱:۲۹:۷ لو ۲۹:۷ d. کلماتی که در اینجا بکار رفته بیان می‌کند که از نسل معاصر عیسی و شاگردانش چند نفر از آنان استقرار فرمانروائی خدا را خواهند دید و احتمالاً در هنگام آمدن پرچلال مختلفی را که در آینده پدیدار خواهد شد مشخص نمی‌نماید و منظور آنی این سخنان شوندگانی هستند که دعوت شده اند تا دیر نشده توبه نمایند (ر.ک. ۳۸:۸). ضمناً با اینکه شامل اظهاراتی است که ظاهراً به تحقق نرسیدن همان طور که می‌توانستند منتظر آن باشند. با این همه صحت، این روایت قابل توجه می‌باشد. تفسیرهای مختلفی درباره عبارت «آمدن فرمانروائی» پیشنهاد شده است (صرف تصریف اورشليم، پدیدار شدنها مسیح قیام کرده، تجلی مسیح) ولی هیچ یک از این تفسیرها مورد قبول عمومی قرار نگرفته است.

<sup>w</sup>- در انجیل این گونه دقت از نظر تعیین زمان ارزشی ندارد ولی ممکن است این نکته جزئی اشاره به برگزاری جشن خمیه‌های یهودیان باشد که شادی برای توده مردم بوده است. این جشن شش روز پس از روز بزرگ کفاره آغاز می‌شد و هفت روز ادامه داشت (لاو ۳۶-۳۴:۲۳). بنابراین بر طبق روایاتی که قبل از نگارش انجیل وجود داشته ممکن است این واقعه در نخستین روز جشنی روی داده که عیسی به دور از دیگران و با نزدیکان خود جشن را برگزار کرده یا اینکه در روز آخر جشن شادمانی بزرگ برگزار می‌شد. درباره این واقعه ر.ک مت ۱:۱۷ s.

ابر در رسید: «این است پسر من، آن ۲-پطر<sup>۱</sup> محبوب. به او گوش فراهید!»<sup>f</sup> و ناگهان گرداگرد خود نگریسته هیچ کس را دیگر ندیدند جز عیسی را تنها با خود.<sup>۹</sup> و هنگامی که از کوه پائین می‌آمدند، به ایشان سفارش کرد که آنچه را دیده بودند به هیچ کس بازگو نکنند مگر زمانی که پسر انسان از میان مردگان برخاسته باشد.<sup>۸</sup> و ایشان این سخن را نگاه داشتند در حالی که بین خود پرس و جو می‌کردند که «از میان مردگان برخاستن»<sup>h</sup> چه معنی دارد؟

را تنها، جدا بر فراز کوهی<sup>x</sup> بلند برد و در نظر ایشان تجلی یافت<sup>y</sup>،<sup>۳</sup> و رختهای وی در خشان گردید، بی نهایت سفید، طوری که گازری بر روی زمین نمی‌تواند آن چنان سفید گردداند.<sup>۴</sup> و الیاس<sup>z</sup> بر ایشان ظاهر گردید همراه با موسی و با عیسی گفتگو می‌کردند.<sup>۵</sup> و پطرس شروع به سخن کرده به عیسی گفت: «ربی<sup>a</sup> خوب است که اینجا باشیم<sup>b</sup>، پس سه خیمه<sup>c</sup> بر پا کنیم، یکی برای تو و یکی برای موسی و یکی برای الیاس.»<sup>d</sup> درواقع نمی‌دانست چه جوابی بدهد<sup>d</sup> زیرا ترسیده بودند.<sup>۷</sup> و ابری رسیده ایشان را زیر سایه خود گرفت<sup>e</sup> و صدائی از

X- ر. ک مت ۱:۱۷ .t ۱:۱۷

y- تحت الفظی «تغییر شکل یافت». در جاهای دیگر فعلی که در اینجا بکار رفته به مفهوم تغییر شکل روحانی است (روم ۲:۲؛ ۲:۱۲- قرن ۱۸:۳) و در اینجا تغییر شکل مشهود می‌باشد. متی و لوقا ذکر کرده‌اند چهره او نیز تغییر یافت و در سه انجیل نظری آمده است که مشاهده کردن لیاسهای او تغییر یافته است. «گازر» یعنی کسی که با پا لباسها را می‌شوید. این لیاسهای نورانی و در خشان در کتابهای مکاشفه یهودیان نشانه‌های جلال آسمانی هستند که به مقدسان عطا می‌شود و به مانند فرشتگان می‌شوند (ر. ک مت ۳:۲۸ مکا ۴:۳؛ ۴:۴). مفهوم این صحنه مرمز را فقط با توجه به رستاخیز پر جلال مسیح می‌تواند در ک کرد بنا بر این انجیل مرقس در این مورد پیشی گرفته است.

Z- ر. ک مت ۳:۱۷ .v ۳:۱۷. ترتیب ذکر نامهای الیاس و موسی در انجیلهای متی و لوقا بر عکس می‌باشد (موسی و الیاس). a- در آن دوران عنوان «ربی» را که به معنی «خداآنده من» است به علمای شریعت یهود و اشخاص مهم دیگر خطاب می‌کردند. این عنوان که به عیسی خطاب شده (۱۱:۲۱، ۱۴:۴۵-۴۴؛ ر. ک ۱۰:۵۱) در انجیل یوحنا «استاد» (به یونانی didascale) ترجمه شده است (یو ۳:۳۸). پس از پایان قرن اول میلادی این کلمه دیگر در مورد خطاب بکار نرفته و فقط به معنی عالم تورات باقی مانده است.

b- ر. ک لو ۳۳:۹ .n ۳۳:۹

c- ر. ک مت ۴:۱۷ .x ۴:۱۷

d- همین عبارت در مر ۱۴:۴۰ .۴۰:۱۴

e- ر. ک لو ۳۴:۶ .p ۳۴:۶

f- این اعلام نسبت پدر فرزندی از جانب پدر، اعلام دیگری را به یاد می‌آورد که در هنگام تعمید عیسی اظهار شده بود، ر. ک مت ۵:۱۷ .Z ۵:۱۷

g- ر. ک مت a۹:۱۷. این دستور که در مورد «رازداری» داده شده دستورات مشابه دیگری را به یاد می‌آورد (مر p ۳۴:۱) a۹:۱۷:۷، ۳۶:۷، ۴۳:۵؛ ۴۴:۱ i ۳۰:۸). مرقس که تصریح می‌کند افسای این سرّ فقط پس از رستاخیز عیسی مقدور خواهد بود. می‌خواهد بگویید مفهوم این واقعه را نمی‌توان در ک کرد مگر پس از اینکه جلال عیسی با برخاستن از مرگ آشکار گردد. ضمناً مرقس آنچه را موجب اشتغال خاطر جامعه مسیحیان بود متعکس می‌سازد یعنی اینکه چگونه پس از چنین تجلی ای، عیسی در زمان حیات خود به عنوان مسیح موعود شناخته نشد.

h- کلمات آخر این آبه تکرار اعلام قبلی است. در مر ۲۳:۹ نیز ترکیب حملات به همین گونه است و «اگر می‌توانی» تکرار می‌شود. صورت دیگری از این جمله: «این چیست؟ وقتی از میان مردگان برخیزد». اصولاً آنچه موجب شکفتی شاگردان می‌شود تصور یا عمل رستاخیز نیست (بسیاری از یهودیان به این امر معتقد بودند) بلکه عیسی به گونه‌ای از آن سخن گفته که گویا در آینده نزدیک خواهد بود، در صورتی که در پایان روزگار انتظار آن را داشتند. به علاوه تصویر اینکه پسر انسان با جلال باید از مرگ و رستاخیز بگذرد شگفت آور بود.

که با ایشان پرس و جو می کردند.<sup>۱۵</sup> و همان دم، همه جمعیت، با دیدن وی متوجه شدند و دویده به او سلام می دادند.<sup>۱۶</sup> و از آنان پرسید: «درباره چه چیزی با ایشان پرس و جو می کنید؟»<sup>۱۷</sup> و کسی از میان جمعیت به او پاسخ داد: «ای استاد، پسرم را به نزدت آورده ام که روحی لال دارد<sup>m</sup>،<sup>۱۸</sup> و هر جا او را بگیرد او را پاره می کند و کف بردهان می آورد و دندانها را بر هم می فشارد و <sup>n</sup>شل چوب، خشک می شود و به شاگردان گفته ام او را برانند و ایشان نتوانستند».«<sup>۱۹</sup> و او در پاسخ به آنان گفت: «ای نسل بی ایمان تا به کی نزد شما باشم؟ تا به کی شما را تحمل کنم؟... او را نزد من آورید».«<sup>۲۰</sup> و اوران نزد وی آورده و روح چون او را دید، همان دم [کودک] را با خشونتی بسیار تکان داد و

### گفتگو درباره الیاس (متی ۱۷:۱۰-۱۳)

<sup>۱۱</sup> و ایشان از وی پرسیده می گفتند: «چرا کاتیان می گویند که او<sup>۱</sup>، الیاس باید بباید؟»<sup>۱۲</sup> به آنان گفت: «در واقع الیاس قبل آمده همه چیز را به حالت اول برخواهد گردد. زپس چگونه درباره پسر انسان نوشته شده است که باید زیاد رنج بکشد و منفور گردد؟<sup>۱۳</sup> اما من به شما می گویم که هم الیاس آمده و هم هر چه خواستند با او کردند، برابر آنچه در باره او نوشته شده است!».

### شفای کودک دیو زده

(متی ۱۷:۲۱-۱۴؛ لوقا ۹:۳۷-۴۳)

<sup>۱۴</sup> و به نزد شاگردان آمده، جمعیت کثیری در اطراف ایشان دیدند و نیز کاتیان

<sup>۱</sup>- با استناد به ملا ۲۳:۳ می گفتند که «اول» الیاس خواهد آمد و در بسیاری از نوشته های ربیون یهود به این موضوع اشاره شده است. جامعه مذهبی قمران در انتظار آمدن یک پیامبر و چند مسیح موعود از نسل هارون و از میان اسرائیل بودند (مقررات قمران ۱۱:۱۱).

<sup>۲</sup>- فعلی که در اینجا «به حالت اول برگرداندن» ترجمه شده همان فعل ملا ۲۴:۳ یونانی است که برای برگردان جمله عربی: قلب پدران را بسوی پسران «باز خواهد گرداند» بکار رفته است (ر. ک بنی ۱۰:۴۸) بتاریخ پیشگام مسیح باشیستی در راه صلح و آشتی عمومی کار کند. عیسی این نظریه را رد نمی کند، با این همه به نظر او با رنجهای مسیح موعود که پس از الیاس می آید تناقض دارد. وانگهی الیاس هم اکنون در شخص یحیی تمیید دهنده آمده است (آیه ۱۳) (مت ۱۱:۱۱؛ ر. ک بالعکس یو ۲۱:۲۱). و بدون اینکه به هیچ وجه بتواند رسالت خود را در راه آشتبانی دادن انعام دهد خودش دچار رنج و مصیبت شده است.

<sup>۳</sup>- این عبارت مختص مرقس است و در نوشته های مقدس چیزی درباره رنجهای پسر انسان نمی توان یافت. شاید اشاره به رنجهای «خادمی» باشد که در اش ۱۴:۵:۲ ر. ک ۱۰-۴:۵:۳ ذکر گردیده است ولی آن خادم عنوان پسر انسان را ندارد.

<sup>۴</sup>- در اینجا نیز که به نوشته های مقدس رجوع شده مختص به مرقس است و نظریه ای که بر طبق آن الیاس پیشگام باشیستی رنجهایی متحمل گردد در عهد عتیق وجود ندارد چنانکه در ادبیات یهود نیز به صراحت ذکر نشده است. آنچه در اینجا باشیستی مورد توجه قرار گیرد بیش از اشاره احتمالی به رنجهای الیاس در دوران حیات خود، نظریه بدیع و بی ساقه مرقس می باشد. بنظر او شباهت زیادی بین الیاس و پسر انسان وجود دارد بدین معنی که هر دو باشیستی گرفتار رنج شوند و سرنوشت یحیی تمیید دهنده (ر. ک ۱۷:۶-۲۹) پیش نمودی از سرنوشت مسیح است و این موضوع به اندازه ای در نظر مرقس حائز اهمیت است که موجب مراجعت به شهادت نوشته های مقدس می شود.

<sup>۵</sup>- این بیماری در آیه ۲۵ نیز ذکر گردیده بدون اینکه بتوان ارتباط آن را با بیماری که در آیات ۲۲-۲۶ تشریح شده است تشخیص داد. در این قسمت انجیل ملاحظه می شود که مت (۲۲:۱۲) شفای مردی نابینا و لال را روایت کرده و لوقا (۱۴:۱۱) شفای مردی لال را ذکر نموده است در صورتی که مرقس آن دورا ذکر نکرده است. ضمناً صحنه وقایعی که مشروحا در آیات ۲۶-۲۱ آمده است مختص به انجیل مرقس می باشد.

<sup>۶</sup>- شاید اشاره به مر ۲۷:۳ (مرد نیر و مند) می باشد.

<sup>۷</sup>- ر. ک مت ۱۷:۱۷.

## دومین خبر از رنج و مرگ و رستاخیز عیسی

(متی ۱۷:۲۲-۲۳؛ لوقا ۹:۴۳-۴۵)

<sup>۳۰</sup> و از آنجا بیرون آمده از جلیل عبور می کردند و او نمی خواست که این را بدانند.<sup>۳۱</sup> زیرا به شاگردان خود آموختش می داد و به ایشان می گفت: «پسر انسان به دست انسانها تسلیم خواهد شد و او را خواهند کشت و چون کشته شود، سه روز بعد رستاخیز خواهد کرد.»<sup>۳۲</sup> اما این سخنان را در ک نمی کردند و می ترسیدند از او سؤال کنند.

### چه کسی بزرگتر است؟

(متی ۱۸:۵-۱:۱؛ لوقا ۹:۴۶-۴۸)

<sup>۳۳</sup> و به کفرناحوم آمدند و چون وارد منزل شد، از آنان می پرسید: «در راه درباره چه استدلال می کردید؟»<sup>۳۴</sup> ایشان سکوت می کردند زیرا در راه بین خود گفتگو کرده بودند که چه کسی بزرگتر لو ۲۴:۲۲ است.<sup>۳۵</sup> و نشسته، آن دوازده را فراخواند و به ایشان گفت: «اگر کسی می خواهد نخستین باشد، بایستی آخرین همه و خادم مت ۲۰:۲۶ می باشد.»<sup>۳۶</sup> و کودکی را گرفته در میان ایشان قرار داد و او را در آغوش کشیده به ایشان گفت:<sup>۳۷</sup> «هر که به نام من یکی از این کودکان را بپذیرد<sup>t</sup>، مرا می پذیرد و هر یو ۲۰:۱۳ می ۴۰:۱۰ مت.

او بر زمین افتاد و در حالی که کف بردهان آورده بود می غلطید.<sup>۲۱</sup> و [عیسی] از پدر او پرسید: «چند وقت است که این چنین به او می رسد؟» او گفت: «از کودکیش <sup>۲۲</sup> و اغلب او را در آتش یا در آب افکنده تا او را از بین ببرد.<sup>P</sup> ولی تو اگر می توانی، بر ما ترحم نموده به کمک ما بشتاب!»<sup>۲۳</sup> عیسی به او گفت: «آه! اگر می توانی! ... برای کسی که ایمان دارد همه چیز ممکن است.»<sup>۲۴</sup> همان دم، پدر کودک فریاد کشیده می گفت: «ایمان دارم. لوقا ۵:۱۷ بی ایمانی مرا امداد نما.<sup>۹</sup>»<sup>۲۵</sup> چون دید که

جمعیت به پیش می دود، عیسی، روح ناپاک را نهیب زده به او گفت: «ای روح کر و لال، من هستم که به تو فرمان می دهم از این [کودک] بیرون شو و دیگر به درون او وارد نشو!»<sup>۲۶</sup> و او با فریاد کردن و تکان دادن [کودک] با خشونت بسیار بیرون شد و [کودک] چون مرده گردید به طوری که اغلب می گفتند: «مرده است!<sup>r</sup> عیسی دست او را گرفته او را قائم گردانید و او برخاست.<sup>۲۸</sup> و چون به خانه خویش وارد شد، شاگردانش جدا از او می پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم او را برانیم؟»<sup>۲۹</sup> و به ایشان گفتند: «این نوع خارج نمی شود مگر به دعا.»<sup>s</sup>

- ر. ک مت ۱۵:۱۷ d.

- q- قدرت ایمان دار همان اقتدار خدا است که آن را توسط ایمان می پذیرد (ر. ک ۳۶:۵؛ ۲۷:۱۰؛ ۲۴:۱۱).

- r- دو فعلی که در اینجا آمده و «قائم گردانید» (anistanai) ترجمه شده در جاهای دیگر در مورد رستاخیز بکار برده می شود (ر. ک ۴۱:۵ j). مرقس با این گونه طرز بیان به احتمال قوی می خواهد بین وقایعی که روایت شده و رستاخیز عیسی رابطه ای برقرار سازد. بدین گونه مفهوم رستاخیز زمینه سازی می شود (ر. ک ۳۱:۸، ۳۱:۸، ۱۰-۹، ۷، ۲:۹، ۳۱:۸).

- s- صورت دیگری از این عبارت: «مگر به دعا و روزه» (ر. ک مت ۲۱:۱۷ g).

- t- ر. ک مت ۳:۱۸ m.

## هشدار

(متی ۱۸:۱۱-۶:۱۱؛ لوقا ۱۷:۱-۲) <sup>۴۲</sup> و هر کس یکی از این کوچکان را که ایمان دارند لغزش دهد<sup>x</sup>، برای او بهتر می بود که سنگ آسیابی<sup>y</sup> به گردنش بسته به دریا افکنده شود.<sup>۴۳</sup> و اگر دست تو را می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است که ناقص به زندگی وارد شوی<sup>۷</sup> تا اینکه با دو دست در جهنم به آتشی که خاموشی ندارد بروی.<sup>۴۴</sup> [...] <sup>۴۵</sup><sup>a</sup> و اگر پایت است که تو را می لغزاند، آن را قطع کن، بهتر است که لنگ به زندگی وارد شوی تا اینکه با دو پا به جهنم افکنده شوی.<sup>۴۶</sup> [...] <sup>۴۷</sup><sup>a</sup> و اگر چشمت است که تو را می لغزاند، چشمت را درآور، بهتر است که تنها با یک چشم به ملکوت خدا وارد شوی تا اینکه با دو چشم خود به جهنم افکنده شوی،<sup>۴۸</sup> در جایی که کرم نمی میرد<sup>b</sup> و آتش خاموش نمی شود.<sup>۴۹</sup> چرا که هر کس به آتش نمکین گردد<sup>c</sup>.<sup>۵۰</sup> نمک چیز خوبی است،

که مرا بپذیرد مرا نپذیرفته بلکه آن کس که مرا فرستاده است.

## هر که علیه ما نیست با ماست

(لوقا ۹:۴۹-۵۰) <sup>۳۸</sup> یوحنا به او گفت: «ای استاد، کسی را دیده ایم که به دنبال ما نمی آمد. او داشت دیو را به نام تو می راند و می خواستیم مانع او شویم<sup>۱</sup> زیرا به دنبال ما نمی آمد.<sup>۷</sup>» <sup>۳۹</sup> عیسی گفت: «مانع او نشوید زیرا کسی نیست که معجزه ای به نام من بکند و بتواند فوراً درباره من بدگوئی نماید؛<sup>۴۰</sup> زیرا کسی که علیه ما نیست با ماست. <sup>۴۱</sup> آری، هر که به خاطر اینکه شما از آن مسیح هستید جام آبی برای نوشیدن به شما بدهد.<sup>۷</sup> آمین به شما می گویم که او اجرش را از دست نخواهد داد.

۱- در آن زمان یهودیان نیز با دعا دیوها را اخراج می کردند هر چند به اسم عیسی نبود.

۷- به طوری که لوقا تصریح کرده یعنی اینکه جزو شاگردان نبوده است.

۸- مت ۴۲:۱۰ همین نکته را با اصطلاح دیگری بیان کرده است.

۹- ر.ک مت ۲۹:۵. «کوچکانی که ایمان دارند» یعنی افتادگان و ساده دلان جمعیت مسیحی (ر.ک ۱-قرن ۸:۱۰-۱۲).

۱۰- روم ۲۲:۹؛ ۲۲:۱۴ روم ۲:۱۴).

۱۱- تحت اللفظی: «سنگ آسیاب الاغ» یعنی سنگ آسیاب بزرگی که الاغی آن را می گرداند، در برابر سنگ آسیابی که می توان با دست چرخاند.

۱۲- منظور از «زندگی» در اینجا زندگانی جاودان است.

۱۳- «در جایی که کرم نمی میرد و جایی که آتش خاموش نمی شود» این کلمات که در بعضی متنون خطی نامطمئن می باشند در چاپهای بررسی شده منظور نمی گردد و احتمالاً تکرار مثالهای مختلف (دست، پا و چشم) موجب تکرار این عبارت شده است و فقط در آیه ۴۸ تأیید شده است.

۱۴- تحت اللفظی: «کرمهاشان» که نقل قول آزاد از اش ۶۶:۲۴ است.

۱۵- گاهی «برای آتش» یا «به وسیله آتش» ترجمه می کنند. در نسخه های دیگری: «و هر قربانی به نمک نمکین خواهد شد». این گهتار فقط در انجیل مرقس آمده و در ک آن دشوار است. می دانیم یکی از عادات اهالی فلسطین این است که در تورهای خود برای تسريع عمل آتش نمک می ریزند ولی نمک پس از چند سال که خواص شیمیایی خود را از دست داد آن را بدور می ریزند زیرا «بی نمک» شده است (آیه ۵۰). بعضی از مفسران با توجه به این نکته آیه ۴۹ را توضیح داده اند بدین معنی که «هر کس باید به مانند نمک برای آتش باشد» ولی در متنون مختلفه انجیلها نظریکه سخن درباره نمک است آن را نشانه

داده که طلاق نامه نوشته و طلاق دهنده.<sup>h</sup> عیسی به آنان گفت: «به خاطر سنگدلی<sup>i</sup> شما است که این فرمان را برایتان نوشته،<sup>j</sup> اما از همان آغاز آفرینش آنان را نر و ماده آفریده.<sup>k</sup> برای همین است که مرد پدر و مادرش را ترک خواهد کرد<sup>l</sup> و هر دو یک تن خواهند شد<sup>m</sup>، به طوری که دیگر دو نیستند بلکه یک تن.<sup>n</sup> پس آنچه خدا پیوند داده، انسان آن را جدا نکند.<sup>o</sup> و چون به خانه رسیدند دوباره شاگردان درباره آن از او سؤال می کردند.<sup>p</sup> و به ایشان گفت: «هر که زنش را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند، نسبت به او<sup>q</sup> مرتکب زنا شده است؛<sup>r</sup> و اگر آن [زن] پس از طلاق دادن شوهرش، با دیگری مت  
ازدواج نماید، مرتکب زنا می شود.<sup>s</sup>

لو ۱۸:۱۶-۲۱؛ فرن ۷:۱۰-۱۱؛ مت ۵:۲۲؛ لوق ۱۶:۹-۱۹

اما اگر نمک، بی نمک گردد، آن را با چه چیزی چاشنی خواهید زد؟ در خود نمک داشته باشید و با یکدیگر در آرامش بسر برید.<sup>t</sup>

## ازدواج و طلاق (مت ۱۹:۹-۱۹؛ لوق ۱۶:۹)

**۱۰** <sup>۱</sup> و از آنجا رفته، به نواحی یهودیه و ماوراء اردن<sup>f</sup> می آید. و باز جماعتی به سوی او به راه می افتد و همان گونه که عادت او می بود باز به آنان آموزش می داد.<sup>۲</sup> فریسیان پیش آمده از او می پرسیدند: آیا جایز است مردی زنش را طلاق دهد؟ این برای تجربه نمودن او می بود.<sup>g</sup> در پاسخ به آنان گفت: «موسی چه فرمانی به شما داده است؟» <sup>۳</sup> گفتند: «موسی اجازه

از خود گذشتگی شمرده اند که بدون آن شاگرد نمی تواند شاگرد واقعی باشد چنانکه در اینجا در آیات ۴۸-۴۲ به روشنی نشان داده شده است. هرگاه آتش تصویری از تجربه، شکجه یا آتش جاودانی باشد (آیه ۴۸). در این صورت چنین درک می شود: «هر کسی باید فداکاری را بپذیرد تا بتواند از تجربه بگذرد».

<sup>d</sup>-r. ک مت ۵:۱۳-k. e- این گفتار هم نظر آیه ۴۹ فقط در انجیل مرقس آمده است. بنظر بعضی از مفسران «نمک داشتن» به مفهوم در آرامش زندگی کردن است ولی در این صورت نشانه ای که نمک علامت آن است وجود ندارد. بهتر است معنی این جمله را چنین درک کنیم: «در خودتات روح فداکاری داشته باشید» (در برابر دنیا و مردم) و «در آرامش دار کنید» (بین خودتان). ضمناً ملاحظه می شود که در پایان این قسمت موضوعی که مطرح گردیده و انگیزه اظهار این مطالب بوده است یعنی ادعاهای رسولان بر اینکه مقام اول را حائز باشند به نتیجه رسیده است.

<sup>f</sup>- منطقه پره که در فلسطین در منطقه نهر اردن قرار دارد.  
<sup>g</sup>-r. ک مر ۸:۱۱-۱۲؛ h- تث ۴:۱۱-۱۳؛

<sup>h</sup>- فرمانی وجود دارد که مسلمان فریسیان از اجازه سخن می گویند (آیات ۲.۴) در صورتی که عیسی از آنان می برسد آیا بر عکس فریسیان از فرمان موسی سخن می گویند و عیسی به آنان پاسخ می دهد که اجازه ای بیش نیست. عیسی سخنی را که اجازه طلاق می دهد با سخنی که مبنای ازدواج است پاسخ می دهد زیرا معافیت، قانون مبنای را لغو نمی نماید.

<sup>i</sup>- این سنگدلی به علت عدم حساسیت نیست بلکه به سبب عدم ادراک اراده خدا است.  
<sup>j</sup>- پید ۲۷:۱.

<sup>k</sup>- در بعضی نسخ خطی عبارت «و به زنش خواهد پیوست» اضافه شده است.  
<sup>l</sup>- پید ۲۴:۲.

<sup>m</sup>- یعنی: «تنها یک موجود» (ر. ک روم ۱:۳).

قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ نده، به هیچ کس بدی مکن و به پدر و مادرت احترام بگذار.<sup>۳۰</sup> آن کس به او گفت: «ای استاد همه اینها را از آغاز جوانیم با دقت مراعات کرده ام.»<sup>۳۱</sup> عیسی در او نگریسته او را محبت کرد و به او گفت: «چیزی کم داری، برو آنجه داری، بفروش و بهای آن را به درماندگان بده و گنجی در آسمان خواهی داشت و آمده به مت:<sup>۳۲</sup> لومت:<sup>۳۳</sup> دنبال من روانه شو.»<sup>۳۴</sup> واواز این سخن، مکدر شده اندوه‌گین برفت زیرا دارائی بسیار داشت.<sup>۳۵</sup> عیسی به اطراف نگریسته به شاگردان خود گفت: «آنان که شروت دارند، با چه سختی وارد ملکوت مر:<sup>۳۶</sup> خدا خواهند شد!»<sup>۳۷</sup> شاگردان از این سخنان متحیر شدند، عیسی پاسخ داده به ایشان گفت: «ای فرزندان ورود به ملکوت خدا چه دشوار است!<sup>۳۸</sup> برای شتر آسانتر است که از سوراخ سوزن بگذرد<sup>۳۹</sup> تا اینکه شروتمندی به ملکوت خدا وارد گردد!»<sup>۴۰</sup> ایشان بیشتر بهتر شده شده، در بین خود می‌گفتند: «پس چه کسی می‌تواند نجات

## عیسی و کودکان

(متی:۱۹:۱۵-۱۳:۱۵؛ لوقا:۱۸:۱۵-۱۷) <sup>n</sup>  
 ۱۳ و کودکانی<sup>n</sup> را نزد او می‌آوردند تا آنان را لمس کند و شاگردان ایشان را نهیب زدند.<sup>۱۴</sup> عیسی [این را] دیده برآشافت و به ایشان گفت: «بگذارید کودکان نزد من آیند، آنان را مانع نشوید، زیرا ملکوت خدا به مانند اینان تعلاق دارد.

۱۵ آمین به شما می‌گویم: هر کس ملکوت خدا را چون کودکی<sup>p</sup> نپذیرد داخل آن نخواهد شد.»<sup>۱۶</sup> و با در آغوش کشیدن و نهادن دست بر آنان، ایشان را برکت می‌داد.<sup>۹</sup>

## دعوت شخص ثروتمند

(متی:۱۹:۱۶-۳۰؛ لوقا:۱۸:۱۸-۳۰)  
 ۱۷ و چون به راه می‌افتداد کسی با شتاب آمد و زانو زده از او می‌پرسید: «ای استاد نیکوچه باید بکنم تا وارت زندگانی جاودان شوم؟»<sup>۱۸</sup> عیسی به او گفت: «چرا مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست مگر تنها خدا.»<sup>۱۹</sup> تو فرمان‌ها را می‌دانی:

- ر. ک مت ۳:۱۸ n

۰- در بعضی از نسخه‌های دست نوشته اضافه و تصریح شده است: «کسانی که آنان را می‌آورند» که البته معنی همین است.

p- «چون کودکی» ممکن است مربوط به فاعل این جمله (هر کس) باشد و یا به مفعول صریح (ملکوت خدا) نسبت داده شود. یا باید مثل کودک شود که ملکوت را بپذیرد یا باید ملکوت را پذیرد، ولی با توجه به کلمات (به مانند اینان) که در آیه ۱۴ آمده معلوم است مرقس معنی اولی را در نظر داشته یعنی باستی «چون کودک» بود. در مت ۳:۱۸ نیز به همین معنی تصریح گردیده در صورتی که در لو ۱۷:۱۸ عبارت به صورت انجیل مرقس حفظ شده است.

کودکان و کسانی که به مانند کودکان هستند در وضعیت وابستگی کامل قرار دارند و در حقیقت در جامعه آن دوران وضع کودکان چنین بوده است. ضمناً کودکان مظہر بی‌گناهی نبوده بلکه نمونه فرمانبرداری و آماده به خدمت بودن به شمار می‌رود و کسی که مژده ملکوت خدا را در چنین شرایطی پذیرا می‌شود (آیه ۱۵) بی‌چون و چرا، بلا فاصله در ملکوت خدا وارد می‌گردد (آیه ۱۴).

q- تنها مرقس این دعای برکت را ذکر کرده که منحصر به یک کلمه یا یک حرکت نبوده بلکه به مفهوم اعطای ملکوت می‌باشد.

r- خروج ۲۰:۱۲-۱۶؛ تث ۲۰:۵، ۱۶:۱۲-۲۰

s- در بعضی نسخه‌ها چنین است: «چه دشوار است برای آنان که به ثروتها اعتماد می‌کنند».

t- ر. ک مت ۱۶:۲۴ v

می ترسیدند و باز آن دوازده را با خود برداشته شروع به گفتن به آنان کرد که چه بر او خواهد گذشت<sup>۳۳</sup> «اینک به اورشلیم فراز می آییم و پسر انسان به کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم خواهد شد و آنان او را به مرگ محکوم کرده او را به ملت ها تسلیم خواهند کرد،<sup>۳۴</sup> و او را تمسخر خواهند کرد و بر وی آب دهان خواهند انداخت و او را تازیانه خواهند زد و او را خواهند کشت و سه روز بعد رستاخیز خواهد کرد.»

### درخواست یعقوب و یوحنا

(متی ۲۰: ۲۰-۲۸؛ لوقا ۲۵-۲۷) <sup>۳۵</sup> و یعقوب و یوحنا، پسران زَبَدی، به سوی او متوجه شده به او می گویند: «ای استاد می خواهیم آنچه را که از تو درخواست خواهیم کرد، برای ما انجام دهی.»<sup>۳۶</sup> به ایشان گفت: «چه می خواهید که برای شما انجام دهم؟»<sup>۳۷</sup> به او گفتند: در شکوه خود به ما عطا فرما تا یکی به راست تو و دیگری به چپ تو بنشینیم.<sup>a</sup> <sup>۳۸</sup> عیسی به ایشان گفت: «شما نمی دانید چه می خواهید. آیا می توانید جامی<sup>b</sup> را که من می نوشم، بنوشید یا به تعییدی که من

<sup>a</sup>- «به خاطر انجیل» نکته ای است که فقط در انجیل مرقس ذکر شده است. ر. ک ۳۵:۸.

<sup>b</sup>- باز هم نکته ای که خاص انجیل مرقس است یعنی به دنبال عیسی رفتن همیشه مستلزم در جفا بودن مانند «استاد» می باشد.

در عهد عتیق «جام» در اغلب موارد نشانه درد و رنج است (مز ۹:۱۷-۲۲؛ اش ۵:۷۵-۹؛ ار ۲۵:۲۲-۲۶؛ حرق ۲۳:۳۱-۳۴) ر. ک مر ۱۴:۳۶. مرقس به تصویر «جام» تصویر «تعیید» (به معنی غوطه ور شدن) را می افزاید. زیرا رنجهایی را نشان می دهد که بطور کلی انسان گرفتار و مصیبت زده را غوطه ور می سازد و مخصوصاً در مرگ شهادت غرق می کند.

یابد؟»<sup>۲۷</sup> عیسی در آنان نگریسته گفت: «برای انسانها غیرممکن است، اما نه برای ایوب ۴:۴۲؛ ۳۶:۳۴ خدا، زیرا همه چیز برای خدا ممکن است.»<sup>۲۸</sup> پطرس شروع به سخن گفتن به او نمود: «اینک ما همه چیز را ترک گفته و به دنبال تو آمده ایم!»<sup>۲۹</sup> عیسی فرمود: «آمین به شما می گوییم: هیچ کس، خانه یا برادران یا خواهران یا مادر یا پدر یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر من و به خاطر انجیل ترک نکرده باشد»<sup>۳۰</sup> مگر اینکه هم اکنون در این عصر همراه با شکنجه ها<sup>۷</sup>، خانه ها، برادران و خواهران و مادران و فرزندان و کشتزارها به صد برابر در یافت نماید و در دورانی که فرامی رسد<sup>w</sup> زندگانی جاودان را.<sup>۳۱</sup> چه مت ۲۰:۱۳؛ بسا اولین ها که آخرین خواهند شد و لوقا ۱۸:۲۰؛ آخرين ها، اولين.<sup>x</sup>

### سومین خبر از رنج و مرگ و

#### رستاخیز عیسی

(متی ۲۰: ۱۷-۲۰؛ لوقا ۱۸: ۲۰-۳۴)

<sup>۳۲</sup> در راه فراز آمدن به اورشلیم بودند و عیسی پیشاییش آنان راه می پیمود<sup>y</sup> و ایشان متغير بودند و آنانی که به دنبال او بودند

<sup>y</sup>- «به خاطر انجیل» نکته ای است که فقط در انجیل مرقس ذکر شده است. ر. ک ۳۵:۸.

<sup>x</sup>- ر. ک لو ۱۸:۳۰.

<sup>w</sup>- ر. ک مت ۱۹:۳۰.

<sup>z</sup>- ر. ک بو ۱۱:۷-۱۶).

<sup>a</sup>- این نکته فقط تذکر حزنی نیست که از نظر روائی آمده باشد بلکه به نظر مرقس رفتار عیسی که با اطمینان به رسالت خود در جلو راه می رود کاملاً بخلاف تردید و ترس شاگردان است زیرا ایشان نمی دانند چه وقایعی در اورشلیم بر آنها خواهد گذشت (ر. ک بو ۱۱:۷-۱۶).

<sup>b</sup>- ر. ک مر ۸:۳۱-۳۲، ۹:۳۱-۳۲ در مورد دقت این سومین اعلام ر. ک مت ۲۰:۱۹. عیسی هیچ وقت به صراحة اعلام نمی کند که یهودا اورا تسلیم خواهد کرد.

<sup>c</sup>- ر. ک مت ۲۰:۱۲.

**شفای بارتیمائوس کور**  
 (متی ۲۰:۲۹؛ لوقا ۱۸:۳۴-۴۳) و آنان به اریحا می‌آیند و چون او همراه با شاگردانش و جمعیت کثیری از اریحا خارج می‌شد بارتیمائوس، پسر تیمائوس، گدائی کور در کنار راه نشسته می‌بود.<sup>g</sup> چون دانست که عیسای ناصری<sup>h</sup> است، شروع به فریاد زدن و گفتن کرد: «ای پسر داود<sup>i</sup>، ای عیسی، بر من رحم کن!»<sup>j</sup> و بسیاری اور نهیب می‌زندند که خاموش شود، اما برعکس او بیشتر فریاد می‌زد: «ای پسر داود، بر من رحم کن!»<sup>k</sup> و عیسی ایستاده گفت: «او را صدا کنید» و کور را صدا کرده به او گفتند: «اعتماد! قیام کن! تو را صدا می‌کند!»<sup>l</sup> او ردایش را انداخته برجست و به سوی عیسی آمد.<sup>m</sup> و عیسی خطاب به او گفت: «چه می‌خواهی برایت انجام دهم؟» کور به او گفت: «ربونی<sup>n</sup> بینائی را باز یابم.»<sup>o</sup> و عیسی به او گفت: «برو، ایمان تو را نجات داده است!» و همان دم بینائی را باز یافت و در راه به دنبال وی می‌آمد.<sup>p</sup>

اع ۲:۱۲ تعمید می‌یابم، تعمید بیایید؟»<sup>q</sup> به او گفتند: «می‌توانیم.» عیسی به ایشان گفت: «جامی را که من می‌نوشم آن را خواهید نوشید و به آن تعمیدی که من تعمید می‌یابم تعمید خواهید یافت.<sup>r</sup> اما نشستن به راست یا چپ من، اعطایش از آن من نیست: این از آن کسانی است<sup>s</sup> که برایشان فراهم گردیده باشد.<sup>t</sup> و با شنیدن این، آن ده تن [دیگر] شروع به برآشتن بریعقوب و یوحنا کردند.<sup>u</sup> و عیسی آنان را نزد خود فراخوانده به ایشان گفت: «می‌دانید کسانی که حکام ملت‌ها شمرده می‌شوند<sup>v</sup> سلطه خود را بر آنان اعمال می‌کنند و نیز اینکه بزرگانشان قدرت خود را بر آنان اعمال می‌کنند.<sup>w</sup> باری در میان شما این چنین نیست، بلکه هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ گردد خادم شما خواهد بود،<sup>x</sup> و هر که در میان شما می‌خواهد اولین گردد بردۀ همه خواهد بود.<sup>y</sup> زیرا پسر انسان نیامده تا مخدوم شود، بلکه خدمت کند و زندگانی<sup>z</sup> ۱-تیمو:۵-۶ خود را برای بسیاری فدیه دهد.<sup>f</sup>

c- ر. ک مت ۲۰:۲۳. g- ر. ک مت ۲۰:۲۳.

d- این فعل به صورت مجھول آمده و عمل خدا را بیان می‌کند. بایستی آن را به این صورت در ک نماییم: «به وسیله خدا فراهم گردیده باشد» چنان که در مت ۲۰:۲۳ تصویر شده است.

e- اصطلاح «شمرده می‌شوند» با حالتی تمسخر آمیز به معنی «تصور می‌کنند» ر. ک غلام:۲:۲۷.

f- کلمه «بسیاری» معنی وسیعی دارد: عیسی به خاطر و به جای (برای) توده مردمان می‌میرد چنان که در اشعیا خادم خدا برای مجموعه قوم جان خود را می‌دهد، ر. ک اش ۱۱:۱۱-۲:۲۳. مر ۱۴:۱۳-۲:۲۴.

g- برابر برخی نسخ خطی: «گدائی کور» و پسر تیمائوس ذکر نشده است.

h- «ناصری» که صورت معمولی در انجیل مرقس است، ر. ک لو ۱۸:۳۷-۳۵.

i- پسر داود عنوان رایج مسیح موعود بوده است، ر. ک ۱۱:۱۰، ۱۲:۱۰، ۱۱:۱۰. مت ۳۵:۱۲-۹. در آیه ۴۹ اعتماد، تحتاللفظی: شجاعت ز- «ربونی» نظریه «ربی» عنوان احترام آمیز است (ر. ک ۹:۵ a) و علاقه بیشتری را نشان می‌دهد. متی و لوقا این کلمه را به «خداآنده» برگردانده‌اند.

کرده‌ای را نزد عیسی می‌آورند و رداهای خود را بر آن می‌اندازند و او بر آن سوار شد.<sup>۸</sup> و بسیاری از مردم رداهای خود را بر سر راه گستردند و دیگران شاخه‌های پربرگ را که از کشتزارها بریده بودند<sup>۹</sup> و کسانی که در پس و پیش او بودند فریاد بر می‌آوردند: «هوشیاعنا!<sup>۱۰</sup> مبارک باد آن که به نام خداوند می‌آید! P!<sup>۱۱</sup> مبارک باد فرمانروائی که می‌آید و از آن پدرمان داد و است! هوشیاعنا بر فراز [آسمان‌ها]!<sup>۱۲</sup> و در اورشلیم به معبد وارد شد و پس از آنکه نگاه خود را بر همه چیز گردانید<sup>۱۳</sup>، چون ساعت دیر بود، با آن دوازده به سوی سیتنا بر گشود.

درخت انجیر بی ثمر  
(۱۸-۲۱)

۱۲ و روز بعد هنگامی که از بیت عنیا  
بیرون می‌رفتند گرسنه شد. ۱۳ و چون  
درخت انجیری از دور مشاهده کرد که برگ  
داشت، رفت تا بسید در آنجا چیزی خواهد

ورود پیروزمندانه عیسیٰ به اورشلیم  
 (متی ۲: ۱۱-۱: ۲۸؛ لوقا ۱۹: ۴۰-۲۸؛  
 یوحنای ۱۲: ۱۶-۱۲)

و چون به اورشلیم نزدیک

می شوند در حدود بیت فاجی  
بیت عنیا<sup>k</sup> نزدیک کوه زیتون دو تن از  
شاگردان خود را می فرستد،<sup>۲</sup> و به ایشان  
گفت: «به روستائی که در برابرشما است  
بروید، همان دم با ورود به آنجا کرّه الاغی<sup>۱</sup>  
بسته خواهید یافت که تا کنون هیچ کس بر  
آن سوار نشده است، آن را باز کنید و  
بیاورید.<sup>۳</sup> و اگر کسی به شما گوید: چکار  
دارید می کنید؟ بگوئید: خداوند<sup>m</sup> آن را  
لازم دارد و به زودی آن را به اینجا پس  
می فرستد.<sup>n</sup><sup>۴</sup> و ایشان رفتند و کرّه الاغ را  
نزدیک دری، بیرون، در کوچه بسته یافتند  
و آن را باز می کنند<sup>۵</sup> و برخی از کسانی که  
آنجا می بودند به ایشان می گفتند: «چه  
شدۀ که کرّه الاغ را باز می کنید؟...»<sup>۶</sup> و  
آنان آن چنان که عیسی گفته بود گفتند و  
ایشان را گذاشتند که آن را نجام دهند.<sup>۷</sup> و

k- نام دو روستا در نزدیکی اورشلیم، ر. ک مت ۲۱: ۱ توضیح m: لو ۱۹: ۲۶ توضیح h و i).

l- اشاره به بشگوئی در زک ۹: ۹ م، باشد.

m- این متن تنها جایی است که در انگلیسی مرقس و انگلیسی متی اصطلاح «خداوند» در مورد عیسی بکار رفته است. مسیحیان اولیه عیسی ای قیام کرده را با این عنوان نمایندند (در صورتی که در عهد عتیق این عنوان مختص خدا یا مسیح موعود - پادشاه می باشد. در بعضی ترجمه ها «خداوندیش» (به معنی صاحبیش) آمده است.

نحوه دیگر: «و اینکس که اعتراض نماید» (لافاصله آنرا به اینجا مفتد).

۵- ر. ک مت ۹:۲۱ توضیح **۱**. ر. ک اعد ۱۹۶۴: «گاو سرخ رنگ که بیوغ برگدنش نیامده باشد» یعنی هیچ وقت از آن برای کارهای معمول استفاده نکرده باشند (ر. ک. تث ۳:۲۱؛ ۱-سوم ۷:۶).

.٢٦-٢٥:١١٨ م-p

۹- «فرمانروایی» به معنی «ملکوت». این نوع هلهله که فقط در انجیل مرقس به این صورت آمده به روشی مربوط به مسیح موعود پادشاه می باشد و در مت ۹:۲۱ (هوشیان پسر داود) و در لو ۳۸:۱۹ (مبارک باد پادشاه) آمده است. به احتمال قوی این فریادها جنبه سیاسی داشته و آنان در انتظار رهائی از سلطه رومیان بودند (ر.ک یو ۱۵:۶، ۱۲:۱۳، ۳۷:۳۶).

۱۰- این نکته جزیی، مقدمه صحنه بپرون راندن فروشنده‌گان را از معبد است (آیات ۱۵-۱۹). ضمناً موضوع مربوط به مجموعه مکان مقدس با میدانها و محوطه های اطراف آن است و نه به درون ساختمانی که مرکز معبد بوده و فقط کاهنان مجاز به ورود به آن بودند (ر.ک ۱۴:۱، ۵۸:۱۵، ۳۸:۲۹).

می بودند که چگونه وی را از بین ببرند.  
زیرا از او می ترسیدند، درحقیقت تمام <sup>۳:۶</sup>  
جمعیت از آموزش او بهت زده می بودند. <sup>۴:۱۱-۱:۲۰</sup>

### انجیر خشکیده: ایمان و دعا (متی ۱۸:۲۱-۱۹:۲۱)

<sup>۱۹</sup> و چون دیر وقت شد از شهر خارج شدند<sup>x</sup>. <sup>۲۰</sup> و بامدادان چون عبور می کردند درخت انجیر از ریشه خشکیده را دیدند. <sup>۲۱</sup> و پطرس به یاد آورده به او گفت: «ربی بنگر، درخت انجیری را که لعنت کردی خشکیده است!» <sup>۲۲</sup> و عیسی در پاسخ به آنان گفت: «به خدا ایمان داشته باشید. <sup>۲۳</sup> آمین به شما می گوییم: اگر کسی به این کوه بگوید بلند شو و خود را به دریا انداز و اگر در قلبش تردید نکند بلکه ایمان داشته باشد که آنچه می گوید انجام خواهد شد، آن را به دست خواهد آورد». <sup>۲۴</sup> برای همین است<sup>z</sup> که به شما می گوییم آنچه را در نیایش درخواست کنید ایمان داشته باشید

یافت، اما چون به آنجا رفت، چیزی جز برگ نیافات، زیرا فصل انجیر نبود.<sup>y</sup> <sup>۱۴</sup> و سخن آغاز کرده به آن گفت: «دیگر هرگز کسی از میوه تو نخورد!» و شاگردان او می شنیدند.

### فروشنده‌گان رانده شده از معبد (متی ۱۷:۲۱-۱:۲۱؛ لوقا ۱۹:۴۵-۴۸؛ یوحنا ۲:۱۳-۱۶)

<sup>۱۵</sup> و به اورسلیم می آیند و با ورود به معبد به راندن کسانی که در معبد<sup>t</sup> خرید و فروش می کردند پرداخت و دخل صرافان و جایگاه کسانی را که کبوتر می فروختند واژگون کرد. <sup>۱۶</sup> و نمی گذاشت هیچ کس باری از میان معبد حمل کند.<sup>u</sup> <sup>۱۷</sup> و آنان را آموزش داده به آنان می گفت: «مگر نوشته نشده است که خانه من برای همه ملتها<sup>v</sup> خانه نیایش نامیده خواهد شد اما شما آن را غار دزدان کرده اید!» <sup>۱۸</sup> و کاهنان اعظم<sup>w</sup> و کاتبان شنیدند و در پی آن

۸- این نکته که در روایت متی وجود ندارد در انجیل مرقس تأکید می نماید که این اتفاق مفهوم نمادین دارد. بین دو واقعه ای که در معبد روی می دهد ممکن است درخت انجیر نشانه معبد باشد که مسیح موعد در آن هیچ ثمری نمی یابد (ر. ک ارج ۸:۱۳؛ هر ۲:۱۶؛ ۹:۶؛ ۷:۱؛ ۷:۲؛ میک ۷:۱). از سوی دیگر تأثیر سخن عیسی در آیه ۱۴ قدرت ایمان و نیایش را ثابت می کند (آیات ۲۰-۲۵).

t- یعنی در میدان جلو معبد که محظوظه امتهای نامیده می شد، ر. ک مت ۲۱:۲۱ توضیح x. رفتار عیسی پیشگوئی زک ۲۱:۱۴ را تحقق می بخشند.

u- به اختیال قوی محوظه امتهای راه میانبری بین شهر و کوه زیتون بوده و مردم بدون توجه به اینکه ممکن است اختلال و بی نظمی ایجاد شود از این راه کوتاهتر استفاده می کردند.

v- اش ۵:۵۶ فقط مرقس این بخش از عبارت اشیاع را نقل نموده است: «برای همه ملتها». به این ترتیب تغییر معبد ابعاد جهانی می گیرد و محوظه امتهای (ر. ک آیه ۱۵ توضیح t) به همان اندازه محوظه اسرائیل مقدس می باشد.

w- ای ۱۱:۷ در این فصل ارمیا اعلام می کند امتن اهالی یهودا به معبد و انجام پرستش فایده ای ندارد مگر اینکه قبل از رفتارشان برابر عدالت و احترام به قانون یهود باشد.

x- اعضای خانواده های بزرگ کاهنان که از میانشان کاهن اعظم انتخاب می شد.

y- ترجمه دیگر: «هنگامی که شب می رسید عیسی و شاگردان از شهر خارج می شدند». طبق این ترجمه این عمل فقط یک بار انجام نشده بلکه به صورت عادت بوده است.

z- ر. ک مت ۱۷:۲۰ توضیح f. در حالی که انجیل متی برای قدرت شخص ایماندار اهمیت قائل می شود (۲۰:۲۱؛ ۲۱:۲۱) عبارتی که در انجیل مرقس آمده بیانگر قدرت خدا در پاسخ به ایمان است (ر. ک ۲۳:۹ توضیح q).

q- گفتار درباره قدرت ایمان (آیه ۲۳) در اینجا در مورد قدرت نیایش بکار برده شده است (ر. ک مت ۱۹:۱۸).

از انسانها؟...» از جمعیت می‌ترسیدند<sup>f</sup> زیرا همه یحیی را پیامبری راستین می‌دانستند.<sup>۳۳</sup> و در پاسخ به عیسی می‌گویند: «نمی‌دانیم» و عیسی به آنان گفت: «من نیز هرگز به شما نمی‌گویم با چه اقتداری این را انجام می‌دهم.

**مثل باغبانان آدمکش**  
(متی ۲۱:۲۱؛ ۴۶-۳۳:۲۰؛ لوقا ۱۹-۹:۲۰)  
**۱۲** <sup>۱</sup> و با آنان شروع به سخن گفتند با مثل‌ها کرد: «مردی تاکستانی کاشت و آن را محصور کرده چرخشته کند و بر جی بنا کرده<sup>۸</sup> سپس آن را به باغبانان اجاره داد و به مسافرت رفت.<sup>۲</sup> و چون وقتی رسید، برده‌ای نزد باغبانان فرستاد تا از باغبانان سهمی از میوه‌های تاکستان بگیرد.<sup>۳</sup> و اولاً گرفته زدند و دست خالی باز گردانند.<sup>۴</sup> و باز برده دیگری نزد آنان فرستاد و بر سر این یکی زدند و با بی احترامی با او رفتار کردند.<sup>۵</sup> باز یکی دیگر فرستاد و آنان این یکی را کشتند. [سپس] بسیاری دیگر که بعضی را زدند و

که دریافت کرده اید و آن را به دست خواهید آورد.<sup>۲۵</sup> و چون برای نیایش می‌ایستید، اگر چیزی بر ضد کسی دارید، افس ۳۲:۴؛ ببخشید تا پدر شما که در آسمانها است<sup>a</sup> کول ۱۳:۲] خطاهای شما را نیز بخشد.<sup>۲۶</sup> [...]<sup>b</sup>

### تردید در مورد اقتدار عیسی (متی ۲۱:۲۱-۲۷؛ لوقا ۲۰:۲۷-۲۳)

<sup>۲۷</sup> و باز به اورشلیم می‌آیند و چون در معبد می‌گشت، کاهنان اعظم، کاتبان و مشایخ بسوی او می‌آیند.<sup>۴</sup> و به او می‌گفتند: «این را با چه اقتداری انجام می‌دهی<sup>d</sup> یا چه کسی اقتدار انجام این را به تو داده است؟»<sup>۲۹</sup> عیسی به آنان گفت: « فقط یک چیز از شما سؤال می‌کنم: پس به من پاسخ دهید و به شما خواهه گفت با چه اقتداری این را انجام می‌دهم.<sup>۳۰</sup> آیا تعمید یحیی از آسمان می‌بود یا از انسانها؟ به من پاسخ دهید.»<sup>۳۱</sup> و آنان بین خود چنین استدلال می‌کردند: «اگر بگوئیم: از آسمان<sup>e</sup>، خواهد گفت: پس چرا مت ۱۴:۵؛ به وی ایمان نیاورده اید؟<sup>۳۲</sup> آما آیا بگوئیم: لوقا ۷:۳۰؛

a- ترجمه تحت اللفظی: «پدری که در آسمانها (است)» (ر.ک مت ۶:۹؛ W) این جمله که در انجیل مرقس غیرعادی است تأیید می‌کند که مرقس از مجموعه‌ای از سخنان عیسی استفاده کرده است.

b- آیه ۲۶ در تمام بدارک گواهی نشده و چنین است: «ولی اگر شما نمی‌بخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید» (ر.ک مت ۶:۱۵).

c- ر.ک لو ۱:۲۰.

d- بنا به نوشته مرقس این سؤال مربوط به پاک کردن معبد است زیرا به نظر می‌آید که هیچ کدام از کارهای دیگر عیسی چنین سؤال برنمی‌انگیرد. مت ۲۱:۲۱ تصریح می‌کند که عیسی آموخته می‌داد و لو ۲۰:۱ نوشته است نوید را اعلام می‌کرد، بنابراین به نظر آنان ممکن است سؤال درباره اقتدار مربوط به تعلیم باشد.

e- یعنی «از خدا» ر.ک لو ۱۱:۱۶.

f- ر.ک مر ۱۲:۱۲، ۱۴:۱۲؛ لوقا ۱۹:۰، ۱۲:۱۴.

g- اش ۲:۵. در این گفتار که از اشیا نقل شده منظور از تاکستان، اسرائیل است و متهم است میوه‌هایی را که خدا انتظار داشته به بار نیاورده است. در اینجا اتهام بر باغبانان وارد شده که به نظر مرقس کاهنان اعظم، کاتبان و مشایخ هستند (آیه ۱۲: ر.ک ۱۱:۲۷؛ ۱۴:۲۷، ۴۳:۱۴). (۵۳).

م مثل را درباره آنان گفته است. و اورا ترک کرده رفتند.

## پرداخت مالیات به قیصر

(متى ۲۲: ۱۵-۲۶؛ لوقا ۲۰: ۲۶-۲۷) ایشان تنی چند از فریسیان و هیرودیان<sup>m</sup> را می فرستید<sup>۱</sup> تا او را بایک حرف در تله بیندازند.<sup>۱۴</sup> و آنان آمده به او گفتند: «ای استاد می دانیم که تو بر حق هستی و در بند کسی نیستی زیرا به شخص انسان نمی نگری بلکه به راستی راه خدا را آموزش می دهی.<sup>n</sup> آیا دادن مالیات<sup>۵</sup> به قیصر مجاز است یا خیر؟ آیا باید بپردازیم یا نپردازیم؟»<sup>۱۵</sup> اما او که به ریای آنان پی برده بود به آنان گفت: «چرا مرا تجربه می کنید؟<sup>۹</sup> یک دینار برای من بیاورید تا ببینم.»<sup>۱۶</sup> آنان آوردند و به آنان گفت:

بعضی دیگر را کشتند.<sup>۶</sup> او هنوز کسی را داشت، پسری محبوب<sup>h</sup>. آخر اور را نزد آنان فرستاد چون به خود می‌گفت: پسرم را حرمت خواهند گذاشت.<sup>۷</sup> اما این باغبانان بین خود گفتند: «اینک وارت، بیائید او را بکشیم و میراث از آن ما خواهد بود.<sup>۸</sup> او را گرفته کشتند و به بیرون از تاکستان انداختند.<sup>۹</sup> خداوند تاکستان چه خواهد کرد؟ آمده باغبانان را هلاک خواهد کرد و تاکستان را به دیگران خواهد داد.<sup>۱۰</sup> مگر این نوشته [مقدس] را نخوانده اید:

سنگی را که معماران رد کرده بودند همان است که سر زاویه گردید.<sup>۱۱</sup>

این از جانب خداوند انجام شده و به چشمان ما، شگفت انگیز است!<sup>k</sup><sup>۱۲</sup>

و در صدد دستگیری او می‌بودند و از جمعیت ترسیدند، زیرا فهمیده بودند که

**h- صفت «محبوب»** (ر.ک لو ۱۳۲۰) که مخصوصاً در اینجا بکار برده شده صدای آسمانی را به یاد می‌رود که عیسی را در صحنه‌های تعمید و تجلی معرفی می‌کرد (ر.ک مت ۱۷:۳ // ۱۷:۵ //). ضمناً به طور سریسته نکته‌ای که در این مثل درباره مسیح وجود دارد یادآوری می‌نماید.

**i- کلمات «گرفن، کشتن، به بیرون اندادن»** طرز بیان مرقس را نشان می‌دهد متنی و لوقا ترتیب این کلمات را بر عکس کده اند: «سون اندادختن، کشتن» (ر.ک مت ۲:۱ // ۳:۹ // پسچه ۷).

ج- این طرز بیان در زبان یونانی عیناً از ترکیب جمله عبری اقبیاس شده است (معماران و بنایان که در ساختن بنا از سنگ استفاده می‌کنند، سنگها را که شکل هندسی منظمی ندارند دور می‌اندازند و بالعکس سنگهای منظم ترا که دو طرف صاف و مستطح داشته باشند در گوش و نبش ساختمان بکار می‌برند). طبق تعمق پدران کلیسا، تراشیده شدن در اثر روزه و ریاضت باعث می‌شود که فرد، شخص مؤثر و مفیدی در کلیسا شود.

-k- مز ۱۱۸:۲۲-۲۳، ر. ک اش ۲۸:۱۶، اع ۴:۱۱، روم ۹:۳۳، ۱- بطر ۲:۶-۸. آیات ۱-۱۳ (ر. ک مت ۱-۵:۲۲-۴۰، لو ۲۰:۲۰-۴۰، شامل ۱۰:۲۵-۲۸) شامل یک رشته مجادلاتی است که عیسی از آنها پیروز بیرون می آید و به طوری که در پایان این مجادلات گفته شده مخالفانش از اینکه او را با سوالهای خود در تله بیندازند صرف نظر می کنند: «و دیگر کسی جرأت نمی کرد از او سؤال کند» (آیه //). در آخرین سؤالی که درباره آن بحث شده بود (موضوع مسیح موعود، پسر داود) مشاهده می شود که عیسی به حمله مقابل پرداخته است. مرقس برخلاف متی و لوقا این واقعه را به صورت مباحثه غیرمستقیم ارائه نموده است بدین معنی که عیسی مطالب خود را دیگر به مخالفانش خطاب نمی کند بلکه با کسانی که به او گوش می دهند سخن می گوید.

م-ر. ک مر ۳:۶ توضیح g.

n- ر. ک لو ۲۰:۲۰ توضیح a. شخص انسان یعنی مقام و موقعیت او.

١٧:١٢ ر.ك مت توضیح d.

p- اولین بار نیست که دشمنان می خواهند او را گیر بیندازند. ر. ک مر ۱۱:۸، ۲:۱۰. //۲:۱۰.

توضیحات ۳۷:۶ ک-تر.

سومی به هم‌چنین<sup>۲۲</sup> هیچ‌یک از آن هفت، تباری باقی نگذاشتند. بعد از همه آنها، زن نیز مرد.<sup>۲۳</sup> در رستاخیز چون آنها برخواهند خاست زن از آن کدامیں خواهد بود؟ زیرا هر یک از آن هفت او را چون زن خود داشته‌اند.»<sup>۲۴</sup> عیسیٰ به آنان فرمود: «اگر گمراه می‌شوید آیا به سبب شناختن نوشته‌های [مقدس] و قدرت خدا نیست؟»<sup>۲۵</sup> درواقع چون از میان مردگان برمی‌خیزند، ازدواج نمی‌کنند و به ازدواج داده نمی‌شوند.<sup>۷</sup> بلکه چون فرشتگان در آسمان‌ها هستند.<sup>۲۶</sup> و درباره مردگانی که قیام می‌کنند مگر در کتاب موسی در قطعهٔ بوته نخوانده اید که خدا چگونه با او سخن گفته است: من هستم، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب.<sup>x</sup> <sup>۲۷</sup> او خدای مردگان نیست، بلکه زندگان<sup>y</sup>. شما بسیار گمراه هستید.»

«این صورت و نوشه از کیست؟» به او گفتند: «از قیصر.»<sup>۷</sup> عیسیٰ به آنان گفت: روم<sup>۷</sup> آنچه از آن قیصر است به قیصر و آنچه از آن خدادست به خدا باز دهید<sup>۳</sup> و آنان دربارهٔ وی از حیرت بیرون نمی‌آمدند.

### رستاخیز مردگان

(متی ۲۲: ۲۳-۲۲؛ لوقا ۲۰: ۲۷-۳۸) <sup>۱۸</sup>  
و صدوقيان<sup>۵</sup>، آنانی که می‌گويند رستاخیز وجود ندارد، نزد او می‌آيند و از وی سؤال کرده می‌گفتند:<sup>۹</sup> «ای استاد، موسی برای ما چنین نوشته است: اگر برادر کسی بمیرد و پس از خود زنی باقی گذارد و فرزندی باقی نگذارد، برادرش باید زن را گرفته و تباری برای برادر<sup>t</sup> خود ایجاد کند.»<sup>۱۰</sup> هفت برادر بودند. و اوی زنی گرفته چون مرد تباری از خود باقی نگذاشت<sup>۱۱</sup> و دوّمی او را گرفته و بدون اينکه تباری از خود باقی گذارد مرد و

۱- همین امر که مخاطبان عیسیٰ این سکه را بکار می‌برند که نشانه سلطه رومیان است ثابت می‌کند که آنان حاضرند از نظام سیاسی معینی استفاده نمایند و در صورتی که می‌خواهند مالیات نپردازند بایستی اصولاً هر نوع نشانه‌ای از حضور رومیان را نپذیرند و حال آنکه چنین کاری نمی‌کند و لی مخصوصاً مسائل را با يكديگر اشتباه می‌کنند: موضوع وظیفه نسبت به خدا با وظیفه نسبت به قیصر تفاوت دارد. مالیاتی که باید به قیصر پرداخت جنبه قطعی نظریه اطاعت از خدا ندارد. درواقع سؤال فریسيان در آیه ۱۴ به این معنی است که آیا طبق شريعت جایز است... (ر. ک ۲۴: ۲، ۲۶: ۳، ۴: ۳؛ ۱۸: ۶؛ ۲: ۱۰). به علاوه پرداخت مالیات، قانونی انسانی و سیاسی است و از این رو غیوران و انقلابيون اجازه نمی‌دادند که به قیصر مالیات داده شود.

۸- ر. ک لو ۲۷: ۲۰ توضیح<sup>c</sup>.

۹- تث ۱۰-۵: ۲۵؛ ر. ک مت ۲۴: ۲۲ توضیح<sup>g</sup>.

۱۰- در مقابل ایرادی که با استفاده از یک نکته حقوقی در شريعت موسی می‌شود عیسیٰ به نوشته‌های مقدس استناد می‌نماید که رستاخیز را تأیید می‌کنند (آیه ۲۶ توضیح<sup>x</sup>). ضمناً «قدرت خدا» را يادآوری می‌نماید که ابراد گیرندگان نادیده گرفته اند و تصور اشتباهی از وضع رستاخیز گنبدگان دارند.

۱۱- ترجمه دیگر: «نه زن می‌گیرند و نه شوهر می‌کنند» (ر. ک ۱-قرن ۱۵: ۳۵-۳۴؛ لو ۲۰: ۳۶-۳۴).

۱۲- ر. ک مت ۲: ۲۲ توضیح<sup>j</sup>، ر. ک اع ۰: ۲۳ توضیح<sup>a</sup>.

۱۳- خروج ۳: ۶، عیسیٰ قسمتی از شريعت را نقل می‌کند که فقط صدوقيان آن را به عنوان کتب مقدس قبول داشتند. ضمناً اصطلاح «خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب» يادآور انتخاب الهی و وفاداری خدا نسبت به برگردانگان است و مرگ نمی‌تواند پایان آن باشد.

۱۴- ر. ک مت ۳: ۲۲ توضیح<sup>k</sup>.

به او گفت: «بسیار خوب، ای استاد! تو راست گفتی: او آن یگانه است و جز او تث<sup>۴</sup>:۳۵-۳۶؛ اش<sup>۴</sup>:۲۱-۲۵ نیست؛ <sup>۳۳</sup> و محبت کردن او با تمام قلب و با تمام فهم<sup>۶</sup> و تمام قدرت و همسایه را چون خود محبت کردن، بیش از قربانیهای هو<sup>۶</sup>:۴ سوختنی و [دیگر] قربانی‌ها است.<sup>d</sup>» <sup>۳۴</sup> عیسی چون دید خردمندانه پاسخ داده است به او گفت: «تو از ملکوت خدا دور نیستی.<sup>e</sup>» و دیگر کسی جرأت نمی‌کرد از او سؤال کند.

### مسيح و داود

(متى ۴۱:۲۲-۴۶؛ لوقا ۲۰:۴۱-۴۴)

<sup>۳۵</sup> و عیسی چون در معبد آموزش می‌داد شروع به سخن کرده می‌گفت<sup>f</sup>: «چگونه

اولین فرمان  
(متى ۲۵:۲۸-۳۴؛ ۴۰:۲۸-۲۹)  
(۴۰-۳۹:۲۰)

<sup>۲۸</sup> و یکی از کاتبان که بحث آنان را شنیده بود، چون می‌دانست به آنان نیکو پاسخ داده است نزدیک شده از او پرسید: «از همه فرمان‌ها اولین کدام است؟» <sup>۲۹</sup> عیسی پاسخ داد: «اول این است: بشنو ای اسرائیل! خداوند خدای ما خداوند یگانه است<sup>g</sup>، <sup>۳۰</sup> پس خداوند، خدای خود را با تمام قلب و با تمام جان و با تمام اندیشه و با تمام قدرت خود محبت خواهی کرد.<sup>a</sup> <sup>۳۱</sup> دوم این است: همسایه‌ات را چون خودت محبت خواهی کرد<sup>b</sup>. فرمان دیگری بالاتر از اینها نیست.» <sup>۳۲</sup> و کات-

Z- تث ۴:۶، تحت اللقطی: «خداوند، خدای ما، یگانه یهوه است». یهودیان نام قدوس یهوه را تلفظ نمی‌کردند و به جای آن از واژه عبری «ادوتای» (یونانی kyrios) به معنی «خداوند» استفاده می‌کردند. بنابر تفسیری که از متن عبری تثنیه می‌توان کرد برای این عبارت ترجمه‌های مختلفی پذیرفته شده است («تنهای یک خداوند هست» یا «آن یگانه یهوه»). ترجمه‌ای که در اینجا پذیرفته شده با توجه به مطالب آیه ۳۲ می‌باشد.

-a- تث ۵:۶  
-b- ۱۸:۱۹  
-c- کلمات «با تمام فهم» با آنچه در آیه ۳۰ ذکر شده تفاوت دارد و چنین به نظر می‌رسد که منظور «با تمام فکر» می‌باشد. در ترجمه یونانی تث ۶:۵ «قلب» یا «فکر» آمده است، ر. ک ۲-۲۳ پاد ۲۵:۲۳.

-d- ر. ک ۱- سمو ۱۵:۲۲

e- این تنها موردی در انجیل نظری است که عیسی کاتب مذکور دارای حسن نیت بود و منظور سوئی نداشته است (بر عکس مت ۲:۲۵؛ لو ۱:۳۵؛ ۲:۲۵)، البته باید به یاد داشت که سؤال کاتب که «از همه فرمانها اولین کدام است؟» چندان آسان نبود و گروههای مختلف یهودیان آن زمان درباره چگونگی ترتیب و اولویت بندی ۶۱۳ فرمان یهود نظر واحدی نداشتند. بنا به نوشته متی عیسی به هیچ وجه نتوانست موافقت حتی یک کاتب را جلب نماید ولی برابر انجیل لوقا (۲۰:۳۹) کاتبان جواب عیسی درباره رستاخیز را تحسین می‌کنند، در صورتی در این متن انجیل مرقس کاتب مذبور تقریباً اهمیت و رفتاری نظری شاگرد علاوه‌مندی را دارد و عیسی او را تحسین می‌نماید. بدین گونه یک دسته سه تایی مباحثه که در انجیل مرقس ذکر شده با نکته مشبته به پایان می‌رسد که کاملاً با سخنان سخت و تندی که بعداً می‌آید تفاوت دارد (آیات ۳۸-۴۰).

f- در این قسمت اکنون عیسی است که سؤال می‌کند. مخاطبان او در سه انجیل نظری یکی نیستند. بدین معنی که در انجیل متی فریسیان مخاطب عیسی می‌باشد و در انجیل لوقا همان کاتبانی هستند که در مباحثه قبلی پاسخ عیسی به صدوقيان را در مورد رستاخیز تحسین نمودند. بالاخره در انجیل مرقس عیسی به عده زیادی از مردمان که نامعلوم هستند سخن می‌گوید و سخنان او را با علاوه‌مندی گوش می‌کنند (آیه ۳۷) به نظر مرقس روپارویی مستقیم و آشکار با عقب نشینی مخالفان خاتمه یافته است (آیه ۳۴). و این آیات فاصله‌ای بین برخورد مذکور و اعلام خطر بر ضد کاتبان می‌باشد.

در سه انجیل نظری عیسی طوری نشان داده شده که به مانند کاتبان درباره نکته‌ای از تفسیر کتب مقدس جزوبحث می‌کند و نشان می‌دهند که عنوان مسیح موعود را باید با فرزندی داود اشتباه کرد زیرا بالاتر و برتر از آن است. می‌دانیم که بر طبق عهد جدید عیسی در عین حال پسر داود و خداوند است (ر. ک روم ۱:۳).

صندوقد می‌انداختند و بسیاری از ثروتمندان در آن بسیار می‌انداختند.<sup>۴۲</sup> و بیوه زن درمانده‌ای آمد که دو پیشیز<sup>k</sup> انداخت، یعنی یک چهارم فلس.<sup>۴۳</sup> و شاگردان خود را نزد خوبیش فراخوانده به ایشان گفت: «آمین به شما می‌گویم این بیوه زن که درمانده است، بیش از هر کس که در خزانه می‌اندازد، انداخته است.<sup>۴۴</sup> زیرا همه از مازاد خود انداختند اما او از فقر خود، او هر چه داشت انداخت، همه هستی خود را.»

### عیسی ویرانی معبد را از پیش اعلام می‌کند

(متی ۲۴:۳-۱؛ لوقا ۲۱:۵-۷)

**۱۳** <sup>۱</sup> و چون از معبد خارج می‌شد، یکی از شاگردانش به او گفت: «ای استاد، بنگر: چه سنگها و چه بناهایی!<sup>۱</sup>» <sup>۲</sup> عیسی به او گفت: «این بناهای بزرگ را می‌نگری؟ در اینجا سنگی بر سنگی نخواهد ماند که نابود <sup>لوقا ۱۹:۴۴</sup> نشود.<sup>۳</sup> <sup>۴</sup> و چون بر کوه زیتون در مقابل معبد نشسته بود، پطرس، درکناری از او می‌پرسید و هم چنین یعقوب، یوحنا<sup>m</sup> و اندریاس: <sup>۴</sup> «به ما بگو این چه وقت روی خواهد داد و وقتی همه اینها به پایان می‌رسد نشانه چه خواهد بود؟<sup>n</sup>

کاتبان می‌گویند که مسیح<sup>g</sup> پسر داود است?<sup>۴۵</sup> داود خود توسط روح القدس گفت:

خداوند به خداوند من گفته است:

به راست من بنشین

تا آنکه دشمنانت را

به زیر پاهایت اندازم.<sup>h</sup>

<sup>۴۶</sup> داود خود او را خداوند می‌گوید: پس <sup>۴۸:۱۹</sup> از کجا پسر او است؟ <sup>۴۸:۲۱</sup> و جمعیت زیادی، با شادمانی به او گوش می‌داد.

### داوری عیسی درباره کاتبان

(متی ۲۳:۱۲-۱؛ لوقا ۲۰:۲۰-۴۷)

<sup>۳۸</sup> و درآموزش خود می‌گفت: «درباره کاتبان مواظب باشید که خواستار گشتن با رداهای بلند و [شنیدن] سلامها در میدانهای عمومی، <sup>۳۹</sup> اشغال نخستین جایگاه‌ها در کنیسه‌ها و نخستین جایها در ضیافت‌ها هستند، <sup>۴۰</sup> آنان که اموال بیوه زنان را می‌بلعند در حالی که با تظاهر نماز خود را طول می‌دهند.<sup>i</sup> اینان محکومیتی جدی تر خواهند یافت!»

### پیشیز بیوه زن فقیر

(لوقا ۲۱:۱-۴)

<sup>۴۱</sup> <sup>۴۲</sup> پاد ۱۲:۹؛ <sup>۴۳</sup> در مقابل خزانه نشسته مشاهده می‌کرد که چگونه جمعیت پول خرد<sup>j</sup> در

<sup>g</sup>- یا «کریستوس».

<sup>h</sup>- مژ ۱:۱۱۰؛ ر. ک اع ۲:۳۴؛ عبر ۱:۱۳.

<sup>i</sup>- یعنی برای توجیه رفتارشان نیاز خود را طول می‌دهند.

<sup>j</sup>- تحت الفظی: «مسی» ر. ک مر ۸:۶.

<sup>k</sup>- «کادران» که کوچکترین سکه رایج آن زمان بود (به وزن ۱۰، ۳ گرم) و این کلمه به خاطر خوانندگان یونانی و رومی نوشته و

تصویر شده است. برابری صحیح آن را نمی‌توان تعیین نمود ولی به هر صورت بول مختصر و ناچیزی می‌باشد.

<sup>l</sup>- ر. ک مت ۱:۲۴ توضیح<sup>q</sup>.

<sup>m</sup>- این شاگردان نخستین کسانی هستند که فراخوانده شده اند (ر. ک ۱:۱۶-۲۰). بنا به نوشته مرقس تمام این تعلیمات به این چهار شاگرد ممتاز داده شده است.

<sup>n</sup>- این سوال فقط درباره تاریخ وقوع و عالیم فرا رسیدن زمان آخر است (ر. ک لو ۷:۲۱). بدون اینکه اشاره‌ای به ظهور مسیح باشد، چنان که در مت ۲:۴ در مورد آن صحبت شده است.

تسلیم کنند، از پیش در اندیشه آن نباشد که چه باید بگوئید، بلکه آنچه در این ساعت به شما داده خواهد شد، آن را بگوئید، زیرا شما نیستید که حرف خواهید زد، بلکه روح القدس.<sup>ii</sup> و برادر میک.<sup>vii</sup> خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر، فرزند خود را و فرزندان برضد والدین خود برخواهند خاست و آنان را به مرگ خواهند سپرده.<sup>xiii</sup> و به خاطر نام من منفور همه خواهید بود. اما آن که تا به آخر<sup>vii</sup> پایدار ۱-پطر<sup>iii</sup> بماند، نجات خواهد یافت.

### مصیبت بزرگ

(متی ۲۴:۲۵-۱۵؛ لوقا ۲۱:۲۰-۲۴؛  
۸:۲۱؛ ۲۳:۱۷)

<sup>۱۴</sup> چون ببینید کراحت ویرانگر مستقر شده است در جائی که نباید<sup>w</sup> خود خواننده دریابد!<sup>x</sup> در آن وقت کسانی که در یهودیه باشند، به کوهستان فرار کنند<sup>y</sup>،

### شروع رنج‌ها

(متی ۲۴:۳-۲؛ لوقا ۲۱:۵-۷)

<sup>۵</sup> عیسی شروع به گفتن به آنان کرد: «مواظب باشید شما را گمراه نکنند.<sup>۶</sup> چه بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: «من هستم» و ایشان بسیاری را گمراه خواهند کرد.<sup>۷</sup> چون بشنوید از جنگها و هیاهوی جنگها حرف می‌زنند، هراسان نشوید. این باید فرا رسید<sup>p</sup> اما هنوز پایان نیست.<sup>۸</sup> در واقع متی بر ملتی و مملکتی بر مملکتی قیام خواهد کرد. در جاهائی زلزله‌ها خواهد شد، قحطی‌ها خواهد شد. این آغاز دردهای زایمان است.<sup>۹</sup> مواظب

خود باشید! شما را به سانه‌درین‌ها<sup>r</sup> تسلیم خواهند کرد و در کیسه‌ها مضروب خواهید شد و به خاطر من برای شهادت در برابر<sup>s</sup> حاکمان و پادشاهان حضور خواهید یافت.<sup>۱۰</sup> و قبلًا باید که انجیل به همه ملت‌ها نوید داده شده باشد.<sup>t</sup> <sup>۱۱</sup> و چون شما را ببرند تا

- ر. ک ۴:۲۴ توضیح<sup>t</sup>. درباره مسیح‌های دروغین که در قرن اول زیاد بودند ر. ک اع:۵: ۳۰-۳۷-۳۰ و نیز درباره پیامبران

- دروغین که ادعا دارند به اسم عیسی سخن می‌گویند ر. ک ۱-تیمو:۴: ۲-۷، ۷-۱-تیمو:۲-۱۶: ۱۷-۱: ۳-۱۰: ۹: ۳- تبیط<sup>۳</sup>: ۱۰-۹.

- p دان:۲: ۲۸. درباره جنگها، زلزله‌ها و قحطی‌ها در ارتباط با آخر زمان ر. ک اش: ۲۴: حج: ۷-۶: ۲: زک: ۱۴: ۴-۳: مکا: ۸: ۶: ۱۲: ۱۳: ۱۱: ۱۳: ۱۲: ۱۷: ۱۶: ۱۹: ۱۹: ۱۸: ۸: ۱۸: ۱۷: ۱۶: ۱۳: ۱۱: ۱۳: ۱۲.

- q ر. ک مت ۸:۲۴ توضیح W.

- r سانه‌درین، شورای عالی شرع یهود و مرکب از بیست و سه نفر از بزرگان کنیسه بوده است، ر. ک ۱۰: ۱۷ توضیح<sup>c</sup>.

- s در مورد شهادت «در برابر» یا «علیه» یا «نژد» ایشان ر. ک مر: ۱: ۴-۱۰ توضیح<sup>x</sup>: ۱۱: ۶.

- t این سخن که جنبه جهانی دارد (ر. ک مت ۱۰: ۱۸-۱۰) فرق بین یهودیان و مشرکان را که در آیه قبلی حدس زده می‌شد تصریح می‌نماید. به نظر مرقس این سخنان رسالت مسیحیان اولیه را پیش‌پیش اعلام می‌کند، ر. ک لو: ۲۱: ۲۴-۳: ۱۴: ۱: ۲۵: ۱: ۲۰ روم: ۲۵: ۱: ۲۵.

- u ر. ک لو ۱۲: ۲ توضیح i.

- v مت ۱۴: ۲۴ توضیح b.

- w اشاره ضمیمی به دان: ۹. این اصطلاح که قبلًا «مکروه ویرانی» ترجمه می‌شد احتمالاً به نظر مرقس شخصی است که با اشغال محلی آن را پلید می‌سازد. ( فعل «مستقر شدن» در زبان یونانی به صورت مذکور است. لحن این گفتار تعمدآ مرموز و مبهم است و نسونه‌ای از ادبیات مکافشه‌ای می‌باشد که در آنها روشن شدن عما به درایت خواننده واگذار می‌شود. در خواندن این آیه نبایستی در پی دقت و صراحت برآیم و مثلاً آن را به تفسیر اورشلیم در سال ۷۰ میلادی منسوب نماییم. فقط می‌توان گفت این‌داران در وضعیت وخیمی نظیر آنچه در باب ۹ کتاب دانیال اعلام شده قرار خواهند گرفت.

- x این کلمات اعم از اینکه جمله معترضه‌ای از مرقس یا تفسیر و توضیحی بعداً افزوده شده باشد بدین معنی است: «خوب ببینید به چه چیزی اشاره می‌کنم، به پیشگویی دنیا!» که صراحتاً نقل شده است. عبارت مشابهی در انجیل متی آمده ولی مفهوم دیگری دارد. مت ۱۵: ۲۴ توضیح d.

- y ر. ک لو ۷: ۳۱ توضیح r.

### آمدن پسر انسان

(متی ۲۴:۲۹؛ ۳۱:۲۹؛ لوقا ۲۱:۲۸-۲۵)

<sup>۱۴</sup> امّا در این روزهای پس از این حزق<sup>a</sup>: مصیبت، خورشید تار خواهد شد و ماه<sup>b</sup>: فروغ خود را نخواهد داد<sup>c</sup> و ستارگان از آسمان شروع به افتادن خواهند کرد و قدرتهایی که در آسمانها هستند<sup>d</sup> متزلزل خواهند شد.<sup>e</sup> و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و شکوهی عظیم در ابرها می‌آید.<sup>f</sup> و آنگاه فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگان خود را از بادهای چهارگانه، از کرانه‌های زمین تا کرانه‌های آسمان<sup>g</sup> گرد خواهد آورد.

### مثال درخت انجیر

(متی ۲۴:۳۶-۳۲؛ لوقا ۲۱:۲۹-۳۳)

<sup>۲۸</sup> از درخت انجیر این مثل را یاد بگیرید. همین که شاخه‌اش ترد شود و برگهایش بروید، می‌فهمید که تابستان نزدیک است.<sup>۲۹</sup> هم چنین شما: وقتی ببینید که اینها فرامی‌رسد، بفهمید که او<sup>۳۰</sup> نزدیک، بر دروازه‌ها است.<sup>۳۱</sup> آمین به شما می‌گویم که این نسل نگذرد پیش از آنکه این همه فرارسیده باشد.<sup>h</sup> آسمان

<sup>۱۵</sup> آن که بر بام باشد پائین نیاید و داخل نشود تا چیزی از خانه بردارد،<sup>i</sup> و آن که در کشتزار باشد باز نگردد تا رداش را برگیرد.<sup>j</sup> در این روزها وای به حال زنانی که باردار باشند و آنانی که شیر دهند!<sup>k</sup> نیایش کنید که این در زمستان فرا نرسد.<sup>۱۹</sup> زیرا این روزها آن چنان مصیبت خواهند بود که از آغاز آفرینش که خدا آفریده تاکنون نظیر نداشته<sup>z</sup> و دیگر فرا نخواهد رسید.<sup>۲۰</sup> و اگر خداوند این روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ آفریده‌ای<sup>a</sup> نجات نمی‌یافتد، امّا به خاطر برگزیدگانی که برگزیده، این روزها را کوتاه کرده است<sup>b</sup>.<sup>۲۱</sup> و آنگاه اگر کسی به شما بگوید: بنگر، مسیح اینجا است! بنگر، وی آنجا است، باور نکنید.<sup>۲۲</sup> زیرا مسیح‌های دروغین<sup>c</sup> و پیامبران دروغین قیام نهادند کرد که نشانه‌ها و کرامات خواهند نمود تا اگر ممکن باشد برگزیدگان را گمراه کنند.<sup>۲۳</sup> پس شما مواطن باشید: همه را از پیش برایتان گفته‌ام.

- دان ۱:۱۲.

- تحت اللطفی: «هیچ تنی» یا «هیچ جسمی» که اصطلاح مختص زبان عبری است.

- ر. ک. مت ۲۲:۲۴ توضیح i.

- ر. ک. مت ۲۴:۲۴ توضیح j.

- اش ۱۰:۱۳؛ ۴:۳۴ ترجمه یونانی هفتاد تنان.

- دان ۱۳:۷؛ عیسی به وسیله همین من از دانیال به داوری کنندگان خود پاسخ خواهد داد (مر ۶۲:۱۴). در عهد عتیق ابر نشانه‌ای از حضور الهی بود (خروج ۳:۲۴؛ اعد ۲:۱۶؛ لاو ۵:۱۱؛ اعد ۲:۲۵) و پسر انسان شخص آسمانی است (ر. ک. مت ۸:۲۰ توضیح w).

- ر. ک. مت ۲:۳۳ توضیح p.

- ر. ک. مت ۲۴:۲۳ توضیح g.

- عبارت «این همه» لزوماً مربوط به واقعه تاریخی معینی نظیر ویرانی معبد نمی‌باشد، بلکه گستره وسیع تری را شامل می‌شود. در آن دوران چندین نسل از بیهودیان در انتظار پایان قریب الوقوع دنیا زندگی کرده بودند. هنگامی که عیسی در مورد این انتظار سخن می‌گوید (ر. ک. مر ۹:۱ توضیح ۷) افراد خود را به سیک نبوتی و مکافسه‌ای آن دوران بیان می‌کند که در آن، مراحل مختلف جریانهای تاریخی معین نیستند. در اینجا نیز با وجود اینکه این اظهارات مستله‌ای ایجاد می‌کند در روایات عیناً حفظ شده‌اند و حتی در آیه ۳۱ تشدید گردیده و با اظهارات دیگری که متناقض به نظر می‌رسند تأیید شده است (آیه ۳۲).

آمد: دیر وقت، یا نیمه شب، یا به بانگ  
خروس، یا بامداد.<sup>۳۶</sup> مبادا ناگهان سر  
برسد و شما را خفته یابد! آنچه به شما  
می‌گوییم، به همه می‌گوییم: بیدار باشید!<sup>۳۷</sup>

**توطئه علیه عیسی**  
(متی ۱:۲۶-۵؛ لوقا ۲۲-۱: ۲-۱؛  
یوحنا ۱۱: ۴۷، ۴۹، ۵۳)

<sup>۱</sup> دو روز به جشن گذر و فطیر<sup>k</sup>  
**۱۴** مانده بود و کاهان اعظم<sup>۱</sup> و کاتبان  
در صدد می‌بودند که چگونه وی را به حیله  
دستگیر کرده بکشند.<sup>۲</sup> زیرا می‌گفتند: «نه  
به هنگام جشن، و الا ممکن است آشوبی از  
سوی قوم در گیرد.»<sup>m</sup>

مت:۵:۱۸؛ ۱۷:۱۶؛ ۱-تسا:۵:۱  
لو:۲-۱:۶؛ ۳۲ ااما در باره این روز یا  
این ساعت هیچ کس آن را نمی‌داند، نه  
فرشتگان در آسمان، و نه پسر، مگر پدر.<sup>۱</sup>

**بیدار باشید**  
(مت:۴:۲۵؛ ۴۲:۲۴؛ ۱۵-۱۳: ۲۵؛  
۱۲: ۳۸-۳۶؛ ۱۹: ۱۲-۱۳)

<sup>۳۳</sup> مواظب و هوشیار باشید زیرا  
نمی‌دانید آن لحظه کی خواهد بود.  
<sup>۳۴</sup> مانند مردی است که به سفر رفت. چون  
خانه خود را ترک می‌کرد، برداشتن، هر  
یک را مطابق کارش قدرت داد و در بان  
دستور داد بیدار باشد.<sup>۳۵</sup> پس بیدار باشید  
زیرا نمی‌دانید خداوند خانه کی خواهد

۱- کلمه «پسر» که به صورت مطلق در مورد عیسی و در برابر «پدر» بکار برده شده در انجیل نظیر فقط در اینجا و در  
مت:۱۱: ۲۷؛ ۳۶: ۲۴ (ر.ک مت: ۳۶: ۲۲؛ لو: ۱۰: ۲۰) آمده است. این موضوع را می‌توان با موردی که عیسی به خدا «ابا» خطاب کرده  
و باری می‌طلبید مقایسه کرد (مر: ۱۴: ۳۶ توضیح<sup>۸</sup>) یا در مثل باغبانان آدمکش که خدمتگزاران از فرزند مالک متمایز  
نمی‌باشد (مر: ۱۲: ۷-۶ و متن موافق). اما درباره اظهاراتی که در آیه ۳۲ آمده و از محدودیت علم عیسی صحبت می‌کند،  
آن هم در مسئله‌ای که در آن دوران اهمیت داشته مشکل بتوان این اظهارات را منسوب به جمیعت مسیحیان دانست که خواسته  
باشند سخنانی را که در آیه ۳۰ آمده تصحیح نمایند. از دیدگاه ادبیات مکافسه‌ای یهودیان آن دوران نیز تنها خدا تاریخ  
آخرت را معین می‌کند. عیسی در این باره و نیز درباره حقایق دیگر به روشنی بر اقتدار خاص خدا تأکید می‌کند (ر.ک.  
مر: ۱۰: ۲۷، ۲۷، ۱۸: ۱۴؛ ۴۰: ۱۴).

۲- به نظر مرقس این آموزش که فقط به چند نفر از شاگردان داده شده برای تمام جامعه مسیحیان اهمیت دارد مخصوصاً دستوری  
که گفته شده دائماً بیدار و هوشیار باشند.

۳- کلمه «گذر» ترجمه واژه عبری «پسخا» است که در زبان عربی «فصح» گفته می‌شود و معنی آن «جشن گرفتن، پایکوبی  
کردن و گذر کردن» است. منشأ عید گذر از مردمان گله دار بود که غذای اصلی شان گوشت (بره) بود اما عید فطیر از  
کشاورزان نشأت گرفته که غذای اصلی شان نان بود. این دو عید چنان با هم ارتباط داشتند که درواقع یکی شده بودند (ر.ک.  
تث:۶: ۸-۱: ۱). بر طبق رسوم متدال در اورشلیم در بعد از ظهر روز چهاردهم ماه نیسان (اولين ماه تقویم یهودیان که تقریباً در  
حدود ماه فروردین است) یعنی پس از اعتدال بهاری در شب پدر کامل ماه یهودیان بره‌ها را در معبد ذبح می‌کردند و شب  
آنها را در داخل شهر در میان خانواده یا در گروههای ده‌الی بیست نفری صرف می‌نمودند (خروج: ۱۲: ۱-۱۴). ضبطاً از همان  
شب چهاردهم ماه هر گونه خمیر مایه‌ای را از خانه‌ها دور می‌کردند و در مدت هفت روز نان فطیر می‌خوردند (خروج: ۱۲: ۱۵-۲۰).  
۴- قوم اسرائیل بدین وسیله خروج از مصر و آزادی خود را در ایام گذر بزرگ جشن می‌گرفت و از نعمت‌های خدا یاد  
می‌کرد و در ضمن در انتظار نجاتی بود که مسیح موعود بایستی بیاورد. این جشن بزرگترین جشن سال بشمار می‌آمد و به مانند  
جشن پنجاهه و جشن خیمه‌ها تعداد زیادی از زائران را به اورشلیم جلب می‌کرد.

۵- ر.ک مت: ۳: ۶ توضیح<sup>a</sup>.

۶- ترجمه دیگر: «مبادا در مدت جشن آشوبی در میان قوم پدید آید.»

از پیش بدن مرا برای تدفین معطر کرده است.<sup>t</sup> آمین به شما می‌گویم: هر جا در سراسر جهان<sup>u</sup> انجیل ندا داده شود، آنچه مت ۱۴:۲۴ می‌گوییم این زن کرده است نیز به یاد او، بازگو خواهد شد.

### خیانت یهودا

(متی ۱۴:۲۶؛ لوقا ۲۲:۶-۳)

۱۰ و یهودای اسخربیوطی<sup>v</sup>، یکی از آن دوازده، نزد کاهنان اعظم رفت تا او را به ایشان تسلیم کند. ۱۱ آنان با شادی او را شنیدند و عده کردند به او پولی بدهند. و او در صدد می‌بود که چگونه در وقت مناسب وی را تسلیم کند.

### تهیه سفره جشن گذر

(متی ۱۷:۲۶؛ لوقا ۲۲:۷)

۱۲ و اولین روز فطیر وقتی [بره جشن]<sup>w</sup> گذر<sup>x</sup> را ذبح می‌کردند شاگردانش به وی

### تدهین در بیت عنیا

(متی ۱۲:۲۶؛ یوحنا ۱:۸-۱۳)

ر. ک لوقا ۷:۳۶-۳۸)

<sup>۳</sup> و هنگامی که در بیت عنیا در خانه شمعون جدامی<sup>y</sup> می‌بود، چون بر سر سفره بود<sup>۰</sup>، زنی با شبشه عطرستبل ناب بسیار گرانبها<sup>p</sup> آمد و شبشه عطر را شکسته آن را بر سر او ریخت.<sup>۴</sup> در میان ایشان کسانی بودند که برآشافتند: «چرا این عطر تلف شد؟<sup>۵</sup> زیرا می‌شد این عطر را بیش از سیصد دینار<sup>q</sup> فروخت و به درماندگان داد.» و با او تنید می‌کردند.<sup>۶</sup> عیسی گفت: «او را واگذارید. چرا ناراحتش می‌کنید؟ کار نیکی<sup>r</sup> بر من انجام داده است.<sup>۷</sup> در واقع، همواره درماندگان را با خود دارید و هر وقت بخواهید می‌توانید به آنان نیکی کنید، اما همیشه مرا ندارید!<sup>s</sup> <sup>۸</sup> او آنچه را می‌توانست، انجام داده است:

- ر. ک مت ۶:۲۶ توضیح q. شمعون جدامی ممکن است قبلاً جدام داشته و پس از بهبودی این لقب بر او مانده باشد.  
o- تحت اللفظی: «بر سر سفره دراز کشیده بود.» (در مهمنیهای رسمی مهمانان به رسم و عادت کهن به پهلو دراز می‌کشیدند).  
p- روغن معطری که از برگهای سبل کوهی می‌گرفتند که در دامنه کوههای هیمالیا می‌روید. در مورد شبشه عطر ر. ک لو ۷:۳۷ توضیح b.

q- «دینار» که گاهی به «سکه نقره» ترجمه می‌شود و این مبلغ برابر مزد سیصد روز یک کارگر کشاورزی بوده است (ر. ک مت ۳۷:۶ توضیح t). چون این عطر بسیار گرانبها بود در آن را با درپوش نیسته بود، بلکه آن را جوش زده بودند و از این روز است که می‌بینیم آن زن شبشه عطر را می‌شکند و همه آن را می‌ریزد. طبق معمول آن زمان، این گنج گرانبها را برای وقت نیاز نگهداری می‌کردند.

r- ر. ک مت ۱۰:۲۶ توضیح s. عیسی در برابر صدقه دادن، کار نیک دیگری قرار می‌دهد که در دین یهود توصیه می‌شود و عبارت از خاکسپاری مردگان است (ر. ک ۱:۱۶).

s- در متن یونانی، این افعال در زمان حال می‌باشند که در ضمن ممکن است معنی زمان آینده را داشته باشند، به این ترتیب همواره ارزشی کنونی سخنان عیسی را بیان می‌نمایند (ر. ک آیه ۹: مر ۲:۲۰).

t- عیسی عمل آن زن را با فاجعه‌ای که در پیش است ارتباط می‌دهد و مسلمان<sup>۹</sup> مرقس به همین سبب این قسمت را در آغاز روایت‌های مربوط به رنج و مرگ عیسی اورده است. آن زن فقط می‌حواسته به عیسی ادائی اخترام کند (ر. ک لو ۴:۴۶-۴۶) و مرقس تأکید می‌نماید که مفهوم این تدهین با رنج و مرگ و رستاخیز عیسی روشن می‌شود ر. ک یو ۷:۱۲.

u- ر. ک مر ۱:۱ توضیح a:۸ توضیح s:۱۰ توضیح t:۲۹:۳۵. در اینجا علاقه مرقس به ندا دادن انجیل به خوبی تشخیص داده می‌شود و هدف از این ندا شناساندن عمل نجات بخش عیسی مسیح به ایمان افراد می‌باشد. ضمناً نظر به اینکه رفتار این زن به رنج و مرگ و رستاخیز عیسی مربوط می‌شود بنابراین جزو بشارت انجیل بشمار می‌آید.

v- ر. ک مر ۱:۳ توضیح w. روزی که یهودیان بره‌ها را ذبح می‌کردند و هر نوع خبر مایه را از خانه بیرون می‌انداختند، اولین روز جشن به شمار می‌آمد و اگر این طور محاسبه شود که در مدارک دیگر هم تأیید شده جشن مدت هشت روز طول می‌کشید و روز ۱۴ نیسان روز تهیه و ندارک به حساب می‌آید، ر. ک مر ۱:۱۴ توضیح k.

**خائن بر سر سفره**  
**(متی: ۲۶: ۲۰-۲۵؛ لوقا: ۲۲: ۱۴؛**  
**یوحنا: ۱۳: ۲۱-۳۰)**

<sup>۱۷</sup> و شامگاه فرا رسید و با آن دوازده می آید.<sup>۱۸</sup> و چون بر سر سفره بودند و می خوردند، عیسی گفت: «آمین به شما می گویم که یکی از شما مرا تسليم خواهد کرد، آن که با من [غذا] می خورد.<sup>b</sup>

<sup>۱۹</sup> ایشان اندوهگین شده و یکی پس از دیگری شروع به گفتن به او کردند: «آیا من باشم؟»<sup>c</sup> به ایشان گفت: «یکی از دوازده [تن] آن که [لقمه] را با من در سینی خیس می کند.<sup>d</sup> <sup>۲۱</sup> البته پسر انسان، همان طور که در باره وی نوشته شده است می رود، اما وای بر انسانی که پسر انسان به وسیله او تسليم می شود! برای چنین انسانی بهتر بود که زاده نمی شد!

گفتند: «کجا می خواهی تدارک ببینیم تا [بره جشن]<sup>x</sup> گذر را بخوری؟»<sup>۱۳</sup> و دو تن از شاگردان خود را فرستاده به ایشان می گوید: «به شهر بروید و مردمی که حامل کوزه آب است<sup>y</sup> در برابر تان پدیدار خواهد شد. به دنبال او بروید<sup>۱۴</sup> و به هر جا که او وارد شود، به صاحب خانه بگوئید: استاد می گوید اتاق من<sup>z</sup> کجاست که در آنجا [بره جشن]<sup>۱۵</sup> گذر را با شاگردانم بخورم؟ و او در بالاخانه<sup>a</sup> اطاقی بزرگ مفروش کاملاً آماده به شما نشان خواهد داد، در آنجا برای ما تدارک ببینید.<sup>b</sup> <sup>۱۶</sup> و شاگردان رفتند و به شهر آمده آنچه به ایشان گفته شده بود، همان گونه یافتند و [جشن]<sup>c</sup> گذر را تدارک دیدند.

X- طرز خطاب شاگردان به عیسی طوری است که گویی رئیس خانواده یا رئیس گروهی می باشد که ضیافت شام جشن گذر را برگزار می نماید. زائران می باشند تالاری در شهر بیدا کنند، از این رو مرقس تصور می کند که آخرین شام عیسی همان شام جشن گذر بوده ولی اشاره ای به خوردن سبزیجات تلخ و بره که از مختصات این شام می باشد نکرده است. اما بنابر نوشته یوحنا یهودیان اورشلیم در آن سال شام جشن گذر را در شب مرگ عیسی صرف کرده بودند (یو: ۱۸: ۲۸؛ ۱۹: ۱۴؛ ۳۱، ۳۱-۴۲)، به این ترتیب امکان دارد وقایع مذکور به چند صورت روی داده باشد:

۱- عیسی برگزاری مراسم یهودیان را یک روز زودتر انجام داده ولی چون چنین جزیی مرسوم نبود مشکل بتوان این فرض را تأیید نمود. ۲- به بسب اختلاف تقویم مذهبی (که مثلاً در مدارک مکشوفه در مقران تأیید شده است) عیسی جشن گذر را در تاریخی غیر از یهودیان اورشلیم برگزار کرده ولی نمی توان گفت رسم فرقه قیران در بین یهودیان و در اورشلیم تا چه حد رواج داشته است. ۳- آخرین شام عیسی در انتظار مرگی که به وسیله آن مفهمو شد گذر یهودیان در زمان خروج به تحقق می بیوست (یو: ۳۶: ۳؛ قرن ۵: ۷). در نتیجه شکل و شمایل شام جشن گذر را گرفته است. به هر صورت هر کدام از فریضه ها پذیرفته شود این شام مانند غذای زائران بوده و در شرایط و محیطی جشن برگزار شده است که یادآور آزاد شدن یهودیان از مصر و مهد خداوند بر کوه سینا بوده و انتظار آمدن مسیح موعود را زنده می کرده است (ر. ک آیات ۲۴-۲۵).

y- می توان این سؤال را مطرح کرد که آیا این موضوع علامتی از پیش تعیین شده بود؟ زیرا معمولاً زنان برای بردن آب می رفتند. z- می توان گفت: «اتفاقی که از آن من است» یا به احتمال بیشتر: «اتفاقی که من احتیاج دارم».

a- ر. ک لو ۲۰: ۱۲؛ اع ۱۳: ۱؛ ۳۹، ۳۷: ۹؛ ۲۲: ۲۲. b- مز ۹: ۴۱.

c- این عبارت نیز بادآور مزمور ۴۱ است. هر یک از مهمانان با دست غذای خود را از ظرف مشترک بر می داشت. d- درباره خیانت نسبت به پسر انسان نمی توان مستقیماً به هیچ یک از متون عهد عتیق استناد کرد. شاید اشاره به نوشته های مقدس به طور کلی مربوط به مزمور ۴۱ است که قبلًا ذکر شد (ر. ک لو ۲۰: ۱۲؛ ۲۲: ۲۲ «برابر آنچه مقرر است») و به وسیله یو ۱۳: ۱۸ به یهودا منسوب گردیده است.

گفت: «همه شما دچار لغزش خواهید شد<sup>k</sup>، زیرا نوشته شده است: شبان را خواهم زد و گوسفندان پر اکنده خواهند شد<sup>l</sup>; اما پس از آنکه قیام کردم، پیش از شما به جلیل خواهی رفت.»<sup>m</sup> پطرس به او گفت: «حتی اگر همه دچار لغزش شوند، لااقل من نخواهیم شد»<sup>n</sup> و عیسی به او گفت: «آمین به تو می‌گوییم، تو امروز، امشب پیش از آنکه خرس دو بار بانگ زند<sup>o</sup> سه بار مرا انکار خواهی کرد.»<sup>p</sup> اما او به تأکید می‌گفت: « حتی اگر باید با تو بمیرم، خیر<sup>q</sup> تو را انکار نخواهم کرد» و همه همین را می‌گفتند.

### در جتسيمانى

(متى ۲۶: ۴۶-۳۶؛ لوقا ۲۲: ۴۶-۴: ۲۲)

و به ملکی به نام جتسيمانى<sup>۰</sup> می‌آيند و به شاگردان خود می‌گويد: «در مدتى که نيايش می‌کنم اينجا بنشينيد.»<sup>۱</sup> و پطرس

### برپائى آئين سپاسگزارى

(متى ۲۶: ۲۹-۲۶؛ لوقا ۲۲: ۱۵-۲۰)

### اول قرنتيان ۱۱: ۲۶-۲۳

و چون غذا می‌خوردند، نان را گرفته برکت داده آن را پاره کرد و به ايشان داد و گفت: «بگيريد، اين تن من است.<sup>e</sup><sup>f</sup> جامي گرفته، شکرگزاری کرده آن را به ايشان داد و همه از آن نوشيدند.<sup>g</sup> و به زک: آنان گفت: «اين خون من است، [خون]<sup>۲۰:۹</sup> پيمان<sup>f</sup> که برای بسياري ريخته می‌شود.<sup>h</sup> آمين به شما می‌گوییم، ديگر از محصول تاک نخواهم نوشيد تا روزی<sup>h</sup> که آن را در ملکوت خدا<sup>i</sup> تازه بنوشم.»

### اعلام انكار پطرس

(متى ۲۶: ۳۵-۳۰؛ لوقا ۲۲: ۳۴-۳۳)

### يوحنا ۱۳: ۳۸-۳۷

و پس از خواندن سرود<sup>j</sup> به سوی کوه زيتون بيرون رفتند.<sup>۲۷</sup> و عيسى به ايشان

e- ر.ک مت ۲۶: ۲۶ توضيح h و i.

f- اصطلاح «خون پيمان» مربوط به خروج ۸: ۲۴ می باشد.

g- ر.ک مت ۰: ۴۵ توضيح f: مت ۲۸: ۲۶ توضيح j.

h- يعني روز آخر.

i- در اينجا ملکوت خدا به وسیله ضيافت مسيحائی نشان داده شده است (ر.ک اش ۴: ۲۵؛ لو ۱۳: ۲۸ توضيح z: مکا ۹: ۱۹). به خاطر اينكه بعضی از اثرات شراب بر انسان (خشحالی، صبیمیت، راستی، گشاده روئی...) با شمرات روح القدس در قلب ايمانداران شباهت دارد، در اينجا می توان اين طور تصور نمود که اشاره اى به روح القدس دارد.

j- منظور مزامير ۱۱۸-۱۱۵ است که به عنوان شکرگزاری در پايان شام جشن گذر با آواز می خوانند. اين مزامير بخش دوم از مجموعه مزاميری به نام «هلل» هستند که با هاللويا يعني «خداؤند را ستایش کنید» آغاز می شود.

k- در مورد اصطلاح «لغزش» ر.ک مت ۵: ۲۹ توضيح c: ۳۱: ۲۶ توضيح n.

l- ر.ک زک ۱۳: ۷-۷ توضيح m- ترجمه ديگر: «شما را به جلیل راهنمایی خواهیم کرد» این سخنان اميد بخش که با اعلام بى وفائی شاگردان متناقض است نشان می دهد که بار ديگر به دور هم جمع خواهند شد. بنابه نوشته مرقس، عيسى ابتدا در جلیل ظاهر شده بود (ر.ک مر ۱: ۱۴) و هم در آنجا است که پس از برخاستن از مرگ ظاهر خواهد شد (مر ۱۶: ۷: ۱۶، ۱۰، ۷: ۲۸، ۳۲: ۲۶؛ ر.ک مت ۲۶: ۱۶، ۱۰: ۲۱).

n- اين جمله را می توان به معنی تحت اللفظی تعبیر نمود: «پیش از آنکه خرس داشته باشد دو بار بخواند (يعني خيلي سريع)» يا اينكه ضرب المثلی به معنی «پیش از سپیده صبح» باشد.

o- اين نام به معنی «چرخشیت روغن گيری» است.

۴۰ و باز آمده، ایشان را خفته یافت زیرا چشمانشان سنگین شده بود و نمی دانستند چه جوابی به او دهند.<sup>۳۱</sup> و برای بار سوم آمده به ایشان گفت: «باز هم می خوابید و استراحت می کنید!<sup>۳۲</sup> کافی است». ساعت رسیده است. اینک پسر انسان به دست گناهکاران تسلیم می شود.<sup>۳۳</sup> قیام کنید! برویم! اینک آن که مرا تسلیم می کند بسیار نزدیک است.»

### دستگیری عیسی (متی ۲۶:۴۷-۵۶؛ یوحا ۱۱:۲-۱۸؛ لوقا ۲۲:۴۷-۵۳)

۴۳ و همان دم، هنگامی که هنوز سخن می گفت یهودا یکی از دوازده [تن] پیش می آمد و با او جمعیتی با دشنه ها و

و یعقوب و یوحنا<sup>P</sup> را با خود برداشته و احسان حیرت و اضطراب در او آغاز شد. ۴۴ و به آنان گفت: «جانم تا به حد مرگ غمگین است<sup>۹</sup>، اینجا بمانید و بیدار باشید.»<sup>۳۵</sup> و اندکی پیش رفته، به حاک افتاد و نیایش می کرد تا اگر ممکن باشد این ساعت<sup>۱۰</sup> از وی بگذرد.<sup>۳۶</sup> و می گفت: «آبا!<sup>۸</sup> پدر! همه چیز برای تو ممکن است، این جام<sup>۱</sup> را از من دور کن! اما نه آنچه من می خواهم، بلکه آنچه تو [می خواهی].»<sup>۳۷</sup> و آمده آنان را خفته یافت و به پطرس گفت: «شمعون<sup>۱۱</sup>، خوب هستی! نتوانستی یک ساعت بیدار بمانی!<sup>۳۸</sup> بیدار باشید و نیایش کنید تا در وسوسه وارد نشوید.<sup>۷</sup> روح راغب است اما تن ضعیف.<sup>۸</sup>»<sup>۳۹</sup> و باز رفته نیایش کرد، همان سخن را گفت.

p- در اینجا هم این سه شاگرد عیسی به عنوان شاهدان معرفی شده اند (ر.ک ۳۷:۵؛ ۲:۹؛ ۳:۱۳). به این ترتیب مرقس نشان می دهد که این صحنه پایانی اهمیت خاصی دارد، صحنه ای که در آن استاد و اطراقیانش مجددًا جمع شده اند و لی اختلاف بین وضعیت و رفتار عیسی و شاگردان آشکار می شود.

q- ر.ک مز ۶:۴۲؛ «روح من» یعنی «خود من و تمامی وجود من». در مورد «تا به حد مرگ» ر.ک یون ۹:۴ یونانی.

r- این کلمه فقط برای تعیین زمان نیست بلکه محتوای آن «ساعت» را می رساند که نزدیک می شود و ساعت رنجها و صلب است. همین معنی برای کلمه: «جام» در آیه ۳۶ (ر. ک یو ۲:۱۲؛ ۱:۱؛ ۲:۲۷) ساعت به تحقق پیوستن مشیت خدا است.

s- در زبان آرامی این کلمه در مورد پدر کسی است که سخن می گوید یا درباره او حرف می زند و هرگز در نیایش یهودیان این کلمه به معنی خدا بکار برده نمی شود. مسیحیان به پیروی از عیسی و مانند او به همین گونه به خدا خطاب می کنند (ر.ک لو ۲:۲ توضیح z؛ روم ۱۵:۸ توضیح z؛ غال ۶:۴).

t- ر.ک مر ۱۰:۳۸ توضیح a.

u- در اینجا معلوم است عمدًا نام شمعون بکار برده شده در صورتی که پطرس پیش از آنکه شاگرد عیسی شود چنین نامیده می شد زیرا نتوانسته به خاطر مسیح که در آستانه مرگ است بیدار بماند و این امر در شان شاگردی چون پطرس نیست.

v- ر. ک مت ۱۳:۶ توضیح d؛ لو ۱۱:۴.

w- تقابل روح و تن را نباید به مفهومی که پولس نوشه در کرد (مخصوصاً انسان جسمانی در برابر روح خدا، ر.ک روم ۱:۳ توضیح g؛ ۹:۱ توضیح o) یا چنان که یونانیان تصور می کردند (عنی جسم را در مقابل روح می گرفتند) بلکه به مفهومی که در بعضی از متون یهودی آن دوره تشریح شده است بدین معنی که خدا در وجود آدمی روحی نهاده است که متوجه به سوی نیکی است ولی در عین حال انسان کاملاً تن است زیرا از گناه تبعیت می نماید. ضمناً انسان به دو قسم تقسیم نشده که یکی خوب و دیگری بد باشد بلکه تمام وجود انسان در کشاکش بین این دو نیرو قرار دارد.

x- این دستور ممکن است بدین مفهوم بوده: «دیگر لازم نیست بیدار بمانید» ولی احتمالاً تا اندازه ای جنبه سخریه دارد. ترجمه دیگر: «شما الان می خوابید و استراحت می کنید» یا اینکه: «آیا می خوابید و استراحت می کنید؟»

y- ترجمه دیگر: «پایان فوری است» فعلی که در زبان یونانی در اینجا بکار رفته با توجه به مدارک غیر مذهبی که از آن دوران وجود دارد (بر روی کاغذ پایپروس) چنین معنی می دهد: تسویه شده، پرداخت شده (البته در صورتی که در مورد صورت حسابی باشد). بعضی از مترجمان این جمله را «بس است» ترجمه کرده اند. ولی این عبارت را با توجه به « ساعتی» که خدا

دنبال می کرد درحالی که ملافه ای بر بدن  
برهن خود انداخته بود. و او را دستگیر  
می کنند.<sup>c</sup> اما او ملافه را رها کرده، برhen  
گریخت.<sup>d</sup>

**عیسی در برابر سانهدرین**  
(متی:۲۶-۵۷؛ ۶۸-۵۴؛ لوقا:۲۲-۵۵،  
۱۸-۷۱؛ یوحنا:۱۸-۱۲)

<sup>e</sup> و عیسی را نزد کاهن اعظم برند و  
همه یعنی کاهنان اعظم، مشایخ و کاتبان  
گرد می آیند.<sup>f</sup> و پطرس از دور وی را تا  
درون، تا حیاط [خانه] کاهن اعظم دنبال  
کرده بود و او با محافظان نشسته در کنار  
آتش<sup>e</sup> خود را گرم می کرد. <sup>g</sup> کاهنان اعظم  
و همه سانهدرین در پی شهادتی علیه عیسی  
برای کشتن او می بودند و نمی یافتد!<sup>f</sup>  
<sup>h</sup> زیرا بسیاری به دروغ علیه وی شهادت  
می دادند و شهادتها با هم تطبیق نمی کرد.<sup>g</sup>  
<sup>i</sup> و برخی برخاسته علیه وی شهادت دروغ

چماق ها که از سوی کاهنان اعظم و کاتبان  
و مشایخ<sup>j</sup> می آمدند.<sup>k</sup> آن کس که او را  
تسلیم می کرد به آنان علامتی داده گفته بود:  
«هر که را بوسه ای زنم<sup>a</sup> همان است: او را  
دستگیر کنید و با اطمینان او را ببرید.»<sup>l</sup>  
<sup>l</sup> و همان دم که رسید، به سوی وی  
نزدیک شده گفت: «ربی!» و او را  
بوسه ای طولانی زد.<sup>m</sup> آنان دست بر او  
دراز کرده دستگیرش کردند.<sup>n</sup> کسانی که  
آنجا ایستاده بودند، یکی دشنه را کشیده به  
برده کاهن اعظم زد و لا اله گوش را ببرید.<sup>o</sup>  
<sup>o</sup> و عیسی شروع به سخن کرده به آنان  
گفت: «همچون بر ضد یک راهزن<sup>b</sup> برای  
گرفتن من با دشنه ها و چماق ها آمده اید!<sup>c</sup>  
لو:۳۷:۱۹؛ ۳۷:۲۱ من هر روزه در معبد نزد شما بودم،  
آموزش می دادم و شما مرا دستگیر نکردید  
اما این برای آن است که نوشته های  
[قدس] به تحقق رسد.»<sup>d</sup> و همه او را  
زک:۱۳:۷؛ ۳۲:۱۶ ترک کرده گریختند.<sup>e</sup> و مرد جوانی وی را

مقرر کرده بهتر می توان توضیح داد. عیسی خود را به اراده پدرش تسلیم نموده و می داند ساعت به معنی شروع زمان آخر فرارسیده است (آیات ۵۳، ۴۱).

- سه طبقه از کسانی که در سانهدرین نمایندگی داشتند (ر. ک ۳۱:۸ توضیح ۱).

- این عمل نوعی سلام معمول بین شاگرد و استاد بوده است.

- ر. ک مت ۵۶:۵۵ y

- تنها مرقس این واقعه را ذکر کرده است. بسیاری تصور می کنند این حادثه جزیی که ظاهراً به صورت شرح حال خود نوشته شده مربوط به شخص انجیل نگار می باشد که مادرش در اورشلیم خانه داشت (اع:۱۲:۱۲). به هر صورت این شخصیت ناشناس شاید تصویری از شاگردی باوفا است که سعی می کند به دنبال استاد برود.

- d- یعنی اعضای دادگاه عالی یهود (سانهدرین) (ر. ک آیات ۴۳ و ۵۵).

- e- تحت اللفظی: «در روشنایی» یعنی شعله آتش. در اینجا اشتباه ممکن است در ترجمه از عربی باشد بدین معنی که در نوشته های عربی، حروف صدادار نوشته نمی شود و بنابراین می توان این کلمه را یا «اُر» تلفظ کرد که به معنی روشنایی است یا «اور» که به معنی آتش است.

- f- مرقس این اجتماع را به عنوان جلسه رسمی دادگاه عالی یهود ارائه می نماید که تصمیم گرفته است موضوع را با محکوم کردن به مرگ خاتمه دهد. ضمناً از احضار شهود چنین بر می آید که می خواهند مقررات قضایی در این دادرسی رعایت گردد.

- g- تحت اللفظی: «برابر نمی بودند» بدین معنی که یا شهادت ها با یکدیگر تطبیق نمی کردند (ر. ک دان ۱۳:۴۸-۶۱) یا اینکه با واقعیت تطبیق نداشتند.

- h- مرقس در مورد شهود دروغین اصرار می نماید (ر. ک آیه ۵۹). ممکن است ریشه این اتهام سخنی نظری آنچه در مر ۲:۱۳ آمده است باشد و دوباره به هنگام مصلوب شدن عیسی طبیعت انداز خواهد شد (ر. ک ۱۵:۲۹؛ اع:۶:۲۹؛ ۲۰:۲؛ ۱۴:۶) یا این سخن را به جسم مسیح که قیام کرده است منسوب می نماید). ر. ک مت ۶۱:۲۶ توضیح b.

به نظر تان چه می رسد؟» همه اظهار کردند  
که وی مستوجب مرگ است.<sup>۶۵</sup> و برخی  
شروع به آب دهان انداختن بر او کردند،  
چهرہ او را پوشانده سیلی زده بگویند:  
«پیامبری کن!» و محافظان ضربات زیادی  
بر او وارد ممکن کردند.

انکار پطرس (متی ۲۶:۸۵-۶۹؛ لوقا ۲۲:۵۶-۶۲؛ سه جنایات ۱۸:۵۵-۵۷)

۶۶ و هنگامی که پطرس پائین، در حیاط بود، یکی از کنیزان کاهن اعظم می‌آید.  
۶۷ و چون پطرس را دید که خود را گرم می‌کرد، در او نگریسته گفت: «تو نیز با این ناصری، عیسی می‌بودی.»<sup>۶۸</sup> ولی او انکار کرده گفت: «نمی‌دانم و نمی‌فهمم  
چه می‌گوئی» و به سوی دهلیز بیرون آمد و

داده می‌گفتند: «ما خود شنیده ایم که  
گفته است: من این قدس دست ساخته<sup>۱</sup> را  
ناابود خواهم کرد و در سه روز یکی دیگر  
خواهم ساخت که ساخته دست نباشد.»<sup>۲</sup>  
و حتی این چنین، شهادت آنها با هم  
تطبیق نمی‌کرد.<sup>۳</sup> و کاهن اعظم در میان  
برخاسته از عیسی پرسید: «هیچ پاسخی  
نمی‌دهی؟ چیست آنچه این اشخاص علیه  
تو شهادت می‌دهند؟<sup>۴</sup>» وی خاموش  
می‌بود و هیچ پاسخ نداد.<sup>۵</sup> باز کاهن اعظم از  
او می‌پرسید و به او گفت: «آیا تو مسیح  
پسر آن متبارک هستی؟<sup>۶</sup>» عیسی گفت:  
«من هستم<sup>۷</sup> و شما پسر انسان را نشسته به  
راست قدرت خواهید دید چون با ابرهای  
آسمان می‌آید.<sup>۸</sup>» کاهن اعظم جامه‌های  
خود را دریده<sup>۹</sup> گفت: «دیگر چه احتیاجی  
به شهود داریم!<sup>۱۰</sup> شما کفر<sup>۱۱</sup> را شنیدید.

۶۱- «این قدس» بنا بری که فقط مختص به کاهان بوده و مقدس ترین محل معبد بشمار می رفته است. مرقس برخلاف مت

j- تحت اللفظي: «شهادت آنان برابر نمی بود». ر. ک آیه ۵۶ توضیح g.

k- ترجمه دیگر: «یه شهادتهای این اشخاص علیه خود هیچ پاسخی نمی دهی؟»

۱- سکوت عیسی را به گونه های مختلفی تفسیر کرده اند و سکوت خادم رنج دیده در اش ۷:۵۳؛ ۸:۶-۷ را به یاد می آورد نیز ر.ک. مز ۳:۹، ۳:۱۰.

m- می دانیم که یهودیان نمی بایست نام خدا را بر زبان آورند، ر.ک لو ۶۸:۱؛ روم ۲۵:۹؛ ۵:۶-قرن ۳:۱؛ ۱۱:۳-۱؛ افس ۳:۳-۱-بطری ۳:۱.

n- این اعلام، عبارت نوونه‌ای برای مکافته می‌باشد و به نظر مرقس عیسی تصدیق می‌کند که مسیح موعود و پسر خدا است به همان گونه که در آغاز کتاب اعلام شده است (۱:۱). طبق مت ۶۴:۲۶ و لو ۶۷:۲۲ عیسی با رعایت احتیاط بیان کرده به طوری که مخاطبان در پیر ابر سوال خودشان تنها مانده اند.

۰- مز ۱۱:۱؛ دان ۱۳:۷. کلمه «قدرت» صفت خدا است و با بکار بردن آن می توانستند بدون بزبان آوردن نام خدا از او سخن گویند. «با ابرها» اصطلاحی برای متن عبری و بعضی نسخه های دست نوشته یونانی دانیال است. در بعضی نسخه های دست نوشته دیگر یونانی اصطلاح «برابرها» آمده است (ر.ک مت ۶۴:۲۶) ر.ک مر ۱۳:۲۶ توضیع ۵:۱-۱۷:۴.

q- ر. ک مر ۲۸:۳ توضیح ۵. خود را مسیح موعود یا پسر خدا خواندن (به مفهومی که در متون کهن یهود وجود دارد) کفر گفتن به رفتار می‌کند.

شمار نبی امد وی موقعي که از «نشستن به سمت راست خدا» و «امدن (از انسان) با ابرها» سخن می کوید (ر. ک ۱۳: ۲۶). توضیح (e) عبسی ادعای مقام خدایی دارد و ممکن است به اهانت به مقام خدا متهم گردد.

۱- به نظر رأی محکومیت شرعی داده شده است (مت ۶۶:۲۶ صراحت کمتری دارد و لو ۷۱:۲۲ از صدور رأی چیزی نمی گوید). عبارتی که در اینجا بکار رفته با آنچه در ۱۰:۳۳ آمده است اختلاف دارد و نمی توان گفت آیا ممنظور محکومیت به مرگ است با تضمیم به تسلیمه که دن عبسی به نیاط و بقاضی، مرگ او (ر. ک مت ۲۷:۱) توضیح k).

مشايخ و کاتبان یعنی همه [اعضای] سانه‌درين و پس از بستن عیسی، او را بردن و به پیلاطس تسلیم کردند.<sup>۲</sup> و پیلاطس از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» در پاسخ به او گفت: «تو این را می‌گویی.<sup>۳</sup> و کاهنان اعظم او را به بسیاری چیزها متهم می‌کردند.<sup>۴</sup> و پیلاطس از او می‌پرسید: «هیچ پاسخ نمی‌دهی! نگاه کن تو را به این همه متهم می‌کنند!»<sup>۵</sup> اما عیسی دیگر پاسخی نداد.<sup>۶</sup> او در چنان که پیلاطس متعجب می‌شد.<sup>۷</sup> اع۳۲:۸-۱۲؛ ع۶۱:۲

هر جشن یک زندانی را که در خواست می‌کردند آزاد می‌کرد.<sup>۷</sup> باری در زندان، بار ابا نامی بود که همراه توطئه‌گران در شورش مرتکب قتلی شده بود.<sup>۸</sup> و چون جمعیت بالا آمد، شروع به درخواست آنچه برای آنان انجام می‌داد نمود.<sup>۹</sup> پیلاطس به آنان پاسخ داد: «آیا می‌خواهید که پادشاه یهودیان را برایتان آزاد کنم؟»<sup>۱۰</sup> زیرا می‌دانست که کاهنان اعظم از

خروسی بانگ زد.<sup>۱۱</sup> و کنیز با دیدن او باز به کسانی که در آنجا ایستاده بودند، گفت: «این یکی از ایشان است!»<sup>۱۰</sup> اما باز او انکار می‌کرد. و اندکی بعد باز کسانی که آنجا ایستاده بودند به پطرس می‌گفتند: «به راستی تو یکی از ایشانی، وانگهی تو جلیلی هستی.<sup>۱۱</sup> اما او با نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من مردی را که از او حرف می‌زنید نمی‌شناسم.<sup>۱۲</sup> و همان دم برای بار دوم خروسی بانگ زد و پطرس سخنی را که عیسی به او گفته بود به یاد آورد: «پیش از آنکه خروس دو بار بانگ بردارد سه بار مرا انکار خواهی کرد» و به گریه افتاد.<sup>۱۳</sup>

**عیسی در برابر پیلاطس**  
(متی ۲۷:۱۱-۲۶؛ لوقا ۲۳:۵-۵؛ یوحنا ۱۸:۲۸-۲۵؛ ۱۲-۱۹)  
**۱۵** اعظم پس از تشکیل شورا<sup>۷</sup> با

- در بعضی نسخ عبارت «و خروسی خواند» وجود ندارد و ممکن است وجود این کلمات نشانه آن باشد که روایات متعددی در روایت فعلی آدمگشده است.
- متی تصویری کرده که پطرس را از لهجه اش شناختند.
- این فعل را به صورتهای مختلف در ک کرده‌اند، در ترجمه‌های دیگر: «و شروع کرد به»، «فکر کرد به»، «پوشانید (سرشن را)»، «اشک فراوان ریخت».
- مت ۲۷:۱ توضیح k. در بعضی نسخ: «شورائی تشکیل دادند». مرقس در محاکمه در برابر پیلاطس ابتکار را به کاهنان اعظم داده است. (ر.ک آیات ۳، ۱۱).
- ر.ک مت ۱۱:۲۷ توضیح p. در سرتاسر این صحنه مرقس بیشتر از متی و لوقا تأکید می‌نماید که موضوع بحث درباره پادشاهی عیسی است (ر.ک آیات ۹، ۱۲) و پاسخ عیسی با اختیاط کامل بیان می‌شود (ر.ک مت ۲۵:۲۶)، وانگهی طرز رفتار پیلاطس طوری نیست که نشان دهد عیسی اعتراف نموده است.
- چون شکایتها بی که علیه عیسی شده میهم هستند (لو ۳:۲۳، ۵، ۱۴ تعدادی از آنها را نقل کرده است) لذا موضوع پادشاهی عیسی اهمیت یافته و نمایان می‌شود.
- این نکته خاص بیانگر اتفاق مشخص است و نشان می‌دهد که بار ابا یک دزد معمولی نیست بلکه رهبر توطئه بر ضد نیروی اشغالگر رومی بوده است، همان اتهامی که یهودیان متوجه عیسی کرده بودند، ر.ک مت ۱۶:۲۷ توضیح t.
- در بعضی نسخ: «و جمعیت فریاد کشیده شروع به». در مورد این مقررات مرسوم ر.ک مت ۱۵:۲۷ توضیح s. در اینجا نخستین باری است که در روایت رنج و مرگ مسیح مرقس از «توده مردم» سخن می‌کوید. این مردمان که در جریان مباحثات عیسی با مقامات مذهبی اورشلم با عیسی موافق بودند (۱۲:۱۲) اکنون دخالت می‌کنند تا پیلاطس را ملزم نمایند مقررات مرسوم را رعایت نمایند، بدون اینکه دشمنی نسبت به عیسی ابراز کنند. [ فعل «بالا آمد» بیانگر این است که مقر پیلاطس در قصر قدیمی هیرودیس کبیر بوده که بر روی تپه‌ای بنا شده بود.]

فرامی خوانند<sup>۱۷</sup> و آنان به او [خرقه]<sup>a</sup> ارغوانی می‌پوشانند و تاجی از خار که بافته بودند، بر سر وی می‌نهند.<sup>f</sup><sup>۱۸</sup> و شروع به سلام دادن به او کردند: «سلام، ای پادشاه یهودیان!»<sup>۱۹</sup> و با شاخه نی<sup>g</sup> بر سر او می‌زدند و بر وی آب دهان می‌انداختند و زانو زده او را پرستش می‌کردند.<sup>۲۰</sup> و پس از آنکه او را مسخره<sup>h</sup> کردند، [خرقه]<sup>a</sup> ارغوانی را از تنیش درآورد و لباسهای خودش را پوشانیدند.

### تصلیب

(متی:۲۷؛ ۴۴-۳۴؛ لوقا:۲۳؛ ۴۳-۳۶؛ یوحنا:۱۹؛ ۲۴-۱۶)

واز آنجا او را برای مصلوب کردن بردنند.<sup>۲۱</sup> و عابری که از کشتزار بر می‌گشت، شخصی به نام شمعون قیرروانی<sup>i</sup>، پدر اسکندر و روپوس را

حسادت وی را تسليم کرده‌اند.<sup>۱۱</sup> اماً<sup>a</sup> لغ:۱۴:۳؛ ۲۸:۱۳ کاهنان اعظم جمعیت<sup>۲</sup> را تحریک کردنند تا ترجیحاً بارابا را برایشان آزاد کنند.<sup>۱۲</sup> پیلاطس شروع به سخن کرده به آنان می‌گفت: «پس با آن کس که او را پادشاه یهودیان می‌نامید چه کنم؟»<sup>b</sup><sup>۱۳</sup> آنان باز فریاد کشیدند: «مصلوبش کن!<sup>c</sup>»<sup>۱۴</sup> پیلاطس به آنان می‌گفت: «پس چه بدی کرده است؟» آنان بلندتر فریاد کشیدند: «مصلوبش کن!»<sup>d</sup><sup>۱۵</sup> پیلاطس چون می‌خواست مردم را راضی کند بارابا را آزاد کرد و عیسی را تسليم نمود تا پس از تازیانه زدن<sup>d</sup> مصلوب کنند.

### تاج خار

(متی:۲۷؛ ۳۱-۲۷؛ یوحنا:۱۹؛ ۳-۲)

سربازان او را به درون حیاط یعنی به دیوانخانه بردنند و همه دسته<sup>e</sup> را

- در اینجا توده مردم بازیچه کاهنان اعظم هستند.

- در بعضی نسخ: «چه می‌خواهید بکنم؟» مرقس این گفتگو را روایت کرده تا نشان دهد که یهودیان عیسی را به عنوان پادشاه یهود را کردنند (ایه ۱۳) و در عین حال پیلاطس بیهوده کوشش می‌کند او را بی‌گناه اعلام نماید (ایه ۱۴).

- به صلیب کشیدن شکنجه‌ای است که منشاً ایرانی دارد. سپس اهالی کارتاژ آن را اقتیاس کردند و در نزد رومیان

بی‌رحمانه ترین و ننگین ترین کیفر بشمار می‌رفت که برای مجازات دزدی، قتل، خیانت و شورش اعمال می‌شد ولی اهالی روم

از این نوع مجازات معاف بودند. در فلسطین دو هزار نفر که شورش کرده بودند به دستور واروس، حکمران رومی که پس از

هیرودیس کبیر به این مقام منصوب شده بود به صلیب کشیده شدند. در سال ۷ میلادی شخصی به نام یهودای جلیلی به خاطر

شورشی که علیه رومیان به راه اندخته بود به صلیب کشیده شد (ر.ک اع:۳۷:۵). قابل توجه آن است که توده مردم برای

عیسی کیفری تقاضا می‌کند که مختص شورشیان بوده و برای بارابا که شورشی است تقاضای آزادی می‌نماید.

- بنا به رسوم معمول رومیان، محکومان را قبل از مصلوب کردن شلاق می‌زدند. ر.ک ۲۲:۱۶؛ یو:۱۹؛ اع:۵؛ ۴۰.

- «دیوانخانه» در اینجا مثل سربازخانه‌ای است و دسته سربازان عبارت از یک دهم لژیون و شامل ششصد فر برده است ولی شاید نیایستی مفهوم فنی این کلمه را بگیریم و منظور مرقس آن است تمام سربازانی را که در قصر پیلاطس بودند فراخواندند.

- خرقه ارغوانی (که به جای آن پارچه‌ای قرمز بوده)، تاج و تعظیم و زانو زدن مختص پادشاهان بوده است. در این صحنه

تمسخرآمیز، مرقس همچنان موضوع پادشاهی عیسی و مسیح موعود مصلوب را دنبال می‌کند.

- ر.ک میک:۴.

- ر.ک مت ۲۹:۲۷ توضیح d.

- مت ۳۲:۲۷ توضیح e. محکوم بایستی خودش وسیله مجازات و لااقل چوب افقی صلیب را حمل نماید. مسلمان تحلیل قوای

عیسی موجب شد عابری را وادار کنند تا صلیب را حمل کند. نشانه‌ای دال بر این وجود ندارد که شمعون از کار در مزرعه خود

برگشته باشد. توجه به اینکه نام او را تصریح کنند نشان می‌دهد که در کلیسا اولیه پسران او را می‌شناخته‌اند (روم ۱۳:۱۶)

را نجات بده!<sup>۵</sup> »<sup>۳۱</sup> همچنین کاهنان اعظم نیز بین خود با کاتبان او را مسخره کرده می‌گفتند: «کسانی دیگر را نجات داده است، خودش را نمی‌تواند نجات دهد!»<sup>۳۲</sup> مسیح! شاه اسرائیل! حال از صلیب پائین باید تا بینیم و ایمان آوریم» و آنان که با اومصلوب شده بودند به او توهین می‌کردند.

**مرگ عیسی**  
(متی:۲۷:۵۶-۴۵؛ لوقا:۲۳:۴۹-۴۴؛  
یوحنای:۱۹:۲۸-۳۰-۲۸)

<sup>۳۳</sup> و ساعت ششم<sup>t</sup> رسیده، تا ساعت نهم، سراسر زمین تاریک شد.<sup>۳۴</sup> و در ساعت نهم عیسی با صدائی بلند فریاد زد: «الوئی<sup>u</sup>، الوئی لِمَا سَبَقْتَنِی<sup>v</sup>؟» یعنی

وادر کردن صلیب او را برگیرد،<sup>۲۲</sup> و او را به محل «جلجتا» که به معنای «محل جمجمه» است بردند.<sup>۲۳</sup> و در آنجا به او شراب آمیخته به مُر<sup>k</sup> می‌دادند اما آن را نگرفت.<sup>۲۴</sup> و او را مصلوب می‌کنند و لباسهای او را تقسیم می‌کنند، بر آنها قرعه می‌اندازند<sup>۱</sup> [تا بدانند] هر کس چه برگیرد.<sup>۲۵</sup> وقتی وی را مصلوب کردند ساعت سوم بود.<sup>m</sup> <sup>۲۶</sup> و نوشته سبب [محکومیت] او چنین نوشته شده بود: پادشاه یهودیان<sup>n</sup> <sup>۲۷</sup> و با او دوازدهن<sup>۰</sup> را مصلوب می‌کنند، یکی به راست و یکی به چپ.<sup>۲۸</sup> [...] <sup>۲۹</sup> P [...] و عابران سرتکان داده<sup>۹</sup> به او توهین می‌کردن و می‌گفتند: «ای تو که قدس را نابود می‌کنی و سه روزه می‌سازی،<sup>r</sup> <sup>۳۰</sup> از صلیب پائین بیا و خودت

ج- ر. ک مت ۳۳:۲۷ توضیح.<sup>۹</sup>

k- یکی از رسوم یهودیان که در تمودآمده و بر مبنای امث:۶ می‌باشد دادن نوشیدنی مسکن و خواب آور به محکومان است (ر. ک مت ۳۴:۲۷ g ۳۴).

۱- مز:۲۲:۱۹؛ ر. ک یو:۱۹:۲۴. چنین به نظر می‌رسد که با توجه به مطالب مزمور ۲۲ در اینجا موضوع تقسیم لباسها بیشتر از به صلیب کشیدن مورد توجه قرار گرفته است زیرا باقی مانده محکومان معمولاً حق سربازان بوده ولی بنظر انجیل نگار این موضوع بیش از آنکه جنبه روایی داشته باشد از نظر الهیات حائز اهمیت است.

m- «ساعت سوم» یعنی ساعت ۹ صبح. این تعیین ساعت که مختص مرقس می‌باشد ظاهراً جنبه مذهبی دارد. مرقس روایت تصلیب عیسی را با اشاره به سه زمان مخصوص دعای یهودیان (ساعت ۳، ۶، ۹) مشخص می‌سازد (۳۴-۳۳) ر. ک یو:۱۹:۲۴.

n- ر. ک مت ۳۷:۲۷ توضیح.<sup>۱</sup>

o- ر. ک مت ۲۶:۵۵ توضیح.<sup>y</sup>

p- در بعضی نسخه ها چنین آمده است: «و نوشته مقدس به تحقق پیوست که می‌گوید: (و او به شمار بی قانونان گذاشته شد) که نقل قول از اش ۱۲:۵۳ است (ر. ک لو ۲۲:۳۷). این طرز نقل قول با رویه ای که معمولاً مرقس از عهد عتیق استفاده می‌کند تطبیق نمی‌نماید. ضمناً قابل توجه است که در روایت رنج و مرگ مسیح هیچ گونه اشاره روشنی به تصویر خدمتگزار یهوه که در اش ۵۳ آمده نشده است.

q- این اصطلاح مز:۸:۲۲ را به یاد می‌آورد. در اینجا تکان دادن سر حرکتی تحریر آمیز است (مز:۱۰:۹؛ ایوب:۱۶:۴؛ بنسی ۱۸:۲؛ ار:۱۸:۱؛ ار:۱۶:۱). ضمناً کلمه ای که در یونانی آمده و توهین کردن ترجمه شده است به معنای کفر گفتن نیز می‌باشد.

r- ر. ک ۱۴:۵۸ توضیح.<sup>۱</sup>

s- ر. ک مت ۲۶:۶۱ توضیح.<sup>b</sup>

t- تحت اللظی: «در ساعت ششم... تا ساعت نهم» یعنی از ساعت ۱۲ ظهر تا ساعت ۳ بعدازظهر. ذکر این ظلمات در عین ظهر شاید یادآور ماتم پسیگانه طبق عا:۸ می‌باشد. ر. ک خروج ۲۲:۱۰ «تمام زمین» یا «تمام کشور».

u- «الوئی» در زبان آرامی یعنی «الهی» و به احتمال زیاد به خاطر کلمه عبری «الوهیم» است. در انجیل متی «ایلی» نوشته شده که طبق متن اصلی مزامیر و به سبک عبری است. نوشته متی بهتر ایهام بین «ایلی» (خدا) و «ایلیا» نبی را نشان می‌دهد v- این جمله به زبان آرامی و از مز:۲۲ است.

مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشای<sup>c</sup>، و سالومه<sup>d</sup> که وقتی در جلیل می بودند به دنبال او بودند و او را خدمت می کردند و چه بسیاری دیگر که با او به اورشلیم فراز آمده بودند.

### خاکسپاری (متی ۲۷:۵۶-۵۷؛ لوقا ۲۳:۵۰-۵۶؛ یوحنا ۱۹:۳۸-۴۲)

<sup>۴۲</sup> و شامگاه قبلًا فرا رسیده بود چون تدارک [عید] می بود یعنی شب سبت، <sup>۴۳</sup> یوسف رامه ای عضو بر جسته شورا<sup>d</sup> که <sup>e</sup> وی نیز در انتظار فرمانروائی خدا می بود <sup>f</sup> آمد. او با شجاعت نزد پیلاطس وارد شده جسد عیسی را طلبید. <sup>۴۴</sup> پیلاطس تعجب

«خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده ای؟»<sup>۵</sup> و برخی از کسانی که در آنجا ایستاده بودند با شنیدن او می گفتند: «اینک الیاس<sup>w</sup> را فرا می خواند!»<sup>۶</sup> کسی دویده اسفنجی را از سر که<sup>x</sup> خیس کرده و با گذاشت آن بر سر یک نی به وی می داد تا بنوشد و می گفت: «بگذارید، ببینم آیا الیاس برای پائین آوردن وی می آید!»<sup>۷</sup> عیسی، فریادی بلند کشیده<sup>y</sup> در گذشت. <sup>۸</sup> و پرده قدس از بالا تا پائین دو پاره شد.<sup>۹</sup> سنتوریونی که در برابر او می ایستاد چون دید این چنین در گذشته است<sup>a</sup> گفت: «به راستی این مرد پسر خدا<sup>b</sup> بود!»<sup>۱۰</sup> همچنین زنانی بودند که از دور <sup>c</sup>-۲:۸ می نگریستند و در بین آنان مریم مجده لیه و

W- ر. ک مت ۳:۱۷ توضیح: مر ۱۱:۹ توضیح .

X- ر. ک مز ۲۲:۶۹. با تمثیر و آنود می کنند که می خواهند عیسی بیشتر زنده بماند تا ببینند آیا الیاس خواهد آمد. ضمناً این روایت با اشاره به مزمور ۶۹ به الهیات اهمیت می دهد.

Y- به طوری که ملاحظه می شود کلماتی که در انجلی در مورد مرگ عیسی بکار برده شده در منتهای سادگی است: او را مصلوب کردن (آیه ۲۵)، عیسی فریاد زد (آیه ۳۴) و در گذشت (آیه ۳۷).

Z- در این آیه و آیه بعدی اهمیت مرگ عیسی برای تاریخ نجات یادآوری می شود. پرده ای که قدس القداس را می بندد (ر. ک خروج ۳۳:۲۶) یا ورودی معبد را می پوشاند (ر. ک خروج ۳۷-۳۶:۲۶) پاره می شود و این واقعه نشانه امکان دسترسی مستقیم به خدا است (ر. ک عبر ۱۹:۶:۲۰-۱۲-۶:۳:۹) یا بیشگویی پایان وجود معبد است. مرقس به هر چیزی که بیانگر مشارکت غیریهودیان در امر نجات باشد توجه می کند (ر. ک ۱۱:۱۶ توضیح u: ۱۷ توضیح v).

a- برابر برخی نسخه های خطی: «در حالی که چنین فریاد می زد» آنچه موجب تعجب سنتوریون شده طرز در گذشتن عیسی است و اظهار او به نوعی اولین شرمه این مرگ می باشد.

b- پس از یهودیان اکنون در اینجا نوبت به دنیاگی مشرکان رسیده که به وسیله سنتوریون نمایانده شده است. عنوان «پسر خدا» که از زبان و لبهای یک نفر مشرک بپرون آمده است هر مفهومی داشته باشد بنظر مرقس در این سخنان می توان بیان ایمان مسیحیانی را تشخیص داد که از دنیا بیت پرسنی می آیند.

c- بعضی ها ترجمه می کنند: «مریم (زوجه یا دختر) یعقوب کوچک و مادر یوشای<sup>c</sup> ولی با توجه به آیه ۴۷ ترجمه شده است: «مریم [مادر] یعقوب کوچک و یوشای<sup>c</sup>. در مورد یعقوب و یوشای ر. ک مر ۳:۶.

d- «عضو بر جسته شورا» احتمالاً یکی از اعضای سانه درین است. رومیان توجهی به کفن و دفن محکومان نداشتند در صورتی که بالعکس بر طبق قوانین یهود لازم بود محکومان را بیش از غروب آفتاب دفن نمایند (تث ۲۱:۲۲-۲۳:۲۲) در اع ۲۹:۱۳ کفن و دفن عیسی به یهودیان سبیت داده شده و به طوری که از روایت مرقس برمی آید به سبب نزدیک شدن شب و آغاز روز شنبه این موضوع فوریت داشته است (آیه ۴۲).

e- مرقس نوشتene است که یوسف یکی از هاداران عیسی بوده (ر. ک لو ۲۳:۵۱) در صورتی که مت ۲۷:۵۷ و یو ۱۹:۳۸ او را به عنوان یکی از شاگردان عیسی معرفی می کنند.

هفته<sup>h</sup>، در طلوع خورشید بر سر قبر می‌آیند<sup>۳</sup> و به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ ورودی قبر را برای ما می‌غلطاند؟»<sup>۴</sup> و بتو ۳۸:۱۱-۳۹:۲۹ راست نشسته مشاهده کردند که سنگ به سوی غلطانیده شده است، باری بسیار بزرگ بود.<sup>۵</sup> وارد قبر شده مرد جوانی را به داشت و متحیر گردیدند.<sup>k</sup> امّا او به آنان گفت: متحیر نشوید، عیسی است که در جستجوی او هستید، آن ناصری، آن مصلوب. او قیام کرده<sup>۶</sup> در اینجا نیست. اینک جائی که او را گذاشته بودند.<sup>۷</sup> اما بروید به شاگردان او و به پطرس<sup>m</sup> بگوئید که پیش از شما به جلیل می‌رود برابر آنچه به شما گفته است در آنجا او را خواهید دید.<sup>۸</sup> و [زنان] خارج شده، از قبر گریختند، زیرا لرزان و شگفت‌زده می‌بودند و به هیچ کس چیزی نگفتند زیرا می‌ترسیدند...<sup>n</sup>

کرد که این قدر زود<sup>f</sup> مرده باشد و سنتوریون را صدا کرده از او پرسید آیا مدّت درازی است که مرده است.<sup>۴۵</sup> و با اطلاع از سنتوریون، جسد را به یوسف داد.<sup>۶</sup> و کفنه خربده او را [از صلیب] پائین آورده در کفن پیچید و در قبری که در صخره تراشیده شده بود نهاد و سپس سنگی جلوی قبر غلطانید.<sup>۷</sup> مریم مجده و مریم [مادر] یوشان، نگاه می‌کردند که او کجا گذارد شد.

### زنان بر سر قبر

(متی ۱:۲۸-۸؛ لوقا ۱۱:۲۴-۲؛ یوحنا ۱:۲۰)

### ۱۶ چون سبت گذشت<sup>۸</sup>، مریم

مجده و مریم [مادر] یعقوب و سالومه مواد خوشبو خریدند تا آورده او را معطر کنند.<sup>۹</sup> صبح زود، نخستین روز

<sup>f</sup>- اختصار مصلوب شدگان اغلب ۲ تا ۳ روز طول می‌کشید ولی عیسی به خاطر شکنجه‌ها و تازیانه‌های شب قبل و همان روز، بسیار ضعیف شده بود و همان طور که در بتو ۳۲:۱۹ آمده دو نفری که همراه عیسی مصلوب شدند زود نمردند.

<sup>g</sup>- یعنی پس از غروب آفتاب روز شنبه.

<sup>h</sup>- یعنی روز یک شنبه.

<sup>i</sup>- منظور از این سؤال که ظاهراً مربوط به یکی موضوع جزیی است جلب توجه به وقایع شگفتی است که بعداً اتفاق می‌افتد. زنان که منتظر چنین اتفاقی نبودند پس از حیرت به وحشت می‌افتد.

<sup>j</sup>- این اظهارات فقط پاسخ به سوالی نیست که در آیه قبلی مطرح شده است بلکه به نظر مرقس جنبه شگفت‌انگیز باز شدن قبر را تأیید می‌نماید.

<sup>k</sup>- لباس سفیدی که مرد جوان بر تن دارد نشانه شخصیت آسمانی است (ر. ک ۳:۹)، بدین سبب در ابتدای ترس مقدسی ایجاد کرده و سپس آرامش بخشیده است (آیه ۶). به همان گونه که در ظهورهای خداوند در کتاب مقدس تشریح شده است.

<sup>l</sup>- تحت‌اللفظی: «قیام کرده شده». این فعل در متن یونانی به صورت فعل ججهول است و نشان می‌دهد عملی با قدرت خدا انجام گردیده است. در اینجا نظیر تمام ظهورها پیامی که از سوی خدا می‌اید حائز اهمیت می‌باشد و همان تأیید ایمان مسیحی است که با کلمات و عبارات مرسوم در موقعه‌های کلیسا اولیه بیان می‌شود (ر. ک اع ۲:۲-۲۳؛ ۲:۲-۲۳؛ ۳:۴؛ ۱۵:۳؛ ۱۰:۴؛ ۱۵:۳؛ ۳:۵؛ ۱۰:۵؛ ۳:۶-۲۳؛ ۴:۱۰؛ ۴:۱۳؛ ۴:۲۸؛ ۱۳:۴). کلمه‌ای که «ناصری» ترجمه شده به صورتهای مختلفی در زبان یونانی بکار می‌رود و مرقس اکثر این کلمه توصیفی را در مورد عیسی بکار می‌برد (۶:۱۴؛ ۱۰:۱؛ ۲۴:۱؛ ۱۰:۲؛ ۲۲:۳؛ ۶:۳؛ ۴:۶) ولی به صورتی که معمولاً در موقعه‌های کلیسا اولیه بکار می‌رفته است (اع ۲:۲؛ ۲۲:۳؛ ۶:۳؛ ۴:۶) و در اینجا هریت آن مصلوب و آن قیام کرده را تعین می‌نماید.

<sup>m</sup>- ظاهر شدن‌های عیسای قیام کرده بر پطرس جایگاه مهمی در روایات مسیحیت اولیه دارد (۱- قرن ۱۵:۵؛ لو ۲:۲۴؛ ۲:۲۴). «برابر آنچه به شما گفته است» ر. ک مر ۱۴:۲۸ توضیح <sup>m</sup>.

<sup>n</sup>- علت فرار و سرگشتشگی و سکوت زنان ترس مقدسی است که بر اثر مکاشفه رستاخیز عیسی بر آنان دست داده است. ضمناً مشاهده قبر خالی به عنوان دلیل قیام عیسی ارائه نمی‌شود بلکه نشان می‌دهد بیهوده در جستجوی مصلوبی که اکنون قیام کرده برپایند.

<sup>۱۵</sup> و به ایشان گفت: «به سراسر جهان بروید و انجیل را به تمام آفرینش اعلام کنید.<sup>۱۶</sup> و که ایمان آورده و تعمید یابد، او نجات خواهد یافت، آن که ایمان نیاورده محکوم خواهد شد.<sup>۱۷</sup> و اینک نشانه هائی که به همراه ایمان آورندگان خواهد بود: به نام من دیوهای را خواهند راند، به زبانهای نو<sup>۱۸</sup> سخن خواهند گفت:<sup>۱۹</sup> مارها را به دست خواهند گرفت و اگر چیز مرگباری بنوشند<sup>۲۰</sup> به آنان آسیبی نخواهد رسید، بر دردمدنان دست گذاشته و آنها سالم خواهند شد.»<sup>۲۱</sup> باری آنگاه خداوند [عیسی] پس از سخن گفتن با ایشان، به آسمان برده شد و<sup>۲۲</sup> به راست خدا نشست.<sup>۲۳</sup> آنان رفته همه جا اعلام کردند، خداوند با ایشان کار می کرد<sup>۲۴</sup> و سخن را با نشانه هائی که به همراه آن بود<sup>۲۵</sup> تأیید می کرد.<sup>۲۶</sup>

پدیدار شدن عیسای برخاسته<sup>۰</sup>  
(متی ۲۷:۴۵-۴۶؛ لوقا ۳۲:۴۴-۴۹؛  
یوحنا ۱۹:۲۸-۳۰)

<sup>۰</sup> با مداد اولین روز هفته برخاسته، اول به مریم مجذلیه که از او هفت دیو را رانده بود پدیدار گردید. P<sup>۱۰</sup> او رفته به کسانی که با اوی بودند و سوگوار و گربان می بودند نوید داد.<sup>۱۱</sup> و آنان چون شنیدند که اوی زنده است و اوی را دیده به او ایمان نیاوردند.<sup>۱۲</sup> پس ازان، به شکلی دیگر به دو نفر از آنان که به سوی روستا می رفتد پدیدار گردید.<sup>۱۳</sup> و اینان رفته نوید را به دیگران دادند اما ایشان نیز ایمان نیاوردند.<sup>۱۴</sup> سرانجام به خود ایشان، به آن یازده، وقتی بر سر سفره می بودند پدیدار گردید و بی ایمانی و سنگدلی ایشان را سرزنش کرد زیرا به کسانی که او را قیام کرده دیده بودند ایمان نیاورده بودند.

- متون خطی مربوط به آیات ۲۰-۹ که پایان بخش انجیل مرقس هستند سیار مبهم و نامشخص می باشد.
- در تعدادی از نسخ این قسمت وجود ندارد و حتی بعضی از رونویس کنندگان تصریح کرده اند آیه ۸ پایان انجیل می باشد.
- ضمناً در کثیار روایت بلندی که خیلی متداول است و ما در اینجا ترجمه کرده ایم روایت کوتاه دیگری به این شرح وجود دارد: «زنان آنجه را به آنان اعلام شده بود به طور خلاصه برای همراهان پطرس تعريف کردن سپس خود عیسی ندای مقدس و زایل نشدنی نجات جاودانی را به وسیله آنان از مشرق تا به غرب فرستاد.»
- در یکی از نسخ، در فاصله بین آیات ۱۳ و ۱۵ روایت بلند، اعتراض شاگردان و پاسخ عیسی ذکر شده که چنین است: «آنان در دفاع از خود گفتند: این قرن بی دینی و بی ایمانی تحت تسلط شیطان است که نمی گذارد حقیقت و قدرت خدا را ارواح ناپاک دریافت کنند. بدین سبب عدالت تو از هم اکنون ظاهر می شود.» آنان این سخنان را به مسیح می گفتند و مسیح پاسخ داد: «پایان سالهای اقتدار شیطان فرا رسیده ولی چیزهای وحشتناک دیگری نزدیک می شود و من به مرگ تسلیم شدم تا کسانی که مرتکب گناه شده اند به سوی حقیقت باز گردند و دیگر گناه نکنند تا وارث افتخار و عدالت و افتخار روحانی و زایل نشدنی شوند که در آسمان است.»

- P فاعل فعل «پدیدار گردید» عیسی است که از ۱۵:۴۰ دیگر در صحنه حضور ندارد. این خاتمه (آیات ۹-۲۰) با کلمات و شیوه نگارش کاملاً متفاوتی از بقیه انجیل نوشته شده و اصولاً جریان روایت قبلی را قطع نموده است (مأموریتی که به زنان محول شده بود ناتمام مانده است) بنابراین می توان گفت این قسمت خلاصه ای از روایتهای پدیدار شدن عیسی است که در انجیلهای دیگر ذکر شده و اشاراتی که در اعمال رسولان آمده به آنها افروده شده است (مر ۱۶:۱۷-۲۰). این خلاصه به هچ وجه نکته جدیدی در بر ندارد تا بتوان شناخت بهتری از مسیح و وقایع بعد از قیام او به دست آورد. این خاتمه از قرن دوم میلادی شناخته شده بود و از همان موقع بعضی از پدران کلیسا در مورد اصالت آن تردید داشتند و چون بسیاری از معتقدان تعجب می کنند از اینکه انجیل مرقس ناگهان در آیه ۸ خاتمه یابد معتقدند قطعه پایانی انجیل گم شده و بجا آن این متن را گذاشته اند. در حقیقت ما نمی دانیم آیا مصنف کتاب قطعه ای به عنوان نتیجه نگاشته و اگر چنین است آیا پدیدار شدنی عیسای قیام کرده را نموده است (آیه ۷).